

بسم الله

الرحمن

الرحيم

نام درس:

برنامه ریزی فعالیت های فوق برنامه و
مکمل

نام استاد:

دکتر ساعدی

دانشگاه:

فرهنگیان پردیس علامه امینی تبریز

نیم سال تحصیلی:

دوم سال ۹۹

فهرست مطالب

فصل اول	۵
فصل دوم	۱۱
روان شناسی نوجوان	۱۳
شرایط لازم جهت کمک کردن دانش آموزان نوجوان به پیشبرد فعالیت های فوق برنامه:	۱۳
روش های شناخت رفتار نوجوان	۱۴
انواع ضرورت های توجه به دوران نوجوانی	۱۵
پایه های عمومی رعایت و هدایت نوجوانان و جوانان	۱۵
علت دشواری تعیین دقیق زمانی آغاز و پایان دوره نوجوانی	۱۵
رشد و تکامل در دوره ی نوجوانی	۱۶
رشد بدنی (فیزیولوژیک):	۱۶
رشد شناختی:	۱۶
رشد و تکامل هیجانی و عاطفی:	۱۷
رشد و تکامل اجتماعی:	۱۸
مسائل و مشکلات نوجوان:	۲۲
نیازهای نوجوان:	۲۲
موفقیت های مورد انتظار نوجوان	۲۷
عوامل مؤثر در ارضا نشدن نیازهای نوجوان	۲۸
عوامل مؤثر در پیدایش مشکلات و مسائل نوجوان	۲۸
روش های شناخت مشکلات نوجوان	۳۰
انواع مسائل و مشکلات نوجوان	۳۰
فعالیت های نوجوان برای حل مسائل و مشکلات	۳۱
فصل سوم	۳۵
ارزش فعالیت های فوق برنامه	۳۸
فصل چهارم	۵۲
شرکت در انجمن ها	۵۶
شرایط تشکیل انجمن ها	۵۷
انواع انجمن ها	۵۷
مدیریت انجمن ها	۵۷
فصل پنجم	۵۸
ضرورت های آموزشی (تربیتی) امروز	۶۳

۶۴	ضعف های موجود در مدارس
۶۵	آموزش های ضروری انسان
۶۸	فصل ششم
۷۳	سازمان و تشکیلات برنامه های فعالیت های فوق برنامه یا خارج از کلاس
۷۳	مدیریت فعالیت های فوق برنامه
۷۴	ارزشیابی فعالیت های فوق برنامه یا خارج از کلاس درس رسمی
۷۴	از دیدگاه مدرسه و معلمان
۷۵	از دیدگاه دانش آموزان
۷۶	از دیدگاه جامعه
۷۷	فصل هفتم
۷۸	فعالیت های آموزشی اردویی
۸۱	نقش های اردو در حوزه آموزش پرورش
۸۳	رفتار گروهی (تیمی) ناپذیرفته
۸۳	شناخت های مورد نیاز در پرداختن به فعالیت های اردویی

فصل اول

آموزش و پرورش دو شکل اصلی دارد: غیررسمی و رسمی. غیررسمی که تقریباً از زمان آغاز زندگی اجتماعی آدمی مطرح شده و انجام گرفته است که نماد همیشگی آن «خانواده» است. و هنوز هم مسئول عمده آموزش و پرورش غیررسمی «خانواده» تلقی می‌شود، هرچند که در گذشت زمان و پیدایش عوامل آموزشی دیگر، نفوذش در فرزندان کاهش یافته است. آموزش و پرورش رسمی که عمدتاً در سازه‌های به نام «مدرسه» (شامل همه مقاطع) انجام می‌گیرد و نوعی سازمان اجتماعی «تلقی می‌شود.

مدرسه همانند سایر سازمانهای اجتماعی دارای شأن و مسئولیت اختصاصی است و ناگزیر است هماهنگی جامعه پیش برود و هرگز نمی‌تواند خود را از آن دور نگه دارد. ضرورت و اهمیت تربیت رسمی مخصوصاً در دوران ابتدایی از زمانی مطرح شد که به دنبال مطالعات و تحقیقات زیگموند فروید و سایر روان‌کاوان و روان‌شناسان ثابت شد که سرنوشت هر فرد عمیقاً تحت تأثیر تجارب دوره کودکی اوست و روابط کودک با والدین و اطرافیانش از جمله اساسی‌ترین عوامل در تشکیل روان‌شناختی او بشمار می‌روند. به طور مثال: در هر جامعه، مردم، علاوه بر خصایص انفرادی، یک عده خصایص مشترک دارند که آن‌ها را از مردم سایر جامعه‌ها متمایز می‌کنند. به این خصایص مشترک، اصطلاح «شخصیت اساسی» اطلاق می‌شود که زاینده تجربه‌های مشترک دوران کودکی و محصول تربیت و طرز رفتار و برخوردی است که اولیا و مربیان فرد در کودکی با او داشته‌اند. مثلاً در خانواده و جامعه‌ای که تربیت کودک با مهربانی و نرمی آمیخته است شخصیت اساسی افراد آن به نرم‌خویی و آسان‌گیری نزدیک می‌شود. برعکس، جامعه‌ای که تربیت سختگیر دارد طبعاً افراد تندخو بار خواهد آورد که انتقام را بر مدارا ترجیح خواهند داد و به فرهنگ انتقامجویی بیش از فرهنگ گذشت و محبت، متمایل خواهند شد. در چنین جامعه‌ای اولیا و مربیان، کودکان را بیشتر به انتقامجویی زیرپوشش عنوان «دفاع از حقوق خود» تشویق خواهند کرد. از این روست که تربیت را اساسی‌ترین نهاد اجتماع می‌خوانند و تأثیر عمیق آن را در سایر نهادهای اجتماعی جستجو می‌کنند. به عبارت دیگر، تربیت، حکم‌زیربنایی دارد و شخصیت افراد جامعه، اعم از شخصیت فردی و اساس تجلیگاه نوع تربیت متداول خواهد بود.

مدرسه امروز باید نقش درمانگاه و مرکز توانبخشی را ایفا کند یعنی تنها به معلومات کلیشه‌ای محصلان خود نیندیشد بلکه رشد شخصیت سالم آنها را معیار اساسی موفقیت خود قرار دهد یعنی چگونگی فعالیت‌های خود را با این معیار بسیار مهم ارزیابی کند که چقدر می‌تواند به سلامت شخصیت محصلانش کمک کند و چقدر می‌تواند آنها را زنان و مردان زندگی سازد.

مدرسه امروز هنگامی می‌تواند نقش واقعی خود را ایفا کند و مؤثر و ثمربخش واقع شود که دارای خصایص زیر باشد:

۱. مدیر و معلمان حداقل از سه نوع اعتقاد و اعتماد برخوردار باشند:

الف. اعتماد و اعتقاد به خویشتن که می توانند در تربیت اشخاص سالم و آگاه موفق شوند.

به اعتقاد و اعتماد به محصلان، که اینان می خواهند و می توانند یاد بگیرند، می خواهند و می توانند تغییر یابند و شهروندان موفق و مؤثر بار آیند، و می توانند در انضباط مدرسه با مدیریت و معلمان همکاری کنند و یقیناً توطئه گر نیستند. پ. اعتقاد و اعتماد به علم، و پذیرفتن این واقعیت که علم هیچ وقت کامل نیست بلکه پیوسته در حال پیشرفت و کمال است و مدیر و معلمان یک مدرسه ناگزیرند همیشه در جریان این کمال باشند و یافته های نوین را جانشین یافته های قدیمی کنند.

۲. مدیر و معلمان، فرایند یادگیری را جدی بگیرند و توجه داشته باشند که:

الف. یادگیری فرایند همه عمر است. ب. یادگیری مستلزم تحریک کنجکاوی است. پ. یادگیری مستلزم انگیزش به وسیله ایجاد مسأله است. ت. یادگیری با اشتباه همراه است. ث. یادگیری زمان و مکان مشخصی ندارد. ج. یادگیری را می توان تسریع و تسهیل کرد. چ. ضرورت استفاده از تکنولوژی آموزشی در دنیای امروز

ح. محصلان وقتی یادگیری را جدی خواهند گرفت که مدرسه نیز آن را عملاً جدی تلقی کند. خ. امتحان، به هر شکل که باشد، وسیله ای نه چندان جدی، برای ارزشیابی یادگیری و آموزش است و هرگز خودش هدف نیست.. ۳. در مدرسه مؤثر، کار پایه یادگیری تلقی می شود، معلمان مسئولیت های تدریس را جدی می گیرند، و از محصلان انتظار دارند که با تکالیف کلاس جدی برخورد کنند. برای چنین مدرسه ای، کلاس رسمی تنها محل یادگیری و فعالیت آموزشی نیست، بلکه هر فرصت و رویدادی را موقعیت یادگیری و آموزش می داند.

۴. معلمان مدارس مؤثر، فنونی را آموخته اند که کمترین زمان را و برای برقراری انضباط در کلاس صرف می کنند بر عکس مدارس سنتی که بیشترین زمان کلاس را به برقراری انضباط یا ساکت کردن محصلان اختصاص می دادند. مدیران و معلمان مدارس مؤثر برای اداره مدرسه و کلاس، بندرت از عامل تنبیه استفاده می کنند.

۵. تحقیق در سالهای اخیر، اهمیت تأثیر و نفوذ مدیر را ثابت کرده است. مدیر در مدرسه مؤثر، رهبر آموزشی است. او با مسائل یادگیری و آموزشی آشنایی دارد و معلمان و محصلان را در حل چنین مسائلی هدایت می کند. در واقع، مشاور تربیتی معلمان و محصلان است. این مدیر برای تسریع و تسهیل و گسترش یادگیری برنامه ریزی می کند.

۶. وجود موقعیت سالم و مساعد از شرایط ضروری یادگیری مؤثر است. مدرسه ای که شلوغ، ناامن، و خصومت آمیز باشد طبعاً محل یادگیری رسمی مطلوب نخواهد بود. محیط مدرسه مؤثر آرام، سالم، خوشایند، و وسیله جامع و مرتبی برای یادگیری است.

۷. مدرسه مؤثر و موفق، اولیای دانش آموزانش را اعضای مؤثر مدرسه تلقی می کند و پیوسته با ایشان در ارتباط است. والدین آنها اعضای کلیدی گروه یادگیری هستند و در کمک به موفقیت تحصیلی محصلان با اولیای مدرسه صمیمانه همکاری می کنند.

علاوه بر آن، در پیدایش خودپنداری مثبت در محصلان، اثر بیشتری دارند. علاوه بر آنها برخی از محققان آموزش و پرورش، برای مداری مؤثر و موفق، خصایص زیر را نام می برند: به هم پیوستگی. در مدرسه مؤثر، معلمان و سایر لولیای مدرسه، با وجود داشتن اختلاف نظر و اختلاف سلیقه، همگی به هدف مدرسه توجه دارند و برای دست یافتن به آن تلاش می کنند.

ارتباطات خوب. به هم پیوستگی مذکور در صورتی امکان پذیر است که اعضای جامعه مدرسه از ارتباطات خوبی برخوردار باشند. اولیای چنین مدرسه ای می دانند چگونه باهمدیگر و با اولیای دانش آموزان، ارتباط خوب و سازنده برقرار کنند، چگونه لولیا را در جریان کار مدرسه و وضع تحصیلی دانش آموزان قرار بدهند، و چگونه از ایشان در بهبود یا افزایش بازده مدرسه کمک بگیرند.

مشوقهای دانش آموزان. مدرسه مؤثر عوامل تشویقی متعدد و متنوعی را برای همه محصلان تدارک می بیند و به این وسیله یادگیری بیشتر را بر می انگیزد. این مدرسه، منابع آموزشی و یادگیری شوق انگیز مختلفی را فراهم می کند.

انضباط دانش آموز. در مدرسه مؤثر و موفق، مقررات انضباطی برای دانش آموزان توضیح داده می شوند و روشن هستند. تنبیه، در صورت لزوم، صرفاً برای متوجه ساختن دانش آموز به اثر منفی عملکردش انجام می گیرد. همه مسئولان، مقررات مدرسه را محترم می شمارند و درباره همه دانش آموزان همیشه رعایت می کنند.

فعالیت های فوق برنامه. در مدرسه مؤثر و موفق به فعالیتهای فوق برنامه بیشتر اهمیت می دهند. اکثر اینگونه فعالیتهای (چنان که خواهیم دید) سازنده و ابتکاری هستند و اجتماعی انجام می گیرند؛ و همه اولیای مدرسه، محصلان را در این فعالیتهای کمک می کنند.

همچنین، خصایص مطلوب زیر را در مدرسه خوب و مؤثر ملاحظه می کنیم.

۱. پیشرفت تحصیلی بالاتر از سطح مورد انتظار است. ۲. بطور کلی، با محصلان در مدرسه و کلاس، خوب رفتار می شود. ۳. میزان غیبت پایین تر از حد انتظار است. ۴. گرایش نسبت به یادگیری مثبت است. ۵. محصلان پس از فراغت از تحصیلات مدرسه ای دریافتن شغل موفق اند.

۶. محصلان در اوضاع اجتماعی متنوعی کار می کنند یا مسئولیتی را به عهده می گیرند؟
در جو مدرسه مؤثر و موفق خصایص زیر را نیز ملاحظه می کنیم:

- احترام متقابل بین مدیر و معلمان

- احترام متقابل بین معلمان

- احترام متقابل بین اولیای مدرسه و محصلان

- احترام متقابل میان مسئولان آموزشی و کارکنان اداری

- اعتقاد مدیر، معلمان، و محصلان به اینکه پیشرفت تحصیلی در حد بالا در مدرسه ایشان امکان پذیر است.

به اعتقاد مدیر و معلمان به اینکه محصلان توان و صلاحیت این را دارند که در حد تسلط یاد بگیرند.

- معلمان بر این باورند که مدیر قویا از استعدادها و توانایی های محصلان حمایت می کند.

- مدیر کیفیت بالاتر تدریس را از معلمان انتظار دارد.

- معلمان از «احساس ثمربخشی» قوی تری برخوردارند

- معلمان در تدریس موفق به توانایی خود اعتماد دارند.

معلمان به ارزش و اهمیت کارشان و تأثیرهای فردی و اجتماعی آن آگاهند.

- مدیر و معلمان پیوسته برای رشد و تکامل توان آموزشی خود می کوشند.

- اکثریت معلمان از کارشان رضایت خاطر دارند. توانایی ها و رضایت خاطر معلمان نقطه محوری شکل دادن منش یا صفت یک مدرسه بشمار می روند. بعددوم رضایت خاطر معلم عبارت است از میزان اعتقادش به این

که در تصمیم گیریهای شغلی تأثیر دارد. در غیر این صورت، یعنی هنگامی که احساس کند در یک دیوانسالاری غیر شخصی کار می کند، طبعاً از رضایت خاطر مطلوب محروم خواهد شد. در مدرسه مؤثر و موفق، معلمان احساس می کنند که مسئولان اداری آموزش و پرورش، خود را نسبت به نیازهای معلمان مسئول می دانند. - معلمان مطمئن هستند که در هرگونه تصمیم گیری، مصلحت ایشان فراموش نخواهد شد.

- زمین و ساختمان مدرسه موفق و مؤثر خوشایندند. البته، منظور از خوشایند بودن، تازگی ساختمان نیست زیرا سن ساختمان در جوی آن کمتر اثر دارد. بلکه منظور از خوشایندی فیزیکی مدرسه مؤثر این است که:
* تمیز باشد،

* تعمیراتش بموقع انجام گیرنده،

* زمین بی خطر داشته باشد،

* آشغالش فوری جمع آوری و دور شود،

* محصلان نسبت به مدرسه احساس احترام کنند،

*از در و دیوارهایش بوی علم و تشویق به علم آموزی استشمام شود.

بحث از پدیده «مدرسه» را، که میدان حقیقی و واقعی تربیت رسمی است و وضع کلی حاکم بر آن، خواه و ناخواه، سرنوشت افراد و جامعه را تعیین، و شاید هم، تثبیت خواهد کرد، با اشاره به چند نکته دیگر پایان میدهیم اگرچه ممکن است بعضی از آنها تکراری بنظر برسد که به عقیده مؤلف، تکراری است لازم و مفید. از این قرار:

قبلا هم اشاره شد که مدرسه در همه مقاطع، از اختراعات اجتماعی است و جامعه، سرمایه گذار اصلی آن است.

مدرسه، در همه جهان، برای تأمین مقاصد جامعه طرح ریزی شده است.

مدارس در همه مقاطع) به تغییرات متناوب نیاز دارند تا بتوانند با تغییرات اجتماعی هماهنگ شوند و نیازهای جدید جامعه را پاسخ دهند. مدیران و معلمان، به عنوان حرفه ای های تربیتی، نیاز دارند بدانند:

۱. مدارس ما اکنون چگونه اند؟ (وضع موجود مدارس)

۲. مدارس ما چگونه باید باشند؟ (وضع مطلوب مدارس)

باید بدانند که مدارس دبستان، دبیرستان، دانشگاه در جهان امروز چه نقشی می توانند یا باید ایفا کنند. بعلاوه، باید بدانند:

۳. مدارس را چگونه می توان به شکل مطلوب تربیتی در آورد؟ که صرفاً سرگرم کننده کودکان و نوجوانان نباشند. توجه داشته باشند که افزایش تعداد مدرسه، هنر نیست و تنها بودجه می خواهد لکن ایجاد مدرسه مطلوب است که علاوه بر بودجه، مستلزم علم و هنر باهم است.

۴. خواسته های انتظارات تربیتی جدید، وجود چه نوع معلمانی را در مقاطع تحصیلی گوناگون ایجاب می کنند؟ .

۵. این چنین معلمان را در کجا و چگونه می توان (یا باید) تربیت کرد؟ بدیهی است که لااقل اکثر دانشگاه های ما، با شرایطی که دارند، نمی توانند برای هیچ مقطعی مدیران و معلمان موفق و مؤثر تربیت کنند؟

۶. روش کار مدیران و معلمان باید تغییر یابد.

۷. یادگیری مداوم باید بخش جدانشدنی زندگی همه مسئولان آموزش و پرورش کشور گردد.

۸. مدارس باید برنامه درسی جدید منطبق با نیازهای روز و آینده داشته باشند و یادگیری مستقیم استفاده از تکنولوژی جدید را در برنامه خود بگنجانند.

۹. معلمان نیاز دارند سه نکته مهم زیر را همیشه به یاد داشته باشند:

۹-۱. مدارس مهم هستند.

۹-۲. مدارس ناقص اند یا در حد مطلوب نیستند.

۹-۳. مدارس را می توان تغییر داد.

هم چنین، معلمان بدانند و بپذیرند که بازاندیشی درباره روشها و الگوهای آموزش در همه مقاطع تحصیلی ضرورت دارد. بدون تردید، معلم قلب موضوع آموزش و پرورش است بطوری که هرگاه تجارب شخصی مهم مدرسه را منعکس کنیم معلم قسمت عمده تصویر را تشکیل خواهد داد. بنابراین، بدون وجود معلم فرهیخته و خوب تربیت شده، سایر اعضای مدرسه، اعم از مدیر و کارمندان، و ساختمان هرچند جدید و مجهز، مشکلی را حل نخواهند کرد.

۱۰. سخن آخر اینکه تنوع مدارس تنها باید بر مقتضیات علمی و نیازهای امروز و فردای جامعه مبتنی باشد نه داشتن و نداشتن یا غنا و فقر مردم. طبقه بندی مدارس بر اساس وضع اقتصادی مردم یقیناً آینده ناگواری را نتیجه خواهد داد و طبقه بندیهای ناخواسته ای را در جامعه بار خواهد آورد که به جدایی تنفرآمیز میان شهروندان کشور خواهد انجامید.

مدرسه مؤثر و موفق امروز، که در واقع، مدرسه ای است آینده نگر دقیق، عمدتاً تلاش می کند که:

۱. کودکان و نوجوانان را برای پذیرش تغییراتی که در میدان های ارتباطات، حمل و نقل، بهداشت، مشاغل، اوقات فراغت پیدا می شوند، آماده کند.

۲. به کودکان و نوجوانان کمک کند که با تغییرات، سازگار شوند.

۳. آنها را کمک و راهنمایی کند که از فرصتهای جدید، سود ببرند.

۴. روشهای دیگر کنار آمدن با مسائل تغییر دهنده را پیدا کنند.

۵. یاد بگیرند که در تغییرات قابل پیش بینی چگونه اثر بگذارند.

مهم ترین امتیاز مدرسه امروز و فردا این است که هر حرکت حتی هر آرایش آن، دانش آموزان را به اندیشیدن انتقادی یعنی باز اندیشی و فراتر اندیشی برانگیزد.

فصل دوم

روان شناسی نوجوانی

مسئول مستقیم فرایند یادگیری خودمحصان هستند و مسئول مستقیم فرایند آموزش خود معلمان. هر چند که هر دو فرایند، بهتر است، به شکل تعاملی انجام گیرند که در این صورت، کلاس درس را «کلاس زنده» یا «کلاس معنادار» خواهیم خواند.

لازم است این چند نکته کلی را درباره ی فرایند یادگیری، که به عهده ی محصل است، یادآوری کنیم که توجه به آنها از جمله شرایط موفقیت در آموزش و پرورش است:

۱. فرایند یادگیری در طول زندگی ادامه دارد و جز در موارد خاص تعطیل نمی شود.
۲. هر فرد شخص مسئول یادگیری است و هیچ کس نمی تواند به جای او یاد بگیرد.
۳. یادگیری مستلزم کنجکاوی، برخورد با مسأله، و تفکر است.
۴. فرهنگ هر فرد و هر جامعه با وضع و میزان یادگیری آنها ارتباط مستقیم دارد.
۵. یادگیری زمان و مکان مشخص ندارد و حتی غالباً قابل پیش بینی نیست.
۶. یادگیری موفق مستلزم وجود سه عامل تعیین کننده زیر است:
 - الف. استعداد شخصی یادگیرنده
 - ب. موقعیت مساعد (امکانات مطلوب)
 - پ. هدایت بموقع و منظم
۷. یادگیری قابل تسریع، تسهیل، و تعمیق است.
۸. وضع یادگیری طبع از ارزشهای حاکم بر جامعه، مخصوصاً خانواده و مدرسه، متأثر می شود.
۹. همه کودکان و نوجوانان علاقه مندند یاد بگیرند.
۱۰. یادگیری ممکن است به شکل های دانستن، فهمیدن، و عمل کردن انجام گیرد.
 ۱۱. برای یادگیری، منابع متعدد و متنوعی وجود دارند.
 ۱۲. بهترین انواع یادگیری، یادگیری اکتشافی و معنادار است.
 ۱۳. هر گونه یادگیری به انگیزش نیاز دارد.
 ۱۴. یادگیری با عمل، مؤثرتر است.
 ۱۵. یادگیری خاصیت اخلاقی ندارد و کودک، خوب را همانند بد، و برعکس، یاد می گیرد.

۱۶. استفاده از وسایل آموزشی طبعاً به یادگیری فعال و معنادار کمک خواهد کرد.
 ۱۷. همه ی وسایل آموزشی در همه ی یادگیرندگان اثر همسان ندارند، و همه ی وسایل آموزشی، مورد علاقه یک سان یادگیرندگان نیست.
 ۱۸. یادگیری عملکرد، تنها با تجربه عملکرد امکان پذیر است.
 ۱۹. همه ی محصلان، همه ی موضوع ها یا مهارت ها را یکسان یاد نمی گیرند.
 ۲۰. استعداد یادگیری در همه ی مردم یکسان نیست زیرا هر شخص مؤلفه های زیستی منحصر به خود دارد.
 ۲۱. همه ی محصلان همزمان و در یک زمان یاد نمی گیرند.
 ۲۲. تشویق و تنبیه در همه ی محصلان، یکسان اثر ندارند.
 ۲۳. همه ی مردم از تمرکز دقت یکسان برخوردار نیستند.
 ۲۴. کودکان و نوجوانان نیاز دارند چگونه آموختن را یاد بگیرند.
 ۲۵. کتابهای درسی، هر قدر هم کامل و جامع تدوین شده باشند، تنها منابع یادگیری نیستند.
 ۲۶. کودکان (حتی همه ی مردم) در محیطی که احساس محبت، پذیرش، و موفقیت کنند بهتر یاد می گیرند.
 ۲۷. یادگیری بدون تقویت یعنی پاداش یا کیفر انجام نمی گیرد.
 ۲۸. تکرار و تمرین به تنهایی برای یادگیری ثمربخش کافی نیستند.
 ۲۹. اثر یا آثار یادگیری از وضع اصلی به اوضاع همانند منتقل می شوند.
 ۳۰. موضوع یادگیری باید روشن و از نظم و ترتیب یا سیستم (یا سازمان) برخوردار باشند.
- چند نکته ی مهم را نیز ما معلمان باید همیشه در نظر داشته باشیم:
۱. معّلم تنها منبع علم نیست.
 ۲. شخصیت معّلم بیش از معلومات او در محصلان مؤثر است.
 ۳. تدریس در هر مقطع آموزشی، علم و تجربه و هنر است.
 ۴. روش تدریس تابع یادگیری است نه برعکس.
 ۵. چگونگی تدریس در چگونگی یادگیری مؤثر است.
 ۶. تدریس مؤثر و موفق، همانند یادگیری مؤثر، به موقعیت مساعد نیاز دارد، یعنی محیطی که از وجود مدیر آگاه و موافق، وسایل آموزشی مناسب و لازم، تعداد متناسب محصل در هر کلاس برخوردار باشد.
 ۷. سلامت وجودی (تنکار شناختی و روانشناختی) معّلم از شرایط ضروری تدریس موفق است.

۸. معلم به تقویت علمی مداوم نیاز دارد و تدارک این امکان، از وظایف مسئولان آموزش و پرورش کشور است.

۹. معلمی می تواند افراد را تغییر دهد که خودش آماده تغییر یافتن باشد.

۱۰. کلاس و حتی مدرسه تنها منابع یادگیری و آموزش نیستند.

۱۱. معلم موفق و مؤثر بودن مستلزم برخورداری از حساسیت، فعالیت، و خلاقیت است.

۱۲. چگونه برخورد کردن با مسأله، مهم تر از حل کردن آن است.

۱۳. مهم این نیست که محصلان بدانند چیست، بلکه مهم یا مهم تر این است که بدانند چه چیز کجاست؟ و چرا آن جاست؟

۱۴. باسواد و عالم بار آوردن، چندان مهم نیست بلکه باسواد و عالم نگه داشتن بسیار مهم است.

۱۵. بدون وجود تعامل مداوم بین معلم و محصلان، تدریس موفق امکان ندارد.

۱۶. ارزش های شخص معلم، خواه و ناخواه، در تدریس او مؤثرند.

روان شناسی نوجوان

شرایط لازم جهت کمک کردن دانش آموزان نوجوان به پیشبرد فعالیت های فوق برنامه:

۱. از سوی اولیای مدرسه به درستی شناخته شوند.

۲. بین آن ها محبت و احترام برقرار شود و احساس ارزش کنند.

۳. اولیای مدرسه آن ها را همان گونه که هستند بپذیرند.

۴. فرصت برای موفق شدن داشته باشند و خودپنداری مثبت را در خویشتن رشد و پرورش دهند.

۵. محیط مدرسه از هر لحاظ جالب و جذاب باشد و باعث برانگیخته شدن استعداد هایشان گردد.

۶. وسایل آموزشی جهت تحقیق و یادگیری آنان به مقدار کافی فراهم باشد.

۷. همه دانش آموزان بتوانند موفقیت را تجربه کنند.

تازه ترین تحقیق علمی نوجوانی به عنوان یک موضوع و دوران خاص در رشد و تکامل انسان به وسیله استانی هال آغاز شد. او در کشور های مختلف به تحقیقات علمی درباره ی نوجوانی و تغییرات رشدی آن پرداخت. مهم ترین پرسش های تئوریک و تجربی، که این رولن شناس درباره نوجوانی مطرح ساخت عبارتند از:

۱. اهمیت نسبی تأثیرات زیستی و فرهنگی در رشد و تکامل نوجوان چیست و ماهیت تکامل آن ها چگونه است؟

۲. آیا نوجوانی دوران نسبتاً مشخص با آغاز ((بحران های عادی)) است یا مرحله ای است که با علائم اضطراب های روان شناختی بالینی و اختلال های عاطفی که در دوره بزرگسالی ادامه دارند، مشخص می شود؟

۳. ماهیت و دوره ی رشد و تکامل بدنی و فیزیولوژیک در نوجوانی چیست و چقدر است؟

۴. آیا رشد و تکامل نوجوان را باید ادامه رشد و تکامل قبلی و مقدمه ی رشد و تکامل بعدی در نظر گرفت یا به عنوان یک مرحله ی مشخص رشد و تکامل در نظر گرفت؟

جواب عمومی و متفق النظر روان شناسان ژنتیک و کودک به این پاسخ ها این گونه است:

الف. نوجوانی مرحله انتقال از دوران طفولیت به دوره ی بزرگسالی است.

ب. مرحله ی نوجوانی با یک عده تغییرات خاص بدنی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی مشخص می شود.

پ. بین مراحل: کودکی، نوجوانی و بزرگسالی همبستگی کامل وجود دارد و هر سه مرحله از نقطه نظر تربیتی، اهمیت حیاتی خاص دارند و باید مورد توجه قرار بگیرند.

بعضی از روان شناسان، که دوره ی نوجوانی را یم مرحله ی ((طوفان و فشار روانی)) یا ((تولد ثانوی)) می نامند، معتقد هستند که وقتی نوجوان را بهتر خواهیم شناخت که بدانیم دوران کودکی او چگونه بوده است. ت. دوران نوجوانی که معمولاً از ۱۲ و ۱۳ سالگی تا پایان ۱۸ سالگی و ۲۰ سالگی ادامه دارد، در دختران زودتر از پسران شروع می شود

ث. نوجوانی دارای ماهیت زیستی و اجتماعی و فرهنگی است.

ج. تغییرات رشدی دوران نوجوانی همه جانبه انجام میگیرند؛ بنابراین، به طور مثال نمی توان رشد بدنی را بر رشد ذهنی یا برعکس ترجیح داد و مهم دانست.

چ. نباید دوران نوجوانی را دوران غیر عادی یا نوجوان را فرد غیر عادی پنداشت بلکه او را هم مانند کودک و بزرگسال خصایص رشد و تکامل طبیعی خود را دارد.

ح. با توجه به ویژگی های عمومی دوران نوجوانی می توان آن را با هدف های زیر مشخص کرد:

روش های شناخت رفتار نوجوان

۱. مرحله تحلیل و توصیف. در این مرحله چگونگی رفتار موردنظر را مطالعه می کنیم تا بدانیم چیست و چگونه انجام می گیرد.

۲. مرحله ی تعلیل و تبیین (علت یابی). در این مرحله، می کوشیم علت یا علل ان رفتار را بشناسیم. یعنی بدانیم چرا یا به چه علت، رفتار مورد نظر ما از شخص مورد نظر سر می زند.

۳. مرحله تغییر. بعد از شناخت علت رفتار، برای تغییر و تبدیل آن رفتار به رفتار مطلوب اقدام می کنیم. نام این مرحله ((تکنولوژی رفتار)) است.

انواع ضرورت های توجه به دوران نوجوانی

۱. ضرورت فردی
۲. ضرورت اجتماعی
۳. ضرورت اقتصادی
۴. ضرورت سیاسی

پایه های عمومی رعایت و هدایت نوجوانان و جوانان

۱. پایه روانی یا روان شناختی
۲. پایه تربیتی یا آموزشی
۳. پایه اجتماعی یا جامعه شناختی
۴. پایه اقتصادی
۵. پایه سیاسی
۶. پایه دینی

علت دشواری تعیین دقیق زمانی آغاز و پایان دوره نوجوانی

۱. زندگی را هرگز نمی توان طبقه بندی کرد زیرا زندگی انسان پیوستگی و وحدت دارد. تجزیه و تفکیک آن امکان ندارد.
۲. وجود تفاوت های فردی بین افراد بشر است که عامل آن عوامل ارثی و محیطی است.
۳. طول دوران نوجوانی بر حسب اختلاف فرهنگ، وضع اقتصادی و اجتماعی محیط رشد فرق می کند.

رشد و تکامل در دوره ی نوجوانی

رشد بدنی (فیزیولوژیک):

رشد و نمو بدنی تأثیر عمیقی در شخصیت و سازگاری های اجتماعی و همه انواع سازگاری های عاطفی در این سال ها به تناسب رشد و نمو بستگی دارند.

در مرحله نوجوانی اعضای گوناگون داخلی، دستگاه بندی، و نیروی عضلانی نمو می کنند و کنشهای خاصی خواهند است. رشد و نمو بدنی در این دوره، بویژه نیمه اول، بسیار سریع است و به سرعت در دختران حوالی سیزده سالگی و در پسران حدود شانزده سالگی به حداکثر می رسد بعد به تدریج کاهش می یابد.

در دوران نوجوانی عضلات قلب سفت می شوند، معده بزرگ می شود، قفسه سینه و ششها بزرگ می شوند. رشد دستگاه عصبی با رشد سایر دستگاه های بدنی در بعضی جهات اختلاف دارد بدین معنا که سلول های عصبی، هنگام تولد، تقریباً از لحاظ مقدار کامل هستند و در مراحل گوناگون، فقط الیاف عصبی زیاد می شوند.

سرعت رشد قد در دوران نوجوانی در پسران میان ۱۲-۱۴ سالگی و در دختران بین ۱۰-۱۴ سالگی به حداکثر می رسد. در دوران بلوغ، آخرین رشد استخوان بندی انجام می گیرد.

بزرگترین نشانه رشد بدنی یا فیزیولوژیک در دوران بلوغ و نوجوانی پیدایش و ظهور نیاز به جنس مختلف یا میل جنسی است و بروز آن در ترلان پیش از پسران است. آغاز میل جنسی بر حسب افراد و محیط می کند. ظهور میل جنسی رفتار عمومی دختر و پسر را تحت تأثیر دهد و دید و گرایش او را نسبت به خویشان و اطرافیان حتی اوضاع تماعی موجود تغییر می دهد و او بینش تازه ای نسبت به زندگی سی پیدا می کند و به اصطلاح، دارای فلسفه خاصی می شود. اندر این مرحله، به راهنمایی سالمی نیاز دارد تا بتواند از آسیب های احتمالی در ارضای مطلوب میل جنسی در طول زندگی مصون بماند.

رشد شناختی:

در بحث از رشد ذهنی یا شناختی معمولاً موضوع «هوش» مطرح می شود که از جمله اصطلاحات روان شناسی بسیار متداول و مستعمل بین مردم است و به معناهای گوناگون به کار می رود ولی کمتر به معنای علمی آن توجه می شود.

مثلاً بعضی از مردم خود یا دیگری را به پرهوشی، «تیزهوشی»، نبوغ، «کم هوشی» و حتی گاهی به بیهوشی معرفی می کنند بدون اینکه منظور دقیقشان از این اصطلاحات روشن باشد. البته خودروان شناسان نیز، علیرغم ادعاو انتظارشان، در تعریف درست «هوش» یا «عقل» یا «ذهن» اتفاق نظر ندارند که

علت عمده آن را می توان در نامحسوس بودن مصداق این مفاهیم دانست. به بیان دیگر، هوش، یک امر فرد است. تعریف دقیق و همگانی آن امکان ندارد و ممکن است رای یا منظوره‌های خاصی مفیدتر از تعریف های دیگر باشد. در هر صورت، بیشتر روانشناسان معاصر غالباً ترجیح می دهند از بحث از

((هوش)) به عنوان یک پدیده مشخص خودداری کنند و به جای آن ((رفتار هوشی)) یا ((رفتار شناختی)) به کار می برند و آنهایی هم که همان اصطلاح «هوش» را به کار می برند احتمالاً موافق هستند که هوش، توانایی استفاده از تجربه و یادگیری سریع افکار یا انواع جدید رفتار تعریف شود.

رشد و تکامل شناختی در دوران نوجوانی به کندی انجام می گیرد. نوجوان به استدلال و فهمیدن بیشتر توجه دارد و نمی تواند طوطی وار حفظ کند. تخیل نوجوان گسترش می یابد و بیشتر شاعرانه است. نوجوان، در صورتی که خواندن بداند، به مطالعه آثار مختلف ادبی، هنری، و علمی علاقه مند است و از آنها لذت می برد. رغبت نوجوانان به خواندن ها بر حسب سن، جنس، محیط، تجربه های قبلی، و احتیاج فرق می کند. وسایل ارتباط جمعی مخصوصاً رادیو و تلویزیون و سینما در رشد و تکامل شناختی نوجوان مؤثرند. همچنین فکر منطقی و مستدل و نوجویی یا نوجواهی از ویژگی های دوران نوجوانی است.

رشد و تکامل هیجانی و عاطفی:

به نظر روان شناسان، نوجوانی یک دوره عاطفی و هیجانی طولانی است و رشد و تکامل فرد در این مرحله، بیشتر تحت تاثیر هیجان ها و عواطف است و رشد و تکامل فرد در این مرحله، بیشتر تحت تاثیر هیجان ها و عواطف است که تغییرات رشدی از یک طرف و عوامل محیطی از سوی دیگر، باعث پیدایش این وضع میش وند. همچنین، بیشتر ناراحتی های دوران نوجوانی عاطفی هستند. از هیجان ها و عواطف مهم دوران نوجوانی می توان ترس، خشم و محبت را نام برد. و ترس های نوجوان عبارتند از: ترس های مربوط به مدرسه و وصیل (مدرسه ای)، بهداشتی، خانوادگی بویژه در کیفیت ارتباط با والدین و نیاز به استقلال فکری و عملی، اقتصادی (انتخاب شغل) اخلاقی، روابط اجتماعی عمومی، و ترسهای جنسی و کیفیت تشکیل خانواده. نشانه های ترس در این دوره را می توان در اضطراب، کمروبی، درماندگی، و افسردگی خلاصه کرد.

همچنین، هیجان خشم در دوران نوجوانی به شدت تحریک می شود و عوامل محرک خشم نوجوان عبارتند از: ناکامی، احساس ظلم با ستمدیدی، و محرومیت. نوجوان وقتی عصبانی یا خشمگین می شود با پاسخ های حرکتی، کلامی، تغییر قیافه، سرزنش خود و گفتگوی درونی (با خود حرف زدن) خشم را اظهار می نماید.

محبت نوجوان ابتدا به خودش متوجه است و بتدریج می تواند دیگران را دوست بدارد. همچنین، نوجوان برای خود قهرمانی انتخاب می کند و او را در حد پرستش دوست می دارد و می کوشد خود را از هر لحاظ،

حتی وضع ظاهر و لباس پوشیدن، همانند قهرمانش گرداند. فعالیت های بدنی و اجتماعی سودمند از بهترین عوامل مؤثر در رشد و تکامل عاطفی نوجوان می باشند.

رشد و تکامل اجتماعی:

سال های نوجوانی، مرحله مهم و برجسته از رشد و تکامل اجتماعی و سازگاری به شمار می رود هرچند که اجتماعی شدن و کسب مهارت های اجتماعی اساسی از دوران کودکی آغاز می شود. و در دوران نوجوانی، پسر یا دختر مقررات و روابط اجتماعی را | به درستی می فهمد و به ارزش و اهمیت حیاتی آنها متوجه می شود و برای رعایت کامل آنها می کوشد. بدین ترتیب، زندگی اجتماعی در دوران نوجوانی بیشتر گسترش پیدا می کند و از دوران طفولیت ممتاز می شود. عمدتاً در مرحله نوجوانی است که فرد برای زیستن در اجتماع آمادگی پیدا می کند و سازگاری اجتماعی خوب را یاد می گیرد. منظور از سازگاری خوب این است که شخص احساسات، افکار و رفتار دیگران را به درستی دریابد و پیشگویی کند و نیز بتواند رفتارش را با جامعه یا بعضی از گروه های اجتماعی هماهنگ سازد.

رشد و تکامل اجتماعی نوجوان با این ویژگی ها مشخص می شود: انس و الفت به صورت: تمایل به جنس مختلف (نا هم جنس)، اعتماد به نفس، خودنمایی، پیروی از همگنان، و گسترش دایره فعالیت های اجتماعی؛ و تنفر به صورت: عصبانیت، تمسخر، تعصب و رقابت.

رفتار اجتماعی مراحل را طی می کند که در پسران عبارتند از مراحل: تقلید، افتخار به شخصیت، و تعادل اجتماعی؛ و در دختران مراحل: اطاعت، اضطراب، تقلید از پسران و تعادل اجتماعی.

عوامل مؤثر در رشد و تکامل اجتماعی نوجوان عبارتند از:

خانواده، وضع اقتصادی / اجتماعی و گروه همگنان.

دیگر از ویژگی های رشد اجتماعی در دوران نوجوانی پیدایش گرایش های دیدهای خاص است که معمولاً به این شکل ها ظاهر می شوند: علاقه به انتقاد و اصلاح، رغبت به یاری به دیگران، انتخاب دوست، علاقه به رهبری، گرایش اخلاقی نسبت به همکلاسان و معلمان و نظرهای خاص نسبت به معلمان و مواد درسی.

خصایص رشد و تکاملی دوران نوجوانی را به طور کلی-می توان چنین خلاصه کرد:

الف. از لحاظ بدنی

وزن به سرعت افزایش می یابد.

-تغییرات بدنی و فیزیولوژیک کاملاً آشکار و محسوس می شوند.

-در نتیجه ظهور تغییرات بدنی و فیزیولوژیک، اضطراب حرکتی پیدا می شود.

- اشتیهای غذایی زیاد در نوجوان پیدا میشود.

-خصایص جنسی به سرعت رشد و نمو می کنند و دختران حدود دو سال زودتر از پسران علایم بلوغ نشان می دهند.

-گاهی برای مدتی کیفیت کار غدد نامتعادل می شود.

- رشد و نمو استخوان بندی تقریباً کامل می شود و بلندی قدو قامت به حداکثرش میرسد..

-هماهنگی عضلانی بهتر می شود.

-قلب در آغاز نوجوانی به سرعت رشد می کند.

ب.از لحاظ شناختی(ذهنی)

-نوجوان آرمانها و ایده آل های عالی را دنبال می کند و دارای هدف های شخصی و اجتماعی می شود.

قدرت تشخیص و تمیز در نوجوان افزایش می یابد.

-به موضوع ها و مسائل اخلاقی، فلسفی و دینی علاقه مند می شود و در بعضی از نوجوانان یک نوع شک دینی پیدا می شود.

-نوجوان گاهی با والدینش به مجادله و مناقشه می پردازد و نمی خواهد عقاید آنها را بپذیرد.

-ذهن نوجوان به علت مشکلات روانی، که از خصایص طبیعی این مرحله می باشند، همیشه مشغول است و نمی تواند راه حل روشنی برای آنها پیدا کند.

-نوجوان بیشتر در جهان تخیل زندگی می کند. - استعدادهای خاص هنری ظاهر می شوند.

-نوجوان کارهایی را شروع می کند ولی همیشه آنها را تا پایان ادامه نمی دهد و ناتمام می گذارد.

-رغبت های شغلی در نوجوان ظاهر می شوند و او به تشخیص و انتخاب بین مشاغل گوناگون می اندیشد و با همگنانش مشورت می کند.

- دایره ی شناخت و تجارب نوجوان گسترش می یابد.

پ.از لحاظ عاطفی

- نوجوان به جاذب و جالب بودن وضع ظاهرش بسیار علاقه مند است.به همین سبب، درست نیست مدرسه به کوتاه شدن زلف آن ها اصرار ورزد که در خلق و انضباط شان اثر منفی می گذارد.

- بی ثباتی عاطفی دارد و خود را «همه چیزدان» یا به «علامه دهر» می پندارد.

- تغییرات ظاهری بدنی و فیزیولوژیک، موجب احساس شرم کر نوجوان می شوند.

- از مورد استهزای دوستان قرار گرفتن نگران است و می ترسد.

- در اثر زودرسی بلوغ دختران، علاقه به جنس مقابل در دختران . ، زودتر از پسران ظاهر می شود.

- برای استقلال و اتکا به خود می کوشد.

- ترس های مربوط به امور مدرسه، بهداشتی، اقتصادی، اخلاقی و جنسی موجب پیدایش اضطراب و آشفتگی، کمرویی، پریشان خاطری، افسردگی و دل شکستگی در نوجوانان می شوند.

- به مطالعه مواد خواندنی و گوش کردن به رادیو و تماشای فیلم تمایل بیشتری دارد.

- به افرادی که او را دوست می دارند و احترام می گذارند بیشتر اظهار علاقه می کند.

- بسیار و تقریباً از همه چیز انتقاد می کند.

- هرگونه توهین و سرزنش باعث ناراحتی های عاطفی نوجوان می شود.

- نوجوان به سرعت متأثر می شود و برای اظهار تأثرش به کارهایی اقدام می کند، لکن به زودی پشیمان می شود و در صحت کارهایش یا اقدام هایش تردید می کند و به سرزنش خویشتن می پردازد.

- وقتی عصبانی و خشمگین می شود در گوشه ای می نشیند و به گفتگوی درونی و گاهی گریه متوسل می شود.

ت- از لحاظ اجتماعی:

- قهرمان پرور است و با یک نفر بزرگسال، که بیشتر مورد تمجید و ستایش مردم است، همانندسازی می کند.

- به پذیرفته شدن در گروه های اجتماعی بسیار علاقه مند است.

- به مستقل شدن از خانواده اش تمایل نشان می دهد و این نخستین گام او برای زندگی بزرگسالی است

- به پذیرش مسئولیت گروهی و شرکت در فعالیت های جمعی واکنش مساعد نشان می دهد.

- نوجوان می کوشد مقام و منزلت خاصی بین دوستان و همسالانش کسب کند.

- رفتار و خصایص اجتماعی ظاهر می شوند.

- علیه بعضی از آداب و رسوم اجتماعی انقلاب و قیام می کند و از این کارش لذت می برد.

- دوست دارد که بیشتر اوقات خود را با همسالانش بگذراند.

بحث از رشد و تکامل نوجوان را با اشاره کلی به برخی از ویژگی های دوران نوجوانی یک کودک بهنجار که روان شناسان بیان می کنند به پایان می رسانیم:

*کودک وقتی بهنجار خواهد بود که از مهر و محبت معقول و کافی برخوردار شده باشد و او به سهولت دریابد که او را می پذیرند و دوستش دارند. این بهنجاری، به احتمال زیاد، نه تنها در دوران نوجوانی بلکه همه مراحل زندگی ادامه خواهد داشت.

*به او کمک شده باشد که به طور طبیعی بزرگ شود و بتواند به شایستگی زندگی را آزمایش کند.

*کودک زمان و مکان مناسبی برای کشف خویشتن و برای خود بودن داشته باشد.

*احساس کرده باشد که عضوی از خانواده است و بدان تها دارد.

*لغزش های او را از علامت های طبیعی و عادی رشد و تکامل او تلقی کنند و بدون هرگونه اذیت و مذمت به اصلاح آنها بپردازد.

*مهارت های رشد و تکاملی او: راه رفتن، حرف زدن، خواندن و برایش لذت بخش باشند و از هر گونه ایجاد رقابت در این رقابت ها بین کودک و دیگران خودداری شود.

*در دوران کودکی به او فرصت داده باشند که در برنامه ریزی های خانوادگی شرکت کند و واقعا دریافته باشد که خانواده به وجود او نیاز دارد.

*آزادی داشته است که نیازهای خویش را بیان کند و برای ارضای آنها شخصا مسئولیت به عهده بگیرد و آزاد باشد.

*او می توانسته که به راحتی احساساتش را بیان کند و بدون ترس و نگرانی درباره همه چیز بیندیشد و سخن بگوید؛ او توانسته است که ضمن شکست، همانند موفقیت، یاد بگیرد و والدینش موفقیت او را ستوده اند بیش از اینکه کوتاهی ها و نارسایی های او را بزرگ نمایند.

*همچنانکه بزرگ می شود در می یابد که والدین او بهترین آنچه را که می توانند انجام می دهند آنها در حق او نیز چنین می پندارند.

*او احساس می کند که والدینش همانقدر که به او توجه دارند برادران و خواهرانش را نیز مورد توجه قرار می دهند.

*اعضای خانواده با همدیگر پیوستگی کامل دارند، یکدیگر را تحمل می کنند، و همدیگر را یاری می رسانند.

*او از آغاز کودکی تحت انضباط ملایم و مداومی بوده و به او کمک شده است که مسئولیت اعمالش را به عهده بگیرد.

*اعتقاد به کار و کوشش را که لازمه زندگی خوب است از والدینش آموخته باشد.

*والدین ها و نوجوانان در پذیرش خصایص زیر همکاری کنند.

الف. خود طبیعی.

ب. محدودیت ها و توانایی ها.

پ. نیاز به حمایت و استقلال.

ت. خویشتن و جنس مختلف.

ث. رغبت‌های شغلی و هدف های زندگی والدین ها باید بدانند و بپذیرند که یک نوجوان می خواهد:

الف. گاهی به راه و روش های طفولیت برگردد (با لکنت حرف زدن، ناخن جویدن، گستاخی کردن).

ب. افکار و عقاید، دین و مذهب، با معیارهای اخلاقی را .. بررسی کند و برگزیند.

پ. گاهی گستاخ، نامهربان، خشن و بی ادب، و پر جلوه باشد

لکن هنوز انتظار دارد که با محبت و دوستی با وی رفتار کنند.

ت. سهل انگار و بی پروا باشد، ولی انتظار دارد والدین وفادار باشند، او را تحمل کنند و دوستش بدارند.

ث. گاهی تنها باشد، در عین حال می خواهد او را دریابند و به او کمک کنند.

ج. معیارهای بزرگتران را مورد انتقاد قرار دهد، لکن می خواهد او را در شناخت رفتار رشد یافته کمک کنند.

مسائل و مشکلات نوجوان:

تا این جا از چگونگی رشد و تکامل نوجوان به اختصار سخن گفتیم و اشاره کردیم که بدون آشنایی با آن، هرگونه طراحی و برنامه ریزی برای نوجوانان حتما ناموفق خواهد بود. این به مشکلات و مسائل نوجوان اشاره می کنیم. یعنی می خواهیم بدانیم نوجوان در دوران رشد و تکامل خویش با چه نوع مسائلی برخورد می کند و چگونگی رفع و حل آنها در وضع زندگی او در حال و آینده اش چه اثرهایی دارد. ولی پیش از بررسی مشکلات نوجوان بهتر است ابتدا «نیازهای سنی نوجوان» را مورد مطالعه قرار دهیم.

نیازهای نوجوان:

معمولا مسأله یا مشکل، به انگیزه ای گفته می شود که شخص نمی تواند با پاسخهای آموخته اش آن انگیزه را ارضا کند. ما وقتی توجه وجود مسأله با مشکل می شویم که به حل آن نیاز داریم. به بیان دیگر، پیدایش هرگونه عدم تعادل، باعث پیدایش «نیاز» با احتیاج در فرد می شود که او وجود مشکل را احساس می کند و برای حل آن و رفع یا ارضای نیازش می کوشد. پس، وجود احتیاج است که برای انسان مشکلاتی بار می آورد و با او را با مسائلی مواجه می کند. از این رو، قبلا باید نیازهای نوجوان را بشناسیم. باید با این نکته مهم توجه داشته باشیم که هر سن و مرحله رشدی مسائلی دارد که اگر در آن مرحله یا سن حل نشوند،

علاوه بر اینکه حل آنها در مراحل بعد دشوار و حتی گاهی غیرممکن خواهد شد، اثرهای منفی نیز در رفتار شخص خواهند گذاشت. در حقیقت، بهداشت روانی جز این نیست که به فرد کمک شود تا شخصاً مسائل و مشکلات خود را به درستی دریابد، عوامل ایجاد کننده آنها را به درستی بشناسد و آنها را به طرق رضایت بخش حل کند.

نیازهای انسان را به طور کلی می توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱. **نیازهای زیستی**، که گاهی نیازهای اولیه یا اساسی نیز نامیده می شوند زیرا زندگی بدون ارضای آنها غیرممکن یا بسیار دشوار خواهد بود، از سوی دیگر، پایه نیازهای نوع دوم نیز می باشند.

۲. **نیازهای روانی یا روان شناختی**، که در روانشناسی از آنها بحث می شود، این نیازها اگرچه به اندازه نیازهای زیستی اهمیت ندارند لکن کیفیت لرضای آنها در نیازهای زیستی اثر می گذارد. ارضاشدن با بد ارضاشدن نیازهای روانی، شخص را از زندگی سالم و مطلوب محروم می کند زیرا چگونگی فعالیت اعضای مختلف بدن را ما تاثیر قرار می دهد و در بعضی موارد، رشد آنها را به تعویق می اندازد.

درباره ی تعداد نیازهای روان شناختی بین روانشناسان اختلاف نظر وجود دارد، چنانکه برخی از ایشان ۱۳ نیاز و گروهی ۷ یا ۸ نیاز را نام می برند. بیشتر روانشناسان وجود نیازهای روان شناختی زیر را در انسان قبول دارند اگرچه بعضی از ایشان به جای اصطلاح «نیاز» اصطلاحات «سائقه»، «میل»، «رغبت»، «خواسته» و ... را ترجیح می دهند.

۱. **نیاز به محبت**. انسان در همه دوران زندگی خود نیازمند است مورد محبت اطرافیانش (والدین، افراد خانواده، و همگنان، ...) قرار گیرد و خود نیز به ایشان محبت نماید (محبت متقابل). شخص (کودک نوجوان، جوان، و سالمند) محروم از محبت متقابل، در حقیقت، از زندگی انسانی سالم محروم است و نه تنها خود از زندگی لذت نمی برد و آن را یک نوع تحمیل و جریمه تلقی می کند بلکه اطرافیانش را هم از زندگی خوشایند محروم می کند. و گاهی ممکن است برای ارضای آن-مخصوصاً در دوران کودکی و نوجوانی-به فعالیت های ضدانسانی دست بزند و در جهت انتقام جویی از اطرافیانش تلاش کند.

۲. **نیاز به تعلق خاطر**. هر کس نیاز دارد خود را به گروهی متعلق بداند و خود را به آن نسبت دهد، اگرچه ممکن است گاهی این گروه، برای هدف های نامطلوب، تشکیل شده باشد. وجود فعالیت های گروهی در مدرسه به ارضای صحیح این نیاز کمک می کند.

۳. **نیاز به امنیت خاطر**. هر فرد نیازمند است که از لحاظ اقتصادی و موقعیت یا منزلت اجتماعی دارای اطمینان خاطر باشد و هیچ عاملی این موقعیت او را تهدید نکند.

۴. **نیاز به موفقیت**. انسان همیشه و در همه مراحل زندگی می خواهد در کاری که انجام می دهد یا در رسیدن به هدف هایش توفیق یابد و از هر گونه شکست یا ناکامی در امان باشد.

۵. **نیاز به آزادی از گناه و ترس**. انسان نیازمند است از هرگونه تقصیر که به مورد ملامت قرار گرفتن او

منجر می شود، ترس و اضطراب آزاد باشد.

۶. نیاز به شناخته شدن و پذیرفتگی (مقبولیت). هر شخص نیاز دارد که مردم بویژه اطرافیان (والدین، معلمان، همگنان) شخصیت او را دریابند. و او را به عنوان یک فرد مستقل و مفید و با ارزش بپذیرند و برایش احترام قائل شوند. گاهی از این نیاز با عنوان «نیاز به احساس ارزشمندی» نام برده می شود.

۷. برخورداری از بهداشت و سلامت عمومی (بدنی و روانی).

نیازهای نوجوان را می توان به چهار گروه تقسیم کرد:

۱. نیازهای مشترک با سایر مردم، یعنی نیازهایی که همگانی هستند و غیر نوجوانان نیز دارند و قبلاً به آنها اشاره کردیم.

۲. نیازهای سازگاری اختصاصی نوجوانی. چنانکه قبلاً گفته شد مرحله نوجوانی، دوران تغییرات بدنی (فیزیولوژیک) و روانی (پسیکولوژیک) است و همین وضع، نیازهای خاصی را در نوجوان بوجود می آورد که مهمترین آنها عبارتند از:

* نیاز به سازگاری با تغییرات فیزیولوژیک (بدنی)

* نیاز یا میل به جنس مختلف (ناهم جنس)

* نیاز به آزادی از وابستگیها و قیدهای کودکانه

۳. نیاز به کمک و راهنمایی بزرگسالان در حل مسائل شخصی.

نوجوان با اینکه می خواهد مستقل باشد و خود را از سلطه ی بزرگسالان، بویژه والدین خود، بویژه والدین خود، آزاد کند و بر خویشتن متکی باشد ولی به علت کم تجربگی همواره نیازمند است که در حل بعضی از مشکلات و مسائل شخصی و موفقیت در سازگاری با محیط از سوی والدین، معلمان، و اشخاص مورد اعتمادش راهنمایی شود و این راهنمایی-چنانکه قبلاً گفته شد-باید از روی احتیاط و آگاهی کامل و با محبت و احترام به شخصیت نوجوان انجام گیرد.

۴. نیازهای مربوط به بزرگسالی. نوجوانی-معمولاً - پلی است بین کودکی و بزرگسالی، بنابراین، فرد در این مرحله از رشد و تکامل طبعاً می خواهد خود را برای زندگی بزرگسالی آماده کند و برای همین منظور، نیازهای خاصی دارد که عبارتند از نیاز به:

* آموختن راههای معقول آزاد اندیشی و آزادمنشی

* آموختن اصول و قواعد بزرگسالانه رفتار

* رشد و تکامل استعداد و توانایی کار کردن و انتخاب شغل آمادگی برای زنashویی و انتخاب همسر و تشکیل خانواده

*کسب شناخته‌های دیگر، توانایی‌ها، و گرایش‌های ضروری برای دوران بزرگسالی

به نظر بعضی از متخصصان تربیتی نیازهای تربیتی نوجوان، عبارتند از نیاز به:

۱. رشد و گسترش مهارت‌های معامله‌ای و شناخت‌ها و گرایش‌هایی که نوجوان را یک مولد و شریک هوشمند در زندگی اقتصادی بار می‌آورند. به همین منظور، نوجوان نیاز دارد که با مشاغل مختلف آشنا شود و مهارت‌های شغلی مختلف را یاد بگیرد.

۲. برخورداری کافی از بهداشت خوب و تندرستی.

۳. شناخت حقوق و وظایف خویش در جامعه و عضو مفید و مؤثر شدن در آن.

۴. شناخت ارزش و اهمیت خانواده برای فرد و جامعه و شرایط تشکیل خانواده موفق.

۵. آشنایی با چگونگی خرید و کاربرد هوشمندانه اشیاء و وسایل زندگی. همچنین در ارزش کار و کارگر در زندگی اقتصادی-اجتماعی.

۶. آشنایی با روش‌های علم، تأثیر علم در زندگی انسان، و حقایق علمی مهم مربوط به جهان و انسان.

۷. فرصت‌هایی برای گسترش توانایی‌های ارزیابی و قدرشناسی زیبایی‌های ادبی، هنر، موسیقی، و طبیعت.

۸. بدست آوردن قدرت یا توانایی استفاده معقول از اوقات فراغت و پول، همچنین متعادل ساختن رضایت خاطر شخصی با رضایت خاطر جامعه.

۹. آموختن گسترش احترام به اشخاص دیگر و کسب بینش نسبت به ارزش‌ها و اصول اخلاقی و توانایی همکاری با دیگران.

۱۰. آموختن اینکه عاقلانه بیندیشد، افکارش را به روشنی بیان کند و بتواند آنچه را که می‌خواند و می‌شنود بفهمد.

عده‌ی دیگری از مربیان و متخصصان آموزش و پرورش نیز از نیازهای زیر در نوجوانان نام می‌برند:

* شناخت و تمرین مهارت‌های زندگی خانوادگی

* یادگیری اینکه چگونه می‌توان وقت و پول یا دارایی خود را بهتر صرف و اداره کرد.

* برخورداری از تربیت عمومی

* رشد و تکامل منش خوب و احترام شخصی

* رشد و گسترش مهارت‌های خواندن، نوشتن، حرف زدن، و گوش دادن، و استدلال

* درک و کسب اطلاعاتی درباره‌ی تغییراتی که در دنیا پیدا می‌شوند.

* رشد و گسترش علاقه به یادگیری مداوم (در حال و آینده) یا خودآموزی

* احترام قائل شدن به کار و احساسات خویشان

* آشنایی با چگونگی حفظ سلامت عمومی خود

* آموختن اینکه چگونه باید به اشخاصی که افکار و اعمال و ظاهر متفاوت با او دارند احترام بگذارد.

* آموختن احترام گذاشتن به همکاران

* یادگیری چگونگی صرف اوقات فراغت

* رشد و گسترش توانایی انتخاب شغل مناسب

* کسب توانایی ارزش دادن به فعالیت‌های هنری و زیبایی

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان نیازهای نوجوانان ایرانی را چنین خلاصه کرد:

۱. نیاز به بدن سالم و نیرومند

۲. نیاز به پذیرش تغییرات بدنی و فیزیولوژیک سریع مخصوصاً در آغاز دوران نوجوانی

۳. نیاز به تعادل هیجانی و عاطفی مخصوصاً تعادل بین عواطف و عقل

۴. نیاز به درک ارزش وجود خویشان

۵. نیاز به خوب استفاده کردن از اوقات فراغت

۶. نیاز به شناخت و درک صحیح تاریخ و فرهنگ خویشان

۷. نیاز به استقلال عاطفی از خانواده

۸. نیاز به حفظ تعادل روانی و عاطفی خویش در مقابل عوامل فشاری محیط

۹. نیاز به استقلال اقتصادی از خانواده

۱۰. نیاز به یادگیری مقاومت در مقابل موانع و شکست با عوامل ناکامی

۱۱. نیاز به برقراری روابط سالم با مردم

۱۲. نیاز به پیدا کردن دوستان خوب و مورد اعتماد

۱۳. نیاز به پذیرش نقشی که باید به عنوان یک مرد یا زن و یک همسر ایفا کند

۱۴. نیاز به توانایی اداره ی خانواده (به عنوان مرد یا زن)

۱۵. نیاز به شناخت وظایف و حقوق خود به عنوان یک شهروند ایرانی

۱۶. نیاز به انتخاب هدف‌های واقعی

۱۷. نیاز به درک ضرورت قبول مسئولیت
۱۸. نیاز به شناخت ارزش مبانی کار
۱۹. نیاز به انتخاب شغل متناسب با استعداد و علایقش
۲۰. نیاز به وجود اطرافیان مهربان و دلسوز که مسائل نوجوان را دریابند و در صورت لزوم، اورا راهنمایی کنند
۲۱. نیاز به شناخت ارزش و اهمیت همکاری با دیگران
۲۲. نیاز به خودشناسی و درک کم و کیف استعدادها، توانایی، رغبت ها و نیازهای خویشان
۲۳. نیاز به کسب و رشد مهارت ها، تمایلات و گرایش های لازم
۲۴. نیاز به حفظ خود از گرفتاری به اعتیادهای گوناگون
۲۵. نیاز به راهنمایی و رهبری سالم دینی و تشخیص حقایق از موهومات
۲۶. نیاز به شناخت زندگی سالم و کیفیت برخورداری از آن

موفقیت های مورد انتظار نوجوان

نوجوان امروز، همانند سایر افراد، انتظاراتی تقریباً متفاوت با انتظارات نوجوانان نسل های گذشته دارد که می توان آنها را چنین خلاصه کرد و باید مورد توجه اولیا و مربیان باشند:

۱. موفقیت در برقراری روابط مطلوب با همسالان
 ۲. موفقیت در ایفای نقش اجتماعی مردانه با زنانه
 ۳. موفقیت در خودشناسی (خود واقعی) و خودپذیری
 ۴. موفقیت در کسب استقلال عاطفی از والدین و سایر بزرگسالان
 ۵. موفقیت در کسب اطمینان خاطر از استقلال اقتصادی
 ۶. موفقیت در آماده شدن برای یک حرفه
 ۷. موفقیت در آماده شدن برای ازدواج و تشکیل خانواده مطلوب
 ۸. موفقیت در رشد و تکامل مهارت های ذهنی و مفاهیم لازم برای شهروند شایسته بودن
 ۹. موفقیت در پذیرش مسئولیت اجتماعی:
 ۱۰. موفقیت در آموختن ارزش های اخلاقی که راهنمای رفتار هستند.
- میدان فعالیتهای فوق برنامه از جمله فرصت های ارزشمندی است که نوجوانان را در چگونگی ارضای مشروع نیازها و دست یافتن به این موفقیتها کمک می کند.

عوامل مؤثر در ارضا نشدن نیازهای نوجوان

بدیهی است وقتی نوجوان بتواند نیازهای مشروع خود را به سهولت ارضا کند از سلامت روانی برخوردار خواهد شد لکن متأسفانه همیشه این موفقیت امکان ندارد و عوامل سبب می شوند که نوجوان نتواند نیازهایش را ارضا کند. این عامل ها را می توان به طور کلی به دو گروه تقسیم کرد:

اول. عوامل شخصی (موانع ذاتی):

عوامل شخصی که مانع ارضای نیازهای روانی و اجتماعی نوجوان می شوند عبارتند از:

۱. بیماری های بدنی مخصوصاً اگر مداوم یا مزمن باشند

۲. نقصهای بدنی

۳. نارسایی یا کمبود استعدادهای ذهنی

۴. نشناختن امکانات شخصی

۵. نداشتن تفکر روشن درباره هدف هایی که میخواهد به آنها برسد.

دوم. عوامل (موانع) محیطی

گاهی ممکن است عوامل محیطی مانع ارضای نیازهای نوجوان شوند. این عوامل به اختصار عبارتند از:

۱. محیط طبیعی نامساعد

۲. رفتار و برخورد بد خانواده (تربیت نادرست خانواده)

۳. نادانی و فقر خانواده

۴. شرایط نامناسب محیط مدرسه

۵. نبودن فرصتهای کافی برای فعالیت

۶. نامناسب بودن شرایط و اوضاع محیط اجتماعی

عوامل مؤثر در پیدایش مشکلات و مسائل نوجوان

از آنچه درباره نیازهای دوران نوجوانی گفتیم می توان نتیجه گرفت که:

الف. ارضا نشدن یا بد ارضاشدن آنها، مسائل و مشکلاتی برای نوجوان ایجاد خواهد کرد. (تقریباً شامل همه مردم است)

ب. حدود و کیفیت بیشتر نیازهای مرحله ی نوجوانی رنگ محیطی یا فرهنگی پیدا می کند. به عبارت دیگر، اکثر نیاز های نوجوانی را عامل فرهنگ حاکم بر زندگی مردم از جمله باوجود می آورد.

پ. مسائل و مشکلات نوجوان به صورت های عاطفی، اجتماعی، اخلاقی، ظاهر می شوند، حتی مشکلات ناشی از تغییرات بدنی و فیزیولوژیک نیز به صورت مسائل مذکور آشکار می شوند.

از جمله هدفهای اساسی آموزش و پرورش نوجوانان و مسئولیت عمده مربیان، کمک و راهنمایی نوجوانان در ارضای مطلوب این نیازهاست.

ت. نوجوانان، با وجود داشتن مسائل و مشکلات مشترک، دارای مسائل متفاوتی هستند زیرا در خانواده ها و محیط ها و فرهنگ های متفاوتی رشد و تکامل پیدا می کنند و بزرگ می شوند.

ج. منظور از مشکل یا مسأله نوجوان، اوضاع و احوالی است که موجب نگرانی و اضطراب نوجوان می شوند. همچنین انحراف هایی را دربر می گیرد که نوجوان به آنها گرفتار می شود و برای رهایی از آنها تلاش می کند.

چ. اشاره به این نکته مهم ضروری است که هر نوجوان، بلکه هر انسان، در این دنیا ناگزیر با مسائل و مشکلاتی مواجه خواهد شد زیرا هرگز امکان ندارد که یک نفر در هر شرایطی که باشد، بتواند به همه هدفهایش برسد و همه نیازهایش را به دلخواه خود ارضا کند. خوشبختی، سلامت بدنی و سلامت روانی همگی امور نسبی هستند نه مطلق، خود زندگی از یک رشته مشکلات ترکیب یافته است که مردم ای حل آنها می کوشند و به موفقیت های متفاوتی دست می یابند. خلاصه، زندگی بدون مسائل و مشکلات، وجود ندارد.

ح. مشکلات نوجوان، از لحاظ سادگی و پیچیدگی، آسانی و دشواری، تعداد و نوع متفاوتند. از سوی دیگر، دید نوجوانان نسبت به اهمیت و ارزش مسائل و مشکلات، متفاوت است چنانکه برای بعضی از نوجوانان، مسائل بدنی مهم اند و برای برخی دیگر، مشکلات اقتصادی و ... مهم هستند. متفاوت بودن مسائل معمولاً از عوامل سن، شناخت و هوش، جنس، فرهنگ خانواده و جامعه، موقعیت اجتماعی اقتصادی، سن و شرایط کلی والدین و محیط طبیعی متأثر می شود.

خ. نوجوانان همانند همه مردم در برخورد با مسائل و مشکلات واکنش های متفاوتی از خود نشان می دهند چنانکه بعضی از ایشان، به گریه و زاری متوسل می شوند و برخی برای پیدا کردن علت های آنها می کوشند. نوع برخورد با مسائل معمولاً تحت تأثیر نوع برخورد والدین قرار می گیرد.

مهمترین عوامل مؤثر در ماهیت مشکلات نوجوانان و اختلاف برخورد ایشان با آنها عبارتند از:

۱. اختلاف در ویژگیهای موروثی (فطرت).

۲. اختلاف در تربیت خانوادگی و تجارب دوران کودکی.

۳. اختلاف در نوع برخورد اطرافیان در خانه و مدرسه یا سایر نهادها با نوجوانان.

۴. اختلاف در گرایش ها و رغبت ها و میزان اعتماد به نفس.

۵. اختلاف در اوضاع و امکان های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی حاکم بر نوجوانان.

روش های شناخت مشکلات نوجوان

برای پی بردن به وجود، نوع، تعداد، و کیفیت مسائل و مشکلات نوجوانان می توان از چند راه شروع کرد:

۱. مشاهده مستقیم اعمال و حرکات نوجوان که ممکن است به صورت اتفاقی یا برنامه ریزی شده انجام گیرد.

۲. مصاحبه مستقیم با نوجوان و خواستن از او که از مسائل و مشکلاتش سخن بگوید.

۳. استفاده از پرسشنامه خاص.

۴. مطالعه و تحلیل نظرهایی که پزشک، معلم، دوستان و ... درباره نوجوان موردنظر اظهار می کنند.

۵. تحلیل یادداشتهای روزانه نوجوان.

۶. روش مطالعه حالتی.

انواع مسائل و مشکلات نوجوان

مسائل یا مشکلات نوجوان را می توان به صورت زیر طبقه بندی کرد بدون اینکه از پیوستگی آنها به همدیگر غافل بود یا آن را طبقه بندی قطعی تلقی کرد.

اول. مشکلات بدنی از قبیل: نداشتن تناسب اندام مطلوب، محرومیت از خواب و استراحت کافی، احساس خستگی، ظهور تمایلات جنسی و نگرانی از چگونگی ارضای مطلوب و مشروع آنها، و ...

دوم. مشکلات شخصیتی از قبیل: احساس حقارت، کمرویی، کمبود اعتماد به نفس، احساس فشار از اطرافیان، نگرانی از پذیرفتگی در میان همگنان، هیجانی افراطی بودن، عصبانیت فوری، نگرانی از بی مهری و بی احترامی اطرافیان مخصوصاً همگنان، و ...

سوم. مشکلات خانه و خانوادگی از قبیل: احساس تنهایی، احساس فاصله زیاد از والدین در گرایش ها و رغبت ها، نداشتن امکان گفتگو درباره ی مسائل شخصی با والدین، ناتوانی از طرح مسائل جنسی با والدین، مشاجره با برادران و خواهران، احساس رفتار کودکانه با او، احساس انتظارات زیاد والدین از او، دخالت والدین در انتخاب دوست، محدودیت آزادی، نگرانی از موفقیت در انتخاب همسر و تشکیل خانواده، و ...

چهارم. مشکلات وضع و موقعیت اجتماعی از قبیل: ناشیگری در فعالیت های اجتماعی، ترس از برخورد با مردم، احساس ناشیگری در برقراری روابط روزانه با همگنان، ترس از قبول مسئولیت، ترس از نارسایی در همانندسازی با دوستان، ندانستن اینکه چگونه روش ها و شیوه ها و لباس های مناسب انتخاب کند، علاقه به عضویت در یک گروه و در عین حال نگرانی از آینده آن، علاقه به گفتگو با مردم و احساس نگرانی از موفقیت در این امر، و ...

پنجم. مشکلات دینی و اخلاقی از قبیل: نیاز و علاقه به اطلاعات لازم درباره ی مسائل دینی، زندگی بعد از

مرگ، ترس از مرگ، تردید و گنج شدن درباره ی معتقدات و آداب و رسوم دینی، نداشتن معیارهای صحیح و مطمئن برای تشخیص حق از باطل، و...

ششم. مشکلات مربوط به مدرسه و مطالعه از قبیل: عجز از تمرکز حواس، نداشتن روش های مطالعه درست، رؤیای بیداری هنگام مطالعه، احساس ناتوانی در خوب خواندن و خوب نوشتن، وجود معلمان بی انصاف و غرض ورز، وجود معلمانی که تنبیه را بر تشویق ترجیح می دهند، وجود معلمانی که مرتباً طعنه می زنند و مسخره می کنند، تردید درباره ی ارزش های حاکم بر محیط مدرسه، تنفر از بعضی درس ها و معلمان، اندیشه درباره ی امتحان و نگرانی از آن، دوست نداشتن مدرسه، ترس از سخن گفتن در کلاس و در حضور همکلاسان، تردید در ورود به دانشگاه، احساس ضرورت راهنما برای ورود به دانشگاه و انتخاب رشته، و ...

هفتم. مشکلات انتخاب شغل از قبیل: احساس نیاز به انتخاب شغل، ندانستن چگونگی انتخاب شغل موفق، نگرانی از موفقیت مادی و موقعیتی در شغل، ناتوانی در تشخیص شغل مناسب با استعدادهای واقعی و رغبت ها، و نگرانی از کیفیت صرف و پس انداز کردن درآمد.

فعالیت های نوجوان برای حل مسائل و مشکلات

بحث از مشکلات نوجوان شاید این پرسش را مطرح کند که مسئولیت حل آنها به عهده کیست: خانواده، مدرسه، دولت، و ...؟ در پاسخ باید گفت:

۱. مسأله نوجوان یک مسأله ریاضی نیست که بتوان با قواعد مشخص آن را حل کرد زیرا، قبلاً هم گفتیم، که هر نوجوان، علاوه بر مسائل مشترک، دارای یک عده مسائل اختصاصی است. و همین جنبه است که شناخت دقیق نوجوان را برای موفقیت در کمک به او ایجاب می کند.

۲. طرح مسأله نوجوان نباید آن چنان باشد که در او وحشت ایجاد کند و در او این تصور نادرست پیدا شود که او یک بیمار خطرناک یا یک شخص نابهنجار است که همه ی اطرافیان متوجه او شده اند و برای درمان او می کوشند. بلکه باید از طرق مختلف و غیر مستقیم از قبیل وسایل ارتباط جمعی، کتاب های درسی و ... نوجوان وجود مشکلات سنی خود متوجه ساخت و در او این اعتقاد را بوجود آورد که همه مردم در دوران نوجوانی با این مسائل مواجه شده اند و می توان آنها را با تدبیر حل کرد و حتی حل نشدن بعضی از آنها تقریباً طبیعی و همگانی است و هیچگونه خطر حیاتی برای شخص، در حال و آینده، ندارد.

۳. همیشه و در هر فرصتی باید نوجوان را به این حقیقت متوجه ساخت که نخستین مسئول حل مشکلات و مسائل او خودش است نه دیگری. اوست که باید برای حل آنها فعالیت کند و بزرگتران (والدین، معلمان، و ...) فقط وظیفه راهنمایی دارند و در غیر این صورت، به استقلال و اعتماد به نفس نوجوان لطمه خواهد خورد. نوجوان برای حل مسائل و مشکلات سنی خویش می تواند فعالیت های زیر را انجام دهد

و تغییرات بدنی و فیزیولوژیک خود را به درستی بشناسد و بپذیرد.

والدین را بهترین و نزدیک ترین دوستان خود بدانند و با ایشان براحتی درد دل بکند و راهنمایی بخواهد.

مدیر مدرسه یا بعضی از معلمان خود را، که بیشتر دوست دارد، به عنوان مشاور برگزیند و مسائل و مشکلاتش را با ایشان در میان بگذارد.

در انتخاب دوست بیشتر دقت و احتیاط کند.

اوقات فراغت خود را به مطالعه و فعالیتهای خلاق هنری صرف کند.

فلسفه ای در زندگی داشته باشد. . برای دست یافتن به هدف های روشن تلاش کند .

حقایق دینی را عمیقاً مورد مطالعه قرار دهد و با شخص مطلع و مورد اعتماد درباره آنها بحث و گفتگو کند. .

کتاب هایی درباره مشاغل گوناگون و شرایط و چگونگی موفقیت در آنها مطالعه کند.

* در مسائل مختلف اجتماعی کشورش بیندیشد و نظرهایش را با معلمان و دوستانش مطرح کند.

غذای کافی بخورد و از خواب کافی بهره مند شود. حتماً از روی برنامه مطالعه و کار کند.

هرگز فراموش نکند که دیگران نیز همانند او مسائلی دارند. به این واقعیت را بدانند و بپذیرد که یک مشکل ممکن است چند راه حل داشته باشد پس اگر در یکی توفیق نیافت به جا راه حل های دیگر بپردازد.

* از بهداشت بدنی غفلت نکند.

* حتماً در فعالیت های فوق برنامه مدرسه اش شرکت کند.

* هر وقت احساس ناراحتی می کند فوراً به گردش در هوای آزاد بپردازد.

* برای خرج پول، برنامه ای داشته باشد. تا می تواند والدین را در اداره امور خانه یاری کند.

* در مقایسه خود با دیگران، از تفاوت های والدین، خانواده، و محیط تربیتی خود با ایشان غافل نباشد.

* حتماً مسائل خود را با اشخاص مورد اعتمادش مطرح کند.

* هرگز خود را یک عنصر یا شخص استثنایی تصور نکند.

در پایان این مبحث باید به این نکته اشاره کنیم که کمک به حل مسائل نوجوانان باید بر پایه های زیر استوار باشد:

اول. نوجوان یک کل است و شخصیت او، جز در نظر و بحث، به هیچ وجه قابل تجزیه نمی باشد. به بیان دیگر، در مطالعه مسائل نوجوان و کمک به حل آنها باید او را یک واحد کل در نظر گرفت و از وحدت روان شناختی او غفلت نکرد.

دوم. مسائل و مشکلات همانند در نوجوانان به این معنا نیست که عوامل یا علت های آنها هم همانندند بلکه غالباً این عوامل در نوجوانان متفاوتند.

سوم. در مطالعه و کمک به حل مسائل نوجوان باید عوامل آنها را دریافت و ریشه یابی کرد.

چهارم. نوجوان صاحب مسأله یا مشکل، چنانکه قبلاً گفته شد، شخصاً مسئول حل آن است و باید در حل مسائل خویش نقش ایجابی و فعال به عهده بگیرد.

پنجم. گاهی کمک به حل مسائل نوجوان از عهده یک نفر (پدر مادر، پزشک، معلم، روان شناس، مشاور،...) خارج است و باید چند نفر با یکدیگر صمیمانه همکاری کنند.

ششم. همه اولیا و مسئولان آموزش و پرورش نوجوانان باید برای تحقق هدف های زیر بکوشند.

الف. کمک به نوجوان در شناختن خود و امکانات فطری و اکتسابی خویشتن، و امکاناتی که محیط او دارد و چگونگی برخورداری او از این امکانات.

ب. کمک به نوجوان در سازگاری با تغییرات بدنی و فیزیولوژیک و عاطفی و چگونگی سازگاری مطلوب و فعال با محیط.

پ. کمک به نوجوان برای رشد و گسترش شناخت، مهارت ها، گرایش ها، و ایجاد یا افزایش اعتماد به نفس در برخورد و حل مسائل.

ت. کمک به نوجوان در رشد و تکامل عواطف، امیال، و گرایش ها و مهارت های اجتماعی که برای سازگاری موفق با محیط اجتماعی ضرورت دارند.

ث. کمک به نوجوان در تقویت ایمان و اعتقاد به خداوند و درک ضرورت رعایت مقررات الهی برای مصلحت فردی و اجتماعی در زندگی.

ج-کمک به نوجوان در یادگیری کنترل انگیزه ها و رغبت ها و تمایلات و برتر سازی آنها.

چ. کمک به مصون ماندن نوجوان از انحراف های فکری، اعتقادی، اخلاقی، و اضطراب ها و بیماری ها و اختلال های عصبی و روانی.

بدیهی است موفقیت در موارد مذکور، هنگامی مقدور خواهد بود که محیط خانه، مدرسه، جامعه، سالم باشند و همگی برای کمک به نوجوان در حل مسائلش با همدیگر همکاری کنند و خانواده، مدرسه، و جامعه هیچ کدام خود را تنها مسئول تربیت کودکان و نوجوانان تصور نکنند یا همدیگر را محکوم نکنند.

بهترین راه و روش برقراری ارتباط مطلوب در محیط آموزشی
این است که دانش آموزان و دانشجویان، مدام در حال فعالیت برای
آموختن باشند و با همدیگر به بحث علمی و اکتشافی بپردازند.

فصل سوم

مسئولان اجرای برنامه های مذکور باید از هر لحاظ، سرمشق و الگوی مطلوبی برای دانش آموزان باشند.

چهارم - تئوری های یادگیری مذکور راروان شناسان مطرح ساخته اند ولی جامعه شناسان، انسان شناسان، و روان شناسان اجتماعی نیز به بررسی یادگیری پرداخته اند و نظریه «یادگیری اجتماعی» را اظهار کرده اند. به عقیده این متخصصان، انسان استعداد نامحدودی برای یادگیری دارد و تنها انتظارات اجتماعی و محیط اجتماعی هستند که دایره یادگیری را مشخص و محدود می کنند. بنابراین، یادگیری اساساً یک فرایند اجتماعی است و در زندگی اجتماعی یا ضمن زندگی در جامعه انجام می گیرد. واحد عمده یادگیری در این نظریات، «رابطه متقابل مداوم بین مردم است و میان آنها فردیت معنا ندارد و همگی در حکم واحدند. تئوریهای یادگیری اجتماعی، معیارها یا واحدهای یادگیری سایر نظریات را معتبر می شمارند که عبارتند از: پاسخ پاداش یافته، خودپنداری، معنا دادن شخصی، معناداری کل، اهمیت تعمیم ها و ترکیب و سازمان، خودشناسی، تقلید، و همانندسازی.

بدیهی است در فعالیت های فوق برنامه، که اساساً اجتماعی انجام می گیرند، یادگیری بیشتر مطرح خواهد بود بخصوص یادگیری رفتارهای اجتماعی که بدون آموختن آنها زندگی اجتماعی سالم امکان ندارد؟

۲. در طبقه بندی مذکور نظریات یادگیری از منبع زیر بیشتر استفاده شده است.

با اشاره به این نکته مهم و اساسی، که تعداد و نوع آنها بر حسب شرایط زمان و مکان فرق می کنند. دیگر اینکه انتخاب آنها به میزان حساسیت و فعالیت و خلاقیت اولیای مدرسه بستگی دارد.

ما باید این پندار نادرست را از ذهن خود دور کنیم که پرداختن به فعالیت های فوق برنامه یا راهنمایی آن ها و محصلانی که در اینگونه فعالیت ها شرکت می کنند به عهده افراد خاص مثلاً مسئول امور تربیتی (یا مربی پرورشی) است. بلکه مسئولیت هدایت فعالیت های فوق برنامه همانند فعالیت های رسمی وظیفه هم معلمان است. جز اینکه بهتر است راهنمایی هر فعالیت خاص به عهده معلمی یا معلمانی واگذار شود که شخصاً آن را دوست دارند و از اطلاعات و مهارت درباره آن برخوردارند.

اصلاً در فرهنگ آموزش و پرورش، پست یا مقامی به نام <امور تربیتی وجود ندارد> زیرا امور خاصی به این نام مطرح نمی شوند. بلکه همه فعالیت هایی که در چارچوب یا به اصطلاح چهاردیواری کلاس و مدرسه به صورت برنامه ریزی شده انجام می گیرند فعالیت های تربیتی هستند یعنی متوجه این هدف می باشند که شهروندان سالم و سعادتمند بار آورند:

کسانی که از تفکر سالم و خلاق، عواطف سالم، زندگی سالم و لذت بخش برخوردارند؛ و تولید کننده و مصرف کننده خوبی هستند.

فعالیت های فوق برنامه

در بررسی فعالیتهای فوق برنامه ابتدا باید به چند نکته مهم اشاره کنیم:

۱. به کار بردن کلمه <<فوق برنامه>> بدین معنا نیست که فعالیتهای مذکور هیچگونه برنامه ای ندارند بلکه از این گونه فعالیتهایم وقتی می توان نتیجه مطلوب گرفت که دقیقاو براساس هدفهای روشن و قابل وصول، پیش بینی و تنظیم شده باشند.
۲. ارزش تربیتی فعالیتهای فوق برنامه نه تنها از فعالیتهای رسمی کمتر نیست بلکه در بعضی موارد حتی بیش از آنها نیز می باشد، زیرا هم معلم و هم دانش آموزان در فعالیتهای فوق برنامه (آزاد)، آزادی مخصوص احساس می کنند و به همین سبب به آنها بیشتر راغب می شوند. از آنها بیشتر لذت می برند.
۳. در انتخاب و تنظیم یا برنامه ریزی فعالیتهای فوق برنامه نیز باید شرایط و ویژگیهای رشدوتکاملی، استعدادها، نیازها، ورغبتهای دانش آموزان را کاملا در نظر گرفت.
۴. برای اینگونه فعالیت ها نیز باید هدف های رفتاری مشخص تعیین کر دو مرتبا میزان پیشرفت به سوی آنها و دست یافتن به آنها را دقیقا ارزشیابی کردو برای تقویت جنبه های مثبت و جبران و ترمیم جنبه های ضعیف آنها کوشید.
۵. از فعالیتهای فوق برنامه تحصیلی در صورتی می توان نتیجه مطلوب گرفت که همه اولیای مدرسه صمیمانه با همدیگر همکاری کنند و برخورداری از همکاری نزدیک خانواده ها یا اولیای دانش آموزان و در بعضی موارد، همکاری های سایر مؤسسات را لازم بدانند و از آنها غافل نباشند.
۶. بین فعالیتهای فوق برنامه و برنامه های درسی رسمی یا تحصیلی ارتباط زیادی وجود دارد و تفکیک کامل آنها از همدیگر بسیار دور از نظر است.
۷. در انتخاب نوع فعالیتهای فوق برنامه حتما باید امکانات و مقتضیات محیط را در نظر گرفت.
۸. برنامه درسی معمولا و سال ها ثابت می ماند ، بنابراین، نمی تواند پاسخگوی نیازهای دانش اموزان باشد. فعالیتهای فوق برنامه، بر صورتی که درست انتخاب و برنامه ریزی شده باشند، به سهولت می توانند این نقص را جبران کنند.
۹. با توجه به نکته اخیر، هرگونه برنامه درسی یا فعالیت فوق برنامه ای در صورتی می تواند سودمند واقع شود که مرتب با توجه به یافته های علمی و تربیتی جدید تغییر پذیرد.
۱۰. یک معلم در صورتی در پیش بینی و انجام دادن فعالیتهای فوق برنامه موفق خواهد شد که اولاً به چنین فعالیتهایی معتقد باشد، ارزش تربیتی آنها را دریافته باشد، و آموزش و کار آموزی لازم را در این مورد

قب؟ دیده باشد، زیرا معلم برای انتخاب و تنظیم فعالیتهای فوق برنامه ای به اطلاعات و مهارتهای زیر نیاز دارد:

الف- شناخت شرایط و خصایص رشد و تکامل طبیعی و سالم.

ب- شناخت کامل برنامه درسی (رسمی) و تشخیص جنبه های ضعیف آن که باید به وسیله فعالیت های فوق برنامه جبران و ترمیم شوند.

پ. آشنایی با فعالیتهای تربیتی سودمند برای انتخاب نوع فعالیت های فوق برنامه.

ت. آشنایی با روش های علمی کاربرد با انجام دادن فعالیت های مبتنی فوق برنامه در ارتباط با ویژگی های سنی و استعدادها و نیازها و رغبتهای همه دانش آموزان یک مقطع تحصیلی یا یک کلاس.

ث. آشنایی با روش های درست ارزشیابی فعالیتهای فوق با نتایج آن ها.

ج. آشنایی با چگونگی تحریک دانش آموزان به شرکت در فعالیت ها فوق برنامه.

چ. آشنایی با چگونگی تحریک و ترغیب اولیای دانش آموزان نهادهای اجتماعی به همکاری در خوب انجام گرفتن فعالیتهای فوق برنامه.

ح. آشنایی با وسایل و امکان های لازم برای انجام دادن فعالیت های تربیتی فوق برنامه و چگونگی تهیه و کاربرد صحیح آنها.

خ. شناخت موقع و چگونگی انجام دادن فعالیت های فوق برنامه.

د. شناخت موقع و چگونگی تغییر نوع، میزان، و زمان فعالیت های فوق برنامه.

مرکز تربیت معلم از ویژگیهای زیر برخوردار باشد:

۱. هیأت آموزشی آزموده و مطلع (با ایمان و اعتقاد، معلومات، شخصیت سالم، تجربه)،

۲. مدیریت و سرپرستی آگاه و مجرب،

۳. داوطلبان یا دانشجویان علاقه مند و مستعد (بدنی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی)،

۴. برنامه درسی مبتنی بر نیازهای فردی و اجتماعی و حرفه ای داوطلبان یافته های علمی و تربیتی

مقتضیات فرهنگی جامعه، در برگیرنده توان علمی آینده نگری،

۵. برخورداری از امکانات لازم،

۶. تلاش همگانی و صمیمانه اولیای مرکز تربیت معلم برای تیر مطلوب رفتار داوطلبان یا شکل مطلوب

بخشیدن به آن در ارتباط با حرفه آینده شان.

۷ توجه اولیای مرکز یا موسسه تربیت معلم به اینکه همه مسئولان آموزش و پرورش یک جامعه باید به افراد و جامعه همچون یک سیستم بنگرند و مرکز تربیت معلم را تافتهای جدا بافته از جامعه و سایر مراکز آموزشی تلقی نکنند و از هدف های مشترک همه آنها غافل نباشند.

۸. پیدایش و تقویت این اعتقاد در دانشجویان با معلمان آینده کشور که هدف غایی همه فعالیتهای آموزشی و تربیتی رسمی و غیر رسمی جز این نیست که به کودکان و نوجوانان، توانایی بهره مندی از زندگی سالم: ولذت بخش ببخشد و آنها را برای سعادت مندی در دنیا و آخرت آماده - کند. به عبارت دیگر، ایشان را شهروندانی بار آورد برخوردار از شخصیت سالم، برخوردار از توان و مهارت و علم مورد نیاز برای حل مسائل امروز و فردا، حساس و فعال و خلاق در همه امور زندگی،

۹. اعتقاد کامل اولیای مرکز تربیت معلم به ضرورت استفاده از ضرورت استفاده از تکنولوژی آموزشی و باز و پذیرا بودن آن به هر گونه فکر تازه و سودمند به بیان دیگر، تا معلم، خود یادگیرنده خوبی نباشد هرگز نمی تواند آموزنده یا راهنمای علمی و تربیتی خوب و موفقی باشد، معلم محور ادامه مطالعات علمی و حرفه ای به تدریج حکم آب راکد را پیدا خواه کرد و به صورت یک ضبط صوت متحرک با فکر متحجر در خواهد آیا بی شک، عقب ماندگی و انحطاط یک جامعه از زمانی آغاز می شود یا معلمان آن، خدای ناکرده، خود را از هر لحاظ کامل و جامع بیندارند و از مطالعه و شناخت یافته های جدید علمی و شغلی خودداری کنند و یا به منابع جدید علمی دسترسی پیدا نکنند.

امروزه عده ای از متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که تشخیص و فرق گذاشتن میان فعالیت های «برنامه ای» و «فوق برنامه ای» یک امر اختیاری است و این فکر و نظر، هر روز گسترش پیدا می کند که «برنامه درسی» شامل همه تجاربی است که دانش آموزان زیر نظر مستقیم مدرسه یاد می گیرند. به همین سبب، اصطلاح «فعالیت های «خارج کلاس» بیش از اصطلاح «فعالیت های فوق برنامه ای» به کار می رود و به آموزش و یادگیری آن گونه با آن دسته از اطلاعات و تجارب اطلاق می شود که به طور رسمی قسمتی از برنامه درسی یا تحصیلی را تشکیل نمی دهند لکن تحت نظارت معلم و مدرسه انجام می گیرد.

در هر صورت، هدف عمده ی فعالیت های فوق برنامه ای یا خارج کلاس، فراهم آوردن امکان هایی است که دانش آموزان اور جوان از دست آوردن اطلاعات و تجارب و مهارتهای لازم و مورد علاقه شان به امیال و نیازهای خود را ارضا کنند. بعلاوه، به نوجوانان فرصت داده بود که در اداره مدرسه شرکت کنند و عادت های بهداشتی (بدنی و روانی). سودمند را در خود ایجاد و پرورش دهند. از این رو، فعالیت های فوق برنامه ی درسی (تحصیلی) از جمله ی مسائل بسیار مهم و قابل توجه در آموزش و پرورش به شمار می رود.

ارزش فعالیت های فوق برنامه

۱. کمک به رشد و تکامل شخصیت مطلوب

منظور از شخصیت مطلوب یا سالم در فرهنگ روان شناسی این است که فرد از هر لحاظ نضج یافته باشد و چنین فردی را می توان از ویژگی های زیر تشخیص داد:

- *می تواند مستقل باشد و روی دو پای خود بایستند؛
- *به خویشتن همچون یک شخص ارزش میدهد؛
- *می کوشد با واقعیت روبرو شود و از واقعیت های زندگی بد آگاهی یابد؛
- *از امنیت خاطر، اعتماد به نفس، شجاعت و شهامت برخوردار است؛
- *می تواند عواطفش را با خوشی و آرامی بیان کند و در حالت هیجانی، افراطی نیست؛
- *بین افکار و اعمالش هماهنگی وجود دارد؛
- *ارزشها را به روشنی درمی یابد؛
- *از زندگی اجتماعی شایسته ای برخوردار است؛ سعه صدر و وسعت نظر دارد و معمولاً اهل مداراست؛
- *می تواند از استعداد هایش بهتر بهره برداری کند؛
- * به نظم و نظافت و انضباط و ضرورت مقررات و برنامه ریزی معتقد است.

۲. کمک به تسهیل رشد و تکامل اجتماعی

- ضمن فعالیت های فوق برنامه، نوجوان یاد می گیرد که:
- *رفتار خود را، مخصوصاً در میان جمع، کنترل کند.
- *در هر فعالیت اجتماعی باید نشانه احترام متقابل محسوس باشد.
- *وقتی دیگری سخن می گوید باید کاملاً ساکت شد و او گوش کرد و بعد سخن گفت یا وقتی دیگران ایستاده اند نباید خوابید یا راه رفت.
- *طوری برخورد کند که دیگران از دیدن او و همکاری با او واق خوشحال شوند و لذت ببرند.
- * در هر گونه اظهار نظر باید فروتن باشد و از خود برترنما پرهیزد.
- *وقتی شکستی از یکی از دوستان یا همکارانش مشاهده کرد از سرزنش و پرخاش به او خودداری کند و با کمال محبت و ملایمت به راهنمایی بپردازد.
- * از به کار بردن هر گونه کلمه رکیک و زشت یا کردار نامعقول اجتناب ورزد.
- * از زود باوری در باره دوستان و همکاران و داوری شتابزده در حق ایشان خودداری کند.
- *آنچه را که نمی تواند انجام دهد به عهده نگیرد و حتماً به وعده ای که می دهد عمل کند.

*عادت های اجتماعی نامطلوبش را به عادت های اجتماعی مطلوب تغییر دهد.

۴. کمک به تکمیل و پرمایه ساختن برنامه تحصیلی (درسی رسمی)

۵. رعایت تفاوت های فردی در رغبت ها

۶. اجتماع دانش آموزان

۷. کمک به برقراری روابط سودبخش میان معلم و محصل

۸. کمک به تأمین هدف های تربیت جدید

تربیت یا آموزش و پرورش جدید و پیشرفته را می توان در چند هدف با ویژگی خلاصه کرد:

*فرد، واحد غیر قابل تجزیه است و باید همچون یک «سیستم» در نظر گرفته شود،

*فرد، ارزش مستقل و خاص خود را دارد و همیشه قابل احترام است،

* فرد، در فعالیت های یادگیری نقش فعال دارد،

* فرد، خود را مسئول کیفیت امور جامعه می داند،

*جامعه ی سالم می تواند فرد سالم بار آورد، همه افراد جامعه از تربیت مداوم بهره مندند، همه افراد جامعه

از آزادی و استقلال نسبی برخوردارند، فرد یاد می گیرد از زندگی لذت ببرد،

*همه ی مراحل رشد و تکامل کاملاً به همدیگر ارتباط دارند و همگی مهم هستند،

*همه ی مردم یاد می گیرند که از صفات: ترس، جهل، طمع، و تعصب بدور باشند زیرا دشمنان آزادی به

نخواهد رسید.

*آموزش و پرورش بدون پیگیری کاربرد آن به نتیجه ی مطلوب نخواهد رسید.

*انسان بتواند از طبیعت، درست استفاده کند.

*همه افراد جامعه از احساس آرامش و اطمینان خاطر برخوردار شوند،

*در جامعه، ضمیر «ما» جانشین ضمیر «من» گردد، زیرا تربیت راهی به سوی تجدد و استمرار حیات

اجتماعی نیست، تربیت، غذای این زندگی و سبب بقا و دگرگونی و دوام آن است.

*همه ی مردم، شناخت لازم (نسبت به خود، دیگران، اشیاء و طبیعت) پیدا کنند؛ قدرت لازم برای کاربرد

شناخت های آموخته خویش به دست آورند، و مهارت محبت متقابل لازم برای استفاده مطلوب و سالم از

شناخت و قدرت موجودشان را بیاموزند،

*خلاصه، تربیت جدید می کوشد انسانی آزاد و شایسته بقا بار آورد و او انسانی است: آگاه، با گذشت، نیکخواه، مسلط بر خویشتن، هدفدار، پاکدامن، با مروت، و دارای مقام و منزلت اجتماعی مطلوب، چنین انسانی همیشه به دو نکته توجه دارد: ۱) آزادی انسان از موجودیت انسانی او سرچشمه می گیرد و از آزادی او وجدان مسئول نمودار می شود؛ ۲) تکامل انسان به میزان آزادی او و به کیفیت کاربرد این آزادی برای خیر و مصلحت خود و دیگران بستگی دارد. ضمناً لازم است بدانیم که یادگیری آزادی و چگونگی استفاده درست از آن، مستلزم تجربه آزادی است.

۹. راهنمایی و فعالیت های فوق برنامه

۱۰. بهداشت روانی و فعالیت های فوق برنامه

بعضی از اصطل حفظ سلامت و بهداشت روانی یا ذهنی(عقلی) عبارتند از:

*شناخت واقعیت اموری که شخص با آنها سروکار دارد و خودداری از گول زدن خویشتن

*توانایی مواجه شدن با دنیا به تنهایی و با اعتماد، و با این امید که باید هر چیزی را اتفاق می افتد بهتر ساخت. موفقیت در این امر، هنگامی ممکن است که شخص به فرد یا گروه خاصی از مردم وابستگی پیدا نکند و بتواند شخصا با اوضاع پیش آمده مواجه شود.

*هرگز چنین تصور نکنیم که تنها مشکل یا مسأله داریم و اشخاص دیگر هیچگونه مسأله ای ندارند، در صورتی که هزاران نفر قبلاً این مسائل را داشته اند و موفق شده اند که آن ها را حل کنند.

*از اندیشیدن و تکرار افتخارهای گذشته تا حد امکان خرد کنیم و هر روز برای افرینش تجربه های جدید بکوشیم.

*سلامت عقلی یا روانی به سهولت نصیب کسانی می شود که اجبار عمومی را برای حفظ آبروی خویش فراموش می کنند، زیرا معتقدند هرگز امکان ندارد که یک نفر همیشه باید بر حق باشد و خطایی از او سر نزنند یا همیشه باید مورد تحسین و تأیید قرار گرفت.

*بدن سالم، نشان دادن پاسخ های عاطفی سازنده را آسانتر می کند، بنابراین، استراحت، ورزش، بازی، خواب و خوراک خوب از جمله عوامل بسیار مؤثر در تأمین بهداشت روانی به شمار می روند.

*فعالیت های بسیار سالم، فعالیت هایی هستند که شخص می تواند بدون تردید و تعارض آنها را انجام دهد. هرگاه بین خواسته ها و معیارها تعارضی پیدا شود راه حلی مطلوب خواهد بود که موجب رضایت خاطر شخص با همه وجودش گردد.

*خود را با دیگران مقایسه کردن و رقابت معمولاً اضطراب ایجاد می کند. هرگونه زندگی وقتی با خوشی و موفقیت همراه خواهد هم برای برتری یافتن بر دیگری تلاش نکند.

*معمولاً بیشترین رضایت خاطر وقتی حاصل می شود که شخص برای تأمین هدف های قابل دسترس

بکوشد. شخص باید به دقت خود را ارزیابی کند و بداند چه مقدار باید از خویشتن انتظار موفقیت داشته باشد.

*بیشترین سعادت و توفیق از تحرک و تلاش به دست می آید نه ایستادن و درجاذدن: حرکت از ناراحتی به سوی خوشی و راحتی، از فراموش شدن به مورد تحسین قرار گرفتن ، از ناکامی به کامیابی، از یکنواختی به تجربه های تازه، از خطر به آسودگی خاطر. رضایت خاطر را می توان با تلاش آگاهانه به دست آورد.

*باید در باره دیگران با محبت و مهربانی بیندیشیم و بزرگی خود را در این بدانیم.

* شخصی که میخندد و اطرافیانش را خوشحال می کند در واقع به بهداشت روانی خود و دیگران کمک می کند.

* نباید خود را برتر یا پست تر از دیگران پنداشت با خودمحور و خودمعیار بود و هر گونه اصالت را به تفکرات خود داد.

* در هر گونه انتقاد باید احترام شخص را کاملاً رعایت کرد و از لر هر گونه عیبجویی شخصی اجتناب ورزید.

*فعالیت های فوق برنامه، در صورتی که درست و خوب پیش بینی و تنظیم شده باشند، بهتر می توانند بهداشت روانی نوجوانان را تأمین کنند زیرا ایشان یاد می گیرند چگونه با مسائل و مشکلات مواجه شوند، آنها را تجزیه و تحلیل کنند، و به حل معقول آنها موفق شوند. مثلاً ضمن این فعالیت ها می توان محصلان را در جبران کمبودها و نارسایی ها مانند کمرویی، حسادت، بخل، و رقابت افراطی کمک کرد. بدیهی است بدون نظارت و راهنمایی معلم مهربان ، این توفیق به دست نخواهد آمد.

۹: راهنمایی و فعالیت های فوق برنامه

فعالیت های فوق برنامه می توانند در بعضی از جنبه ها و موارد در زندگی دانش آموزان بسیار بالارزش باشند زیرا در این گونه فعالیت ها به آسانی میتوان نیاز ها و رغبت های همه دانش آموزان را دریافت و از این شناخت در راهنمایی دانش آموزان بهره برد .

✓ نکاتی در راجب موثر واقع شدن راهنمایی در زندگی دانش آموزان

۱. پیش بینی و تنظیم با دقت کامل و در ارتباط با هدف های روشن و قابل درک
۲. موضوع معین باشد و برنامه دقیق تهیه و تنظیم شود
۳. یادآوری ارزش فوق برنامه های مکمل به دانش آموزان و ارزشیابی برنامه فوق مکمل در همه مراحل مربوطه

۱۰: بهداشت روانی و فعالیت های فوق برنامه

اصطلاح بهداشت روانی اندکی با بهداشت عقل تفاوت دارد

بهداشت روانی از بهداشت جسمی متمایز نبوده و نیست زیرا انسان وحدت یا واحد غیر قابل تجزیه و تفکیک میباشد بنابراین بهداشت روانی هرگز از کیفیت بهداشت فیزیولوژیک انسان غافل نخواهد بود.

✓ بعضی از اصول حفظ سلامت و بهداشت روانی:

۱. شناخت واقعیت اموری در ارتباط با شخص و توانایی مواجهه شدن با دنیا به تنهایی و با اعتماد بالا
۲. خودداری کردن از اندیشه ها و افتخارات گذشته خود و خود را با دیگران مورد قیاس قرار ندادن
۳. ارزیابی به دقت خویشتن و دانستن اینکه چقدر از خودش انتظار موفقیت دارد
۴. نباید خود محور و یا خود معیار بود و هرگونه اصالت را به تفکرات خود داد
۵. به دانش آموزان فرصت خواهد داد تا فعالیت هایشان را خودشان انتخاب کنند
۶. از مشاهده موقعیت و خوشحالی تک تک محصلان لذت خواهد برد

۱۱: تربیت و ارزش های اخلاقی و فعالیت های فوق برنامه

یک برنامه وسیع و سالم فعالیت های فوق برنامه میتواند به رشد و گسترش ارزش های اخلاقی نوجوانان کمک موثری به عمل بیاورد و ایشان را از بعضی ارتکاب ها بازدارد.

مدرسه همواره باید در نظر داشته باشد که دانش آموز یا کودک نیاز های قابل مشروعی دارد که باید ارضا شود و مدرسه نیز در این رابطه باید کمک و مساعدت به عمل بیاورد و اگر مدرسه در کمک به ارضای این نیاز ها کم کاری یا غفلت کند مدرسه عملش را به درستی انجام نداده است.

در هر گونه فعالیت تربیتی باید به مخصلان فرصت داد تا در محیط مدرسه توان های زیر را کسب کنند:

۱. توان جرات درست اندیشی
۲. توان جرات دانستن
۳. توان اسقلال منطقی
۴. توان کنترل شخصی یا خودداری در مواقع لازم
۵. توان دوست داشتن معقول و بدون شرط خود و دیگران

۱۲: آینده نگری و فعالیت های فوق

آسایش و امکانات و شرایط خوبی که امروزه داریم را مدیون گذشتگان و فعالیت های بی دریغ و هم چنین فداکاری های آن ها می دانیم ولی خود انسان های معاصر نیز هم مسایلی دارند که بسیار تنوع و پیچیده تر هستند.

از جمله مهمترین این مسایل میتوان به:

محیط: انسان امروزه در تلاش است برا زندگی مطلوب تمام تلاش خود را برای برخورداری از محیط را داشته باشد.

بحران انرژی: بحران انرژی از ظهور دنیا تا الان بوده و هست و نمیتوان امیدوار بود به این زودی ها حل شود.

ارزش های متغیر و اخلاق: ارزش های همیشه برای انسان مهم بوده و هست و نکته عطف این بحث آن است که این ارزش ها دایما در حال تغییر هستند و هم اینکه برای بشریت همیشه مهم بوده اند و اظهار نظر درباره ارزش ها در زمان خاص خود امکان پذیر و جایز هست.

خانواده: هنوز هم در بسیاری از جوامع خانواده از مهم ترین نهاد اجتماعی به شمار می رود هر چند در بعضی از کشورها و یا اجتماع ها والدین کمتر با کودکان و یا نوجوانان در ارتباط هستند.

بحران های درون شهری و برون شهری: موضوع مهم دیگر مهاجرت روستاییان یا افراد در مناطق امکانات کم به سوی شهرها است که این مورد نیز متاثر بر اقتصاد و اکثرا منفی است.

جنایت و خشونت: آمار جنایت و خشونت در جهان امروزی رو به افزایش هست مخصوصا در بین جوانان و نوجوانان امروزی که بیشتر تحت تاثیر کنکاوی قرار دارند.

سهم فعالیت های فوق برنامه در بعضی از امور زندگی:

تجزیه و تحلیل فعالیت های گوناگون خارج از کلاس سهم و تاثیر مهم آنها را در تربیت برای زندگی نشان میدهد زیرا چنانچه قبل گفتیم این فعالیت ها میتوانند به نیازهای اساسی نوجوانان مخصوصا در جنبه های شهروندی کارهای فرعی مشاغل تشکیل خانواده پاسخ گویند با توجه به این نکته مهم که رسیدن به این نتیجه ها مستقیما به کیفیت تنظیم برنامه و روش اجرای آن بستگی دارد.

چرخ هر کدام از آنها چگونگی حرکت چرخ دیگری را تحت تاثیر مستقیم قرار دهد و دیوار و جدایی موجود بین جامعه و مدرسه که متأسفانه باعث بیگانگی آن دو از همدیگر شده است، از بین برود و تنها در این صورت است که دانش آموزان با زندگی اجتماعی واقعی آشنا می شوند و خود را بیگانه از جامعه شان تصور نمی کنند. این نکته، از جمله خصایص آموزش و پرورش جدید به شمار می رود و تصویب های زیر آن را بهتر نشان می دهند.

امور فرعی و سرگرمیها: روشی که هر کس برای صرف اوقات فراغت و بیکاری پیش می گیرد تقریبا کیفیت زندگی او را مشخص می کند. همچنین، شخصیت هر فرد به عنوان یک شهروند یا عضو یک خانواده

یا گروه شغلی از فعالیتهای تفریحی وی متأثر می شود. بنابراین، چنانکه قبلا هم گفتیم، کیفیت صرف اوقات فراغت و بهره برداری مطلوب از آن، از جمله مسائل مهم و قابل توجه تربیت جدید است و موضوعی است که حتما باید به صورت جدی مورد مطالعه مسئولان آموزش و پرورش کشور قرار بگیرد و همه مردم، بویژه نوجوانان، در استفاده معقول و مطلوب از فرصتهای بیکاری و فراغت راهنمایی شوند تا تصادفی تلقی کردن و یا بی اهمیت پنداشتن آن از ذهن مردم دور شود و آن را یک امر مهم حیاتی تلقی کنند و درباره کیفیت مطلوب استفاده از اوقات فراغت دقیق بیندیشند.

نوجوان امروز اوقات فراغت فراوانی دارد و وسایل سرگرمی بیشتری می تواند داشته باشد لکن به ارزش اجتماعی و اخلاقی همه آنها نمیتوان اطمینان کرد. چنانکه توجه دقیق به فعالیتهای تفریحی در عصر حاضر و تقریباً در همه کشور، بخصوص کشورهای به اصطلاح پیشرفته، این حقیقت تلخ را ثابت می کند که بعضی از این فعالیت ها بسیار نامعقول و مضرند و شرکت نوجوانان در آنها به زندگی سالم ایشان لطمه می زند. برای جلوگیری از این وضع خطرناک، همکاری صمیمانه همه مسئولان کشور، بویژه مربیان، کاملاً ضروری است. مدرسه می تواند با

پیش بینی، ترتیب و تنظیم فعالیتهای فوق برنامه از یک طرف، اوقات فراغت دانش آموزان را با فعالیتهای معقول و مشروع پر کند، و از سوی دیگر، ایشان را به طور غیر مستقیم به سوی فعالیتهای تفریحی مطلوب و یادگیری کیفیت استفاده سالم از اوقات فراغت راهنمایی کند. مثلاً کلوب های علمی و تحقیقی، تجارب و معرفت دانش آموزان نوجوان را در جنبه ها و میدان های مختلف، افزایش و گسترش می دهند و نیز ایشان را در بهره برداری درست از اوقات فراغت یاری می کنند.

رضایت خاطر دانش آموز وقتی تأمین می شود که بداند او در مدرسه و کلاس خود می تواند رغبتها و نیازهایش را کشف و ارضا کند و آنها را به طرز مطلوب، رشد و گسترش دهد. همچنین، شرکت در کلوب های هنری و تجربه آموزی در جنبه های گوناگون هنری سبب می شود که دانش آموزان در زندگی آینده خویش از اوقات فراغت خود بهتر استفاده کنند.

مشاغل: دانش آموزان نوجوان ضمن فعالیتهای فوق برنامه می توانند اطلاعات و تجارب مورد نیاز را برای انتخاب شغل بیاموزند، زیرا با شرکت در فعالیتهایی از قبیل: هنرها، کارهای دستی، عکاسی، موسیقی، درودگری، فلزکاری و ... استعدادهای خود را در زمینه های گوناگون تلاش های بشری بسنجند و رغبت های حرفه ای خاص خویش را کشف کنند. همچنین، می توانند با شرکت در کلوب ها و قبول مسئولیت ها و انجام دادن وظایف محول، عادت ها و مهارت های اساسی برای موفقیت در هر حرفه را کسب کنند از قبیل: مهارت ها و عادت های دقت، کوشش، استقامت در کار، همکاری با دیگران و مثلاً اعضای هر کلوب عملاً یاد می گیرند که نه تنها در تعیین و تصویب طرح های مورد نیاز بلکه در انتخاب رئیس، تهیه و تنظیم برنامه و فعالیتهای اجتماعی نیز، باید صمیمانه و صادقانه با همدیگر همکاری کنند. مشاوران و راهنمایان تحصیلی و حرفه ای مدارس در این مورد بخصوص می توانند نوجوانان را بیشتر راهنمایی و کمک کنند.

عضویت مطلوب خانواده: روانشناسان و جامعه شناسان تقریباً همگی معتقدند که «خانواده آژانس روانی

(روان شناختی) جامعه است» و یک خانواده در صورتی سالم یا مطلوب نامیده می شود که:

۱. بین افراد آن بویژه زن و شوهر توافق و هماهنگی نسبی باشد.
۲. محبت متقابل بر جو خانواده حکم فرما باشد مخصوصاً فرزندان آن از محبت کافی (نه افراطی) برخوردار شوند، زیرا بعضی از صاحب نظران درباره شخصیت معتقدند که اگر ما در دوران اولیۀ طفولیت، محبت را تجربه نکنیم همه دوران زندگی ما تهی از محبت خواهد بود و ما هرگز از ته دل دوست نخواهیم داشت و ما را دوست نخواهند داشت. فراموش نکنیم که «فقط محبت می تواند محبت بیافریند».

به گفته یکی از روانشناسان:

- اگر ما در آغاز زندگی محبت نبینیم، به سرعت خواهیم دانست که با دوست داشتنی نیستیم.
 - اگر با کلمه و لفظ یا عمل طرد شویم یاد می گیریم که خود را طرد کنیم.
 - اگر دریابیم که آنچه « می کنیم» بسیار مهمتر از « خود» ماست، در این صورت، عمل « درست» همه اهمیت را پیدا می کند؛ در حقیقت، ما نا امیدانه و ناگزیر می کوشیم آنچه « می کنیم» « باشیم».
 - اگر والدینمان ما را به حال خود واگذارند و مسامحه کار یا سهل انگار باشند به طوری که ببینیم به ما « توجه» ندارند ما ناخواستگی و بی ارزشی احساس خواهیم کرد.
 - اگر والدین بیش از حد به ما «عنایت» کنند و پیوسته مراقب فعالیت های ما باشند و ما را دائماً تحت کنترل قرار دهند، مخصوصاً که این عمل خود را «محبت» نامگذاری می کنند، ما هرگز اعتماد به نفس پیدا نخواهیم کرد.
 - اگر حرارت مورد نیاز و اشتیاق ما را از ما مضایقه کنند ما از یک بیماری خلع روانی سیری ناپذیر رنج خواهیم برد.
۳. تعارض و تناقض فکری و عملی شدید بین افراد خانواده بخصوص زن و شوهر وجود نداشته باشد زیرا کودکان آنچه را که بزرگسالان می گویند باور نمی کنند لکن اعمال آنها را به سهولت در می یابند و باور می کنند.

۴. از تعادل اقتصادی | اجتماعی برخوردار باشد.

۵. احترام متقابل رعایت شود.

۶. افراد خانواده در حل همه مسائل آن با یکدیگر صمیمانه صادقانه همکاری کنند.

۷. همه اعضای خانواده احساس امنیت خاطر بکنند.

۸. اعضای خانواده بتوانند ضعف های فردی را تحمل کنند.

۹. خانواده از نظم، نظافت و انضباط برخوردار باشد.

۱۰. اعضای خانواده در موارد نیاز، راهنما و کمک همدیگر باشند.

۱۱. والدین در دادن فرصت اشتباه به فرزندان بردبار باشند.

۱۲. کودکان براحتی بتوانند با اشیاء ور بروند.

۱۳. گاهگاهی کودکان بتوانند اشیاء را پخش و پلا بکنند.

۱۴. اعضای خانواده از سلامت بدنی و روان شناختی برخوردار باشند.

۱۵. میان خود والدین، هماهنگی نسبی باشد.

۱۶. اعضای خانواده از بودن با همدیگر لذت ببرند.

۱۷. محیط خانه خاصیت انگیزشی داشته باشد.

آمادگی برای تشکیل چنین خانواده ای، در واقع، از دوران کودکی و نوجوانی آغاز می شود و این یکی از هدف های اساسی آموزش و پرورش در همه مراحل زندگی است. فعالیت های تربیتی فوق برنامه از جمله فرصت های پرارزش برای ایجاد و تقویت این آمادگی است. مثلاً یکی از مسائل بیشتر خانواده های معاصر، ناسازگاری و ناهماهنگی در چگونگی و روش صرف اوقات فراغت است و هرگاه همه اعضای خانواده فعالیت های سودمندی را در مدرسه آموخته باشند، خواهند توانست در استفاده از اوقات بیکاری و فراغت سازش کنند یا گاهی می توان کیفیت زناشویی موفق را در کلوب ها مورد بحث قرار داد و یا به بحث درباره روش های اداره خانواده و امور اقتصادی آن پرداخت.

مشخصات برنامه خوب برای فعالیت های فوق برنامه

فعالیت های فوق برنامه با اینکه، بنا به تعریف، جنبه غیررسمی دارند یعنی برای آن ها معمولاً برنامه خاصی از سوی وزارت آموزش و پرورش تهیه و تنظیم و ابلاغ نمی شود لکن انجام دادن آن ها باید براساس برنامه معین و منظمی مبتنی باشد و گرنه نمی توان نتایج مطلوب بدست آورد.

برنامه موفق یا خوب برای فعالیت های فوق برنامه دارای ویژگی های زیر خواهد بود:

۱. دانش آموزان بیش از کلاس درس از آن ها استفاده می کنند و ارزش هر فعالیت فوق برنامه با میزان سودبخشی آن برای نوجوانان نسبت مستقیم دارد.

۲. براساس نیازها و رغبت و ذوق دانش آموزان تهیه و تنظیم می شود زیرا تنها در این صورت است که برای نوجوانان جالب و لذت بخش خواهد بود. برنامه فعالیت های فوق برنامه، چنانکه قبلاً هم گفته شد، در ارضای نیازهای نوجوانان، از جمله نیازمندی های زیر بسیار مؤثر خواهد بود.

الف. رشد و سلامت بدنی و فیزیولوژیک.

ب. درک و پذیرش حقوق و وظایف یک فرد در جامعه خویش جامعه بشری.

پ. درک اهمیت خانواده سالم برای فرد و جامعه و شرایط تشکیل یک خانواده موفق.

ت. فرصت های رشد و تکامل شایستگی ها و توانایی های خود برای دریافت ارزش کار ، هنر، طبیعت.

ث. آموختن احترام به دیگران و زندگی و همکاری مطلوب با مردم.

ج. شناخت عملی اصول و ارزش های اخلاقی.

۳. دانش آموزان را در سریع تر و بهتر آموختن مطالب درسی کمک می کند. بدیهی است که این کمک به طور غیرمستقیم انجام می گیرد.

۴. دانش آموزان نوجوان را در انتخاب فعالیت فوق برنامه متناسب با استعداد و رغبتشان راهنمایی می کند.

۵. و سرانجام و برنامه فعالیت های فوق برنامه طوری پیش بینی و تنظیم شود که همه دانش آموزان نوجوان بتوانند در آن ها شرکت کنند و فقط به عده معینی محدود و منحصر نباشد.

نکته بسیار مهم در تهیه و تنظیم برنامه فعالیت های فوق برنامه ارتباط دادن آن به فعالیت های خارج از کلاس و مدرسه است، زیرا این برنامه، به معنای وسیع خود، شامل همه فعالیت هایی می شود که دانش آموزان در خارج از کلاس درس در آن ها شرکت می کنند اعم از اینکه در مدرسه یا بیرون از مدرسه انجام گیرند. بدین ترتیب، هر فعالیتی که نوجوان، حتی در بیرون از مدرسه، انجام می دهد جزو فعالیت های فوق برنامه به شمار می رود و بنابراین، مدرسه باید در طرح و تنظیم برنامه فعالیت های اوقات فراغت برای نوجوانان با سایر نهادهای اجتماعی همکاری کند.

هر مدرسه علاقه مند به سرنوشت دانش آموزان خود از بررسی چگونگی صرف اوقات فراغت و آزاد ایشان غفلت نمی کند، بلکه آن را به میزان برنامه درسی (تحصیلی) و فعالیت های رسمی خود حتی در مواردی بیشتر از آن ها مهم می شمارد.

البته، منظور از این سخن آن نیست که معلم همه روز و هفته و سال مسئول و موظف است، زیرا در این صورت، دیگر معلم امکان آمادگی برای انجام دادن وظیفه مهم تربیت (آموزش و پرورش) را نخواهد داشت و همه اوقات او گرفته خواهد شد، بلکه وظیفه مدرسه در این مورد تنها همکاری با نهادهای اجتماعی است. مدرسه می تواند امکانات موجود خود را در اختیار جامعه و مراکز تفریحات سالم بگذارد، مثلاً عصرها که مدرسه تعطیل است آن مراکز بتوانند از اتاقها، حیاط، و وسایل تفریحی مدرسه استفاده کنند.

اولیای مدرسه باید با رهبران امور اجتماعی و تفریحی در جامعه برای کمک به طراحی یک برنامه جامع، که پاسخگوی نیازهای همه نوجوانان باشد، همکاری کنند زیرا، چنانکه میدانیم، امر مهم تربیت یک وظیفه همگانی است و مستلزم همکاری صمیمانه و صادقانه همه نهادهای اجتماعی می باشد و گر نه مدرسه به تنهایی نمی تواند توفیق لازم به دست آورد. بعلاوه، سایر سازمان ها نیز که علاقه خاصی به مسائل جوانان

دارند از تشریک مساعی در این مورد خودداری نخواهند کرد و حتی از والدین های فهمیده نیز می توان در این مورد استفاده کرد و امکان هایی فراهم ساخت که نوجوانان دانش آموز و نوجوانان کارگر گرد آیند و به ارزش و احترام همدیگر متوجه شوند.

پایه های اساسی فعالیت های فوق برنامه

این نکته مهم را ناگزیریم مرتباً تکرار کنیم و مورد تأکید قرار دهیم که موفقیت در اجرای برنامه فعالیت های فوق برنامه، همانند برنامه رسمی، مستلزم رعایت دقیق اصول و یافته های علمی آموزش و پرورش است و گرنه جز اتلاف وقت و هزینه اضافی بهره ای نخواهد داشت. اصول پیشنهادی برای سودمند ساختن فعالیت های فوق برنامه را می توان چنین خلاصه کرد (قبلاً هم به برخی از آنها اشاره کردیم):

۱. همه نوجوانان باید، بدون ملاحظه وضع و کیفیت فعالیت های درسیشان در کلاس، بر اساس رغبت ها و نیازهای خود در فعالیتهای فوق برنامه شرکت کنند.

۲. یک برنامه سودمند و جامع برای فعالیت های فوق برنامه، تهیه و تنظیم شود و گسترش یابد.

۳. این برنامه، هر دانش آموز را عضو مدرسه بشناسد و بپذیرد.

۴. تعداد و نوع فعالیت های فوق برنامه با شرایط و محدودیت های احتمالی دانش آموزان و با نظر ایشان انتخاب شود.

۵. فعالیت هایی را پیش بینی بکنند و در برنامه بگنجانند که مستلزم همکاری، نه رقابت فردی، دانش آموزان با یکدیگر باشد.

۶. همه معلمان باید به عنوان اعضای اصلی مدرسه، مسئولیتی در همه مراحل برنامه فعالیت های تربیتی فوق برنامه به عهده بگیرند.

۷. مدرسه باید همه فعالیت های فوق برنامه را در ارتباط هدف هایی که پیش بینی کرده است تحت نظارت قرار دهد بدون اینکه آزادی نوجوان لطمه ببیند. مدیر مدرسه، به شرط اینکه واقعا باید شرایط که مدیر شایسته آموزشی باشد، می تواند و حتی باید، درباره این گونه فعالیت ها اظهار نظر کند و اگر فعالیتی را در رابطه با هدف های تربیتی سودمند تشخیص نداد به طور منطقی از انجام دادن آن جلوگیری کند.

۸. حتماً هر فعالیت باید، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، برای رسیدن به یک هدف اجتماعی و اخلاقی انجام گیرد

۹. برنامه فعالیت های فوق برنامه باید براساس رشد و تکامل، نیازها، و رغبت های معقول دانش آموزان نوجوان تهیه و تنظیم شود و سودمندی برنامه آموزش رسمی را افزایش دهد.

۱۰. فعالیت های فوق برنامه به صورت بخش مکمل برنامه تحصیلی (رسمی) طرح ریزی شوند.

۱۱. برنامه مذکور در هر مدرسه باید با نظر و همکاری دانش آموزان و معلم و مدیر پیش بینی، تهیه و تنظیم و اجرا شود.

۱۲. جدول اوقات انجام گرفتن فعالیت های فوق برنامه باید ساعات و محل هر فعالیت را روشن کند تا موجب سرگردانی و اتلاف وقت دانش آموزان نشود.

۱۳. برای سهولت نظارت و کنترل، بهتر است فعالیت های فوق برنامه در خود مدرسه انجام گیرند.

۱۴. برنامه فعالیت های فوق برنامه باید بقدر کافی قابل انعطاف باشد تا بتوان آن را بر حسب تغییر رغبت و نیاز نوجوانان تغییر داد

۱۵. در پیش بینی و تنظیم فعالیت های فوق برنامه باید رغبت و توانایی معلم کلاس هم در نظر گرفته شود.

۱۶. بهتر است معلمی مسئول اجرای برنامه فعالیت های فوق برنامه شود که از کار کردن با نوجوانان بیشتر لذت می برد و می تواند فعالیت ها را با موفقیت رهبری کند.

۱۷. هزینه شرکت در این نوع فعالیت ها باید برای دانش آموزان بسیار کم باشد و یا اصلاً چیزی از ایشان گرفته نشود.

۱۸. انتخاب، پیش بینی و برنامه ریزی این گونه فعالیت ها باید طوری باشند که همه دانش آموزان از شرکت در فعالیت های فردی و گروهی احساس رضایت خاطر کنند

۱۹. برنامه فعالیت های فوق برنامه باید دائماً بر اساس آثار تربیتی آن در نوجوانان قابل ارزشیابی باشد.
۲۰. رهبری معلم در اجرای این برنامه نباید شکل امر و نهی داشته باشد.

۲۱. ارتباط فعالیت های فوق برنامه با مواد و موضوع های درسی کلاس، مورد توجه قرار گیرد.

به طور کلی، اصل عمده و اساسی که در هر گونه برنامه ریزی تربیتی برای کودکان و نوجوانان، باید مورد عنایت خاص قرار بگیرد زندگی سالم و لذت بخش ایشان در حال و آینده است، زیرا تربیت در واقع همان زندگی است و بین آن دو هیچگونه جدایی وجود ندارد.

موفقیت هرگونه برنامه فعالیت فوق برنامه مستلزم عوامل زیر است:

- مدیر حساس و فعال و خلاق

- مدیر معتقد و علاقه مند به این گونه فعالیت ها

- معلمان حساس و فعال و خلاق

- معلمان معتقد و علاقه مند به فعالیت های فوق برنامه

-دموقیعت آموزشی و یادگیری مساعد و محرک، با وجود شرایط و احوالی در مدرسه که همگان را اعم از اولیا، مربیان و دانش آموزان به فعالیت های تربیتی سازنده از جمله فعالیت های فوق برنامه برانگیزند.

فصل چهارم

انواع فعالیت های فوق برنامه

در سه فصل گذشته به ضرورت وجودی مدرسه، مسئولیت آن در جهان امروز و فردا، روان شناسی دانش آموز و عمدتاً نوجوان و فلسفه وجودی فعالیت های فوق برنامه در مدرسه اشاره کردیم. با اعتراف به این نکته بسیار مهم که گفتنی درباره آن ها زیاد است و طبعاً هرچه زمان بیشتر بگذرد گفتنی ها هم بیشتر خواهند شد. بنابراین، هیچ کس نمی تواند ادعا کند که آخرین کلام را گفته است یا گفته او در حد کمال مطلوب است و شاید چنین ادعایی در جهان آفرینش هرگز ممکن و صادق نباشد و اگر این امر امکان پذیر بود، با رسیدن به آن، تحول و تکامل نیز متوقف می شد و احتمالاً آدمی سیر نزولی را در پیش می گرفت. پس هرگز نباید تحول و تکامل را پایان یافته تلقی کرد و گفته ها یا نوشته های خود را بهترین و آخرین پنداشت.

خداوند دانا و توانا و مهربان آدمی را با چند استعداد ویژه و در راس آن ها کنجکاوی، تفکر عالی و خلاقیت ممتاز ساخته است که هرگز تعطیل بردار نیستند. وجود همین ویژگی ها طبعاً به تعدد و تنوع آفریده های خود انسان خواهد انجامید و نمی توان و نباید انتظار داشت که آدمی، البته در کل، فکر، مقوله، یا پدیده تازه ای را نیافریند، هرچندی ممکن است، خود به دست آفریده اش فنا شود چنان که شاهد هستیم. شاید به همین سبب است که نمی توان از فعالیت های فوق برنامه گروه بندی دقیقی بعمل آورد یا فعالیت های کاملاً دقیق و مشخصی را پیشنهاد کرد. جز اینکه، به عواملی اشاره کنیم که در تعیین یا انتخاب نوع فعالیت های فوق برنامه مؤثرند

۱. نیازهای فردی و اجتماعی نوجوانان در حال و آینده کشور

۲. استعدادها و رغبت های نوجوانان

۳. برنامه های درسی و کمبودها یا نارسایی های احتمالی آن ها

۴. نیازهای فرهنگی، دینی و اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، علمی و هنری جامعه ایران در حال و آینده

۵. امکانات محیطی بویژه محیط مدرسه

۶. برنامه کار مدیریت مدرسه

۷. نیروی انسانی موردنیاز

۸. مشاغل سنتی و جدید در کشور؛ زیرا فرصت فعالیت های فوق برنامه می تواند نوجوانان را در آشنایی و آمادگی برای مشاغل مختلف آماده کند. از سوی دیگر، مانع فراموشی بعضی حرفه های سنتی / فرهنگی شود.

بنابراین برنامه فعالیت های فوق برنامه همانند برنامه درسی یا تحصیلی باید قابل انعطاف باشد و در آغاز سال تحصیلی با توجه به عوامل مذکور و شورایی با شرکت مدیر مدرسه ، معلم یا معلمان کلاس موردنظر، نماینده دانش آموزان همان کلاس، راهنمای مدرسه (اگر باشد)، متخصصان خارج از مدرسه در ارتباط با فعالیتهای پیش بینی شده، تهیه و تنظیم شود.

آنچه در این فصل یادآوری می کنیم صرفا جنبه راهنمایی دارد.

معمولا فعالیت های فوق برنامه را می توان به قرار زیر گروه بندی کرد:

- شرکت در اداره مدرسه

- شرکت در کلوب ها و باشگاه ها

- شرکت در خدمات اجتماعی

پیش از توضیح در باره هریک از فعالیت های مذکور باید دانست که منظور از اصطلاح « شرکت » این است که همه اختیارات برنامه ریزی و اجرای فعالیت های فوق برنامه را هرگز نباید به دانش آموزان محول کرد و ایشان فقط می توانند در آن ها شرکت کنند و اظهارنظر نمایند. چنانکه، قبلا نیز گفته شد، مدیر مدرسه مسئولیت رسمی اداره مدرسه را به عهده دارد و باید به همه فعالیت های آن، اعم از فعالیت های معلمان و فعالیت های دانش آموزان، دقیقا نظارت کند و در موارد لزوم راهنمایی به همین سبب، مدیر مدرسه باید دارای اطلاعات و تجارب آموزشی لازم باشد. از سوی دیگر، چون در فعالیت های فوق برنامه یک یا چند نفر معلم به عنوان عضو یا راهنما شرکت می کنند از این رو، باید آسایش معلمان نیز مانند دانش آموزان کاملا مراعات شود.

بعلاوه، ضروری است در همه فعالیت های فوق برنامه، مخصوصا مشاغل،

۱. گرایش مثبت دانش آموزان را نسبت به هر شغل برانگیخت و تقویت کرد

۲. دو شرط اساسی موفقیت: استعداد و رغبت در هر فعالیت یادآوری کرد.

۳. پیوسته مراقب بود که دلسردی پیدا نشود.

شرکت در اداره مدرسه

این فعالیت به وسیله انجمن دانش آموزان و با شرکت همه کلاس ها برنامه ریزی و انجام می گیرد که ممکن است از ترکیب فعالیت های زیر بوجود آید:

- رسیدگی به حضور و غیاب دانش آموزان

- بررسی علل غیبت یا تأخیر ورود بعضی از دانش آموزان

- مراجعه به خانواده های ایشان

- تحقیق و تعیین دانش آموزان عقب مانده درسی
- کمک به جبران عقب ماندگی های درسی در خارج از ساعات رسمی مدرسه
- رسیدگی به وضع بهداشتی و نظافت مدرسه و همه کلاس ها
- کمک به تمیز کردن و تمیز نگاه داشتن آن ها
- نظارت بر تشکیل انجمن های مختلف دانش آموزان
- شرکت و نظارت در طراحی و تهیه برنامه های انجمن ها
- نظارت و مراقبت در وضع و کیفیت فعالیت کتابخانه مدرسه و سالن مطالعه و تهیه و تنظیم مقررات استفاده از آن ها
- تهیه طرح های لازم برای منظم و مرتب ساختن مدرسه
- نظارت بر وسایل و امور ورزشی و بازی های دانش آموزان و تهیه و تنظیم مقررات لازم
- نظارت دقیق بر امور انضباطی مدرسه
- نظارت و مراقبت کافه تریا و سالن غذاخوری در مدرسی که آن ها را دارند.
- کمک به حفظ وحدت و هماهنگی در مدرسه
- تشویق سایر دانش آموزان به همکاری
- رسیدگی به شکایت ها و پیشنهادهای دانش آموزان و مطرح ساختن آن ها با اولیای مدارس
- سایر فعالیت های سودمندی که مدرسه لازم می داند.

ارزش این فعالیت: نکته تربیتی مهم و غیرقابل انکار این است که نظم، انضباط و نظافت سه عامل اساسی در پیشرفت فرد و جمع به شمار می روند و بدون آن ها یا بی توجهی به آن ها، بدون تردید، باعث عقب ماندگی همه جانبه فرد و جامعه خواهد شد و مدرسه بعد از خانواده نخستین نهاد اجتماعی است که حتما باید آن سه عامل را دارا باشد تا بتواند از یک سو واجد شرایط مطلوب یک مدرسه پیشرفته باشد و از سوی دیگر

ضروری نظم و انضباط و نظافت را در دانش آموزان ایجاد دید.

هرگاه مدرسه، خوب و منظم اداره شود طبعاً محیط آزاد و سالمی برای فعالیت خواهد بود و همه دانش آموزان خواهند توانست مدیریت مطلوب و خوب و پذیرش و انجام دادن مسئولیت ها را تحت راهنمایی مدرسه یاد بگیرند تا در دوران بزرگسالی و سالمندی بتوانند نیازهای خود را در این گونه موارد بدون احتیاج به راهنمایی دیگران ارضا کنند.

برنامه شرکت در اداره مدرسه باید طوری پیش بینی و تنظیم شود که هر دانش آموز بتواند در اداره مدرسه شرکت کند تا در مشکلات و مسائل امور اداری و چگونگی حل آن ها برای همه نوجوانان ممکن شود. البته، معلم آگاه و ورزیده می تواند این گونه مسائل را ضمن برنامه درسی رسمی و بویژه در مطالعات اجتماعی نیز مطرح کند.

شرکت مستقیم نوجوانان در اداره مدرسه، سبب می شود که ایشان اهمیت و لزوم مقررات عبور و مرور (و راهنمایی و رانندگی) را دریابند و رعایت آن ها را عملاً ضروری تلقی کنند. در کتابخانه و سالن مطالعه، سکوت را مراعات کنند، با روش درست تهیه برنامه فعالیت ها و پیشگیری از پیدایش تعارض ها آشنا شوند. همچنین، در انتخاب مدیران و رؤسا و چگونگی تشکیل و اداره جلسات عمومی مهارت پیدا کنند. شرکت دانش آموزان در اداره مدرسه، امکان های تربیتی بسیار جالب و لذت بخشی در پی دارد. هر روز این حقیقت، بیشتر روشن می شود که تربیت شهروندی یعنی عضو فعال یک جامعه شدن بدون عمل و تمرین تحت نظارت ممکن نیست و در این صورت است که نوجوان می تواند علاوه بر رشد و گسترش و تقویت مهارت ها و عادت های مناسب، بینش ها، رغبتها، آرمان ها، و گرایش های تازه ای کسب کند. به همین سبب، در سال های اخیر توجه خاصی به تشکیل پلیسی مدارس شده است تا همه دانش آموزان در امور پلیسی سالم یعنی حفظ نظم و انضباط عمومی مهارت پیدا کنند.

باید توجه داشت که انجمن دانش آموزان هرگز جانشین اولیای نخواهد بود و باید فعالیت های آن همواره زیر نظر قرار بگیرند و راهنمایی شوند. چون هدف اساسی از تشکیل این انجمن، چنان که قبلاً به گفته شد، کمک به آموزش و پرورش رسمی است و مدرسه از این راه می خواهد دانش آموزان را با چگونگی و روش های اداره امور اجتماعی آشنا سازد تا بتوانند در زندگی عمومی خود، مخصوصاً در بزرگسالی، شخصا مسئولیت های اجتماعی بپذیرند و به حل مسائل مربوط به خود توانا باشند.

خلاصه، از نقطه نظر آموزش و پرورش (تربیت)، شرکت دانش آموز در اداره مدرسه دارای ارزش های زیر است که دسترسی به آن ها ضمن برنامه های درسی رسمی مشکل و گاهی غیرممکن است:

۱. افکار و آرمان های رفتار درست، کنترل شخصی، همکاری مناسب و رعایت انصاف و بی طرفی را رشد و پرورش می دهد.

۲. موجب رشد و پرورش عادت های درست اندیشی می شود.

۳. توانایی و مهارت رهبری را در نوجوانان تقویت می کند.

۴. سبب ایجاد و تقویت فضایل اخلاقی در حیات شغلی نوجوانان می شود.

۵. احساس مسئولیت های فردی در تأمین آسایش همگانی و ارضای رغبت های همه اعضای گروه رشد و گسترش پیدا می کند.

۶. سبب می شود که عادت های اخلاقی، اجتماعی جانشین عادت های اخلاقی فردی شوند.

شرکت در انجمن ها

یکی دیگر از فعالیت های فوق برنامه در مدارس، تشکیل انجمن های مختلف است که هر کدام از آن ها با شرکت دانش آموزان تقریباً همانند از لحاظ هوشی، اجتماعی، رغبت های تفریحی به وجود می آید و بهترین وسیله ارضای تمایلات ایشان به شمار می رود.

در برنامه این گونه انجمن ها می توان فعالیت های تربیتی گوناگونی را منظور کرد از آن جمله اند:

- تحریک و تشویق دانش آموزان به شرکت در فعالیت های خلاق و ابتکاری

- کمک به دانش آموزان در کسب مهارت های اجتماعی

- پیشبرد رشد و تکامل خصایص شخصی مطلوب از قبیل: اعتماد به نفس، تعاون و انضباط شخصی

- توانا ساختن نوجوانان به کشف و توسعه مشاغل ارزشمند

- تشویق دانش آموزان به یادگیری کارها و فعالیت های ذوقی و تفریحی

- صرف انرژی نوجوانان در فعالیت های بدنی سالم

- کمک به دانش آموزان در رشد و تقویت خصایص رهبری و قبول مسئولیت در دوران بزرگسالی

- راهنمایی دانش آموزان به استفاده مطلوب از اوقات فراغت

انجمن ها و امیال نوجوانان

تعداد امیال گوناگون در فعالیت های انجمن برای یک گروه متفاوت است. در یک گروه بعضی نوجوانان کارهای تفریحی و ذوقی مانند قلم زنی، تمبر، بافندگی و... و گروهی علاقه مند به خدمات مدرسه ای مانند کمک به امور کتابخانه و ترافیک و بعضی هم به مسائل برنامه درسی مانند زبان خارجی علاقه مندند. نخستین گام برای ترتیب انجمن های متعدد و متنوع تحقیق در رغبت ها و تعیین مسائل یا در امور در مورد علاقه دانش آموزان است. و برای تهیه فهرستی از انجمن ها ی منطبق بر رغبت های نوجوانان روش های مختلفی وجود دارد. که عمومی ترین آن ها این است که معلمان براساس تجارب قبلی درباره دانش آموزان فهرستی از انجمن ها را تهیه می کنند و در اختیار دانش آموزان قرار می گیرند.

شرایط تشکیل انجمن ها

موارد زیادی میتوان در تشکیل انجمن های مدرسه به آن توجه داشت که مهم ترین آن ها به شرح زیر است:

۱. انتخاب یا تعیین موضوع هی سودمند و ارزشمند برای اعضا
 ۲. هدف و فعالیتهای مورد نیاز اعضای انجمن و نیز فعالیت های خارج از برنامه درسی (رسمی)
 ۳. متناسب بودن برنامه انجمن با وضع محلی و مشارکت هردانش آموز در یک انجمن
- ایجاد فرصت برابر برای همه دانش آموزان علاقه مند به شرکت در هر انجمن و مستقیماً حرفه ای نبودن انجمن ها

انواع انجمن ها

از انواع انجمن ها در مدارس بخصوص در مراحل تحصیلی نوجوانان به موارد زیر میتوان اشاره کرد :

- انجمن عمومی ؛ مددکاری اجتماعی ، بهداشت مدرسه و کتابخانه ...
- انجمن زبان و ادبیات فارسی ؛ نویسندگی ، مشاعره و مباحثه و تحقیق در مورد نویسندگان معاصر یا نویسندگان قدیم و کلاسیک سخنرانی ؛ روزنامه نگاری و...
- انجمن های زبان های خارجی : زبان روسی ، فرانسوی ، آلمانی ، عربی و...
- انجمن تربیت بدنی : فوتسال ، تهیه وسایل ورزشی کوهپیمایی
- انجمن تحقیقات و مطالعات اجتماعی : مسائل سیاسی ، دین مذهب ، زنان معروف تاریخی
- انجمن کشاورزی : پرورش گل کشاورزی نوین و...
- انجمن هنر و صنعت : نقاشی گچ بری و...
- انجمن های خانگی : نان پزی ، خانه داری ، تربیت کودک
- انجمن موسیقی : سرود خوانی ، آواز و...
- انجمن ریاضیات و علوم :

مدیریت انجمن ها

مواردی که مدیر یا مسئول یک انجمن ها در مدیریت مطلوب کمک می کنند:

۱. مدیر میتواند انجمن را متشکل سازد و طرح کلی فعالیتهای آن را بریزد و آن را در اختیار سازمان دائمی دانش آموزان قرار دهد.

۲. مدیر وظایف روسای گروه‌ها را به ایشان لایلاغ و فنون و مسئولیت‌های رهبری را به آنان یاد آور می‌شود

۳. مدیر بر همه جلسات انجمن نظارت میکند ولی دخالتی جز در نواقع ضروری در آن نمی‌کند.

۴. مدیر باید اعتماد اعضای انجمن و گروه‌ها را جلب کند به طوری که پیشنهاد‌های او را خواستار شوند.

۵. مدیر می‌تواند فعالیت‌هایی را به اعضای گروه یا هیات مدیره پیشنهاد کند بدون اینکه مستقیماً در مورد عملی کردن آنها اصرار بورزد.

خلاصه مدیر یا رهبر خوب و موفق باید دارای علم، قدرت و محبت باشند تا بتوانند ویژگی‌های یک رهبر امنیت و آزادی و عدالت واقعی را در جامعه یا در گروه خویش برقرار سازد.

فصل پنجم

فعالیت‌های فوق برنامه و موثر ساختن آنها

هر گونه برنامه آموزشی (رسمی، غیر رسمی) هنگامی جالب و مؤثر خواهد بود که در جهت زندگی باشد به نیازهای واقعی آن بپردازد و محتوا و کیفیت زندگی را مطلوب گرداند. در واقع هدف غائی همه فعالیت‌های تربیتی نظام‌دار (سیستماتیک) این است که شهروندان "فرهیخته" یا برخوردار از "تربیت مؤثر" و "فرهنگ اجتماعی" فعال بار آورد. و شخص را زمانی فرهیخته خواهیم خواند که سه ویژگی: دانائی، توانائی و مهربانی را باهم و همزمان داشته باشند.

آموزش و پرورش به هر شکل و در هر موقعیت دارای این اهداف هستند: الف - دانش آموزان را به علوم و معارف مورد نیاز در زمان معاصر مجهز گرداند.

ب- دانش آموزان را در کاربرد درست و به موقع آموخته‌ها و علوم گوناگون برای حل مسائل واقعی زندگی خود راهنمایی کند و ماهر گرداند.

پ- موقعیت یا شرایط آموزشی را آن‌چنان گرم و صمیمی گرداند که کودکان و نوجوانان یاد بگیرند و تمرین و تجربه کنند که چگونه با هم دیگر و سایر شهروندان صمیمی باشند و از بودن با یکدیگر لذت ببرند.

بنابراین همه فعالیت‌های آموزشی آزاد یا فوق برنامه هنگامی موفق و مؤثر خواهد بود و اعتبار خواهد داشت که دانش آموزان یا شرکت‌کنندگان در آن فعالیت‌ها را یاد بگیرند و تجربه و تمرین کنند که اشخاص "خود گردان" و برخوردار از فرهنگ خود گردانی و پذیرش مسئولیت‌های اجتماعی باز آیند.

- ❖ ویژگی های تربیت یا آموزش ، پرورش که باید مورد توجه دقیق همه دست اندر کاران آموزش و پرورش رسمی کشور باشد ؛
- ❖ در سراسر زندگی مطرح است .
- ❖ همه مقاطع یا سطوح آموزشی مهم هستند و نباید یکی از آنها را مهم تر از بقیه جلوه کرد.
- ❖ پر هزینه است و هرگونه خستدر آموزش و پرورش یقیناً خطر زا خواهد بود جز اینکه مدرسه نباید زمینه یا جایگاه تبلیغ باشد .
- ❖ در بلند مدت انجام می گیرد و شتابزدگی در آن به عواقب وخیمی منج خواهد شد.
- ❖ مسئولیتی همگانی و اجتماعی است .
- ❖ آموزش و پرورش فرآیند تعاملی میان مربی و متربی است
- ❖ خود ارزش نیست بلکه دانش آموزان و دانشجویان را با ارطش های مورد قبول جامعه و جهان آشنا میکند بدون اینکه ارزش های خاصی را مستقیماً به ایشان تحمیل کنند .
- ❖ فلسفه و علم و هنر با هم است . آموزش و پرورش را فلسفه خوانیم چون دارای مبانی فکری خاصی است و به روش تحلیل و ترکیب انجام می گیرد.
- ❖ یادگیری را محور یا قلب خودش می داند چون براین باور است که آموزش و پرورش زمانی موثر و موفق خواهد شد که دانش آموز یا دانشجو بخواهد و بتواند یاد بگیرد یا آماده آموختن باشد.
- ❖ یک سیستم است . تربیت یا آموزش و پرورش خودش یک سیستم است و نباید تعامل میان مولفه های آن را نادیده گرفت .
- ❖ مدرسه که جایگاه رسمی تربیت است از سایر نهاد های اجتماعی کشور قابل تفکیک نیست . برای مثال نمی توان بدون برخورداری از رادیو یا تلویزیون مطلوب از مدرسه مطلوب برخوردار شد.
- نوگرایی (مدرنیسم) و فرانوگرایی (پست مدنیسم) طبعاً از تربیت حاکم بر مدارس و دانشگاه و متاثر در آنها موثر است. معلم و مدیر اگر فرزندان خود نباشد اثر بخشی لازم نخواهد داشت البته باید فرزند زمان بود نه برده زمان.

اعتقادهای زیربنایی فعالیت های آموزشی فوق برنامه

- ۱- اعتقاد به این که احترام و محبت متقابل دو شرط ضروری یادگیری و آموزش هستند.
- ۲- اعتقاد به این که هر شخص، در هر سنی که باشد، می تواند یاد بگیرد.
- ۳- اعتقاد به این که مردم، مواد یا مطالب یا مهارت ها را به شکل ها و درجه های متفاوت یاد میگیرند.

۴- اعتقاد به این که یادگیری، فرایند سراسر زندگی یا مادام العمری است.

۵- اعتقاد به این که یادگیری با عمل، مؤثرتر است.

۶- اعتقاد به این که یادگیری، مستلزم آمادگی است: آمادگی با آمادگی شناختی (ذهنی)، آمادگی عاطفی، آمادگی اجتماعی، آمادگی تجربی و...

۷-، اعتقاد به این که همه مردم می خواهند و دوست دارند که یاد بگیرند هم چنان که هر پرنده ای می خواهد پرواز کند.

۸- اعتقاد به این که عزت نفس در یادگیری، اثر مثبت دارد؛ یادگیری موفق، عزت نفس یادگیرنده را افزایش می دهد و به آن وسعت می بخشد. پس باید کلاس درس یا حوزه آموزش جایگاه کمک به رشد و گسترش عزت نفس همه دانش آموزان باشد.

۹- اعتقاد به این که موفقیت، موفقیت های بعدی را ممکن و آسان می کند. پس باید در حوزه فعالیت های آموزشی / یادگیری به هم دانش آموزان فرصت داد که موفقیت را تجربه کنند..

۱۰- اعتقاد به این که یادگیری مؤثر، قابل انتقال است. اغراق نیست که بگوییم میدان فعالیت های آموزشی فوق برنامه، عمدتاً میدان تجربه مستقیم مهارت های زندگی است و اگر این مهارت ها از این میدان به حوزه زندگی خارج از مدرسه یا زندگی واقعی منتقل نشوند بی اثر تلقی خواهند شد.

۱۱- اعتقاد به این که یادگیری، مستلزم کهنه کاری و تفکر است.

۱۲- اعتقاد به این که یادگیری، مستلزم انگیزش به وسیله ایجاد یا طرح مساله است.

۱۳- اعتقاد به این که یادگیری، با اشتباه همراه است جز این که باید دانش آموز یا دانشجو را تشویق و راهنمایی کنیم که:

= اشتباه کردن را فرایند طبیعی تلقی کند

= از اشتباه کردن، احساس گناه نکند و ناامید نشود

= به تحلیل و تعلیل (علت یابی) اشتباه بپردازد

= و از آن برای جلوگیری از اشتباه های احتمالی بعدی تجربه اندوزی کند

۱۴- اعتقاد به این که یادگیری را نمی توان به زمان و مکان خاص محدود ساخت.

۱۵- اعتقاد به این که یادگیری هر مطلب یا مهارت را می توان تسهیل و عمیق کرد هم چنان که می توان آن را مختل ساخت استفاده از تکنولوژی آموزشی برای تأمین سه فرایند نخست و پیشگیری اختلال است.

۱۶- اعتقاد به این که یادگیری، فرایندی است شخصی و مسئولیت آن به عهده خود یادگیرنده است؛ بنابر این، در هر گونه فعالیت آموز مراقب بود که همه دانش آموزان تلاش کنند.

۱۷- اعتقاد به این که یادگیری، فرایندی است تدریجی.

۱۸- اعتقاد به این که یادگیری، همیشه آگاهانه یا عمدی انجام نمی گیرد.

۱۹- اعتقاد به این که یادگیری عینی، به ویژه در دوران کودکی نوجوانی، آسان تر و سریعتر از یادگیری انتزاعی انجام می گیرد.

۲۰- اعتقاد به این که میان یادگیری و آموزش و فرهنگ حاکم بر جامعه، رابطه مستقیم و تعامل مداوم وجود دارد.

۲۱- اعتقاد به این که کودک و نوجوان زمانی آموختن را جدی می گیرند که اطرافیان، اعم از والدین و معلمان، آموختن را جدی بگیرند.

۲۲- اعتقاد به این که هر یادگیرنده، یک سیستم است.

۲۳- اعتقاد به این که هر یادگیرنده همیشه تحت شرایط ابعاد پنج گانه رفتار قرار دارد و زندگی می کند: ابعاد زیستی، تن کاری، روانی، اجتماعی، محیط زیستی (بوم شناختی)

۲۴- اعتقاد به این که آموزش پرورش (تربیت) سالم در مدرسه و خارج از مدرسه با همه ابعاد رفتار متریان سر و کار دارد و همزمان به همه آنها می پردازد.

۲۵- اعتقاد به این که یادگیری معلم، بر یادگیری دانش آموزان و د پویان مقدم است.

۲۶- اعتقاد به این که تنها مدرسه، مسئول آموزش کودکان و نوجوانان نیست.

۲۷- اعتقاد به این که محیط یا موقعیت مساعدیا مثبت و پشتیبان لباس فرایند یادگیری / آموزش است.

۲۸- اعتقاد به این که در دنیای رقابتی معاصر، یادگیری و کار کردن تعاونی (مشارکت)، اساس تلقی می شود.

۲۹- اعتقاد به این که دانش آموزان و دانشجوین باید چه گونه کشف کردن را بیاموزند نه چیزهای کشف شده را.

۳۰- اعتقاد به این که هرگونه فعالیت آموزشی فوق برنامه باید برای همه دانش آموزان معنادار باشد.

۳۱- اعتقاد به این که انضباط معقول از جمله شرایط بسیار مؤثر یادگیری و آموزش است.

۳۲- اعتقاد به این که منشأعمده انضباط، خود والدین ها، معلمان، و سایر مسئولان امور جامعه هستند.

۳۳- اعتقاد به این که همه معلمان در همه دروس و همه سطوح آموزشی مدیریت های زیر را به عهده دارند و ناتوانی در اعمال آنها ناکامی ایشان و محصلان خواهد شد:

مدیریت زمان و مکان

مدیریت علم یا علوم و معارف

مدیریت دروس یا برنامه های درسی

مدیریت مغزها و دست ها و دلها

مدیریت روابط انسانی و ارتباط های نهادی

مدیریت تجهیزات و امکانات

مدیریت تکنولوژی آموزشی و یادگیری

مدیریت انضباط

مدیریت بحران

مدیریت استعدادها و توانمندی ها

مدیریت ابزارها و وسایل

۳۴- اعتقاد به این که یادگیری و چه گونه آن طبعاً در میزان و چه گونه تغییر یافتن افکار و اعمال و تجربه های دانش آموزان و دانشجویان مؤثر است.

۳۵- اعتقاد به این که هدایت فعالیت های آموزشی فوق برنامه، وظیفه همه معلمان است و باید با توجه به معیارهای: رغبت، توانایی، معلومات، و تجربه میان ایشان توزیع شود.

۳۶- اعتقاد به این که موفقیت در هرگونه آموزش برنامه ای و فوق برنامه نصیب مدیران و معلمان خواهد شد که از ویژگی های زیر برخوردارند:

عشق (عشق: به خود، به کار به مردم، به علم، یادگیری، و آموزش)

جرأت در خلاقیت و ریسک کردن

ایمان با اعتقاد به خود، به کار، به مردم، به علم، به آموزش

اعتماد به خویشتن، به مردم، به علم، به کار

اعتدال در رفتار تقریباً همیشه و همه جا

امید به مؤثر بودن و موفق شدن

۳۷- اعتقاد به این که معلم در همه فعالیت های آموزشی باید روشنگر و اگر باشد نه مقلد و شناور؛ تا بتواند شهروندان روشنگر و شناگر تربیت کند.

۳۸- اعتقاد به این که هر معلم، مسئول آن چیزی است که به و دانش آموزان یا دانشجویان منتقل می کند.

۳۹- اعتقاد به این که معلم موفق و مؤثر حکم آب جاری را دارد که:

مدام در حرکت است و سکوت و ثبوت ندارد

به عقب برنمی گردد

دو بار نمی توان از آن عبور کرد.

همیشه تازه است

ضرورت های آموزشی(تربیتی)امروز

ما نسل امروز در جهانی زندگی می کنیم که:

۱- تغییر و تحول شاخص ترین نشانه آن است.

۲- در این جهان آفرینش میان پدیده های متعدد و متنوع آن هموار تعامل وجود داشته، دارد، و خواهد داشت و روز به روز بر کم و کیف این تماما افزوده می شود.

۳- بدیهی است که موفقیت یا برنده شدن در چنین جهانی از آن اشخاصی یا ملتهایی است که-

وجود و کم و کیف این تغییر و تحول را بپذیرند

به واقعیت ها بیندیشند و بپردازند

ناتوانی های خود را در روبه رو شدن با مسائل این جهان متغیر دریابند و...

۴- یادگیری برای باهم زیستن

| طبیعی است که مدرسه در این برنامه ها و تلاشهای خرد زندگی معاصر را نه تنها فراموش نخواهد کرد بلکه آنها را نیز کارهای خودش قرار خواهد داد:

اول، مهارت برقرار کردن ارتباطات، خصوصا ارتباط های کلامی

دوم. مهارت استفاده معقول از طبیعت و کمک به رشد و گسترش آن

شاید به همین سبب است که می گویند: مدرسه، جایگاه زندگی است آماده شدن برای زندگی *

برای دست یافتن به چنین مدرسی باید کارهای زیر را انجام داد:

-مدیران و معلمان روشن خواهند ساخت:.

۱. زنده و مؤثر بودن آموزش پرورش را از پیامدهایش می توان دریافت و ارزیابی کرد.

۲. دانش آموز یا دانشجو باید فعال باشد و معلمان راهنما.

۳. هیجان آمیز ترین واقعه قرن بیست و یکم نه از تکنولوژی بلکه از این مفهوم گسترش یابنده پدید خواهد آمد که: انسان بودن یعنی چه؟

- هم چنین به آگاه شدن از ضرورت های یادگیری / آموزشی زیر خواهیم رسید:

دانش آموزان در مراحل گوناگون رشد و تکامل، چه گونه یاد می گیرند.۱

۲. دانش آموزان عملاً چه میفهمند.

۳. دانش آموزان عملاً چه می توانند بکنند

۴. دانش آموزان چه گونه و چه قدر می توانند «خودگردان» باشند.

۵. دانش آموزان چه گونه و چه قدر می توانند هموعان خود را محترم بشمارند

۶. دانش آموزان چه گونه و چه قدر می توانند از سلامت همه جانبه برخوردار باشند

ضعف های موجود در مدارس

۱- مدیریت آموزشی عمدتاً شکل مدیریت اداری پیدا کرده است

۲- خود مدارس درباره هدف های دروس و تدریس، روشن نیستند

۳- بیشتر معلمان باور ندارند که دانش آموزان و دانشجویان می توانند به معیارهای مورد انتظار معلمان برسند

۴- بیشتر معلمان طوری تدریس نمی کنند که دانش آموزان

بتوانند انتقادی بیندیشند،

مفاهیم پیچیده و فنی تحصیلی را بیاموزند

بتوانند ارتباطهای مخصوصاً کلامی مؤثر برقرار کنند،

بتوانند از خودپنداری مثبت و عزت نفس برخوردار باشند،

بتوانند شناگر باشند نه شناور،

بتوانند انتقادی بیندیشند

۵- عده بسیار کمی از پدران و مادران با مدارس همکاری مستقیم و موثر دارند

آموزش های ضروری انسان

همه معلمان و والدین ها باید همیشه این واقعیت را در نظر داشته باشند که زندگی و آموزش پرورش، دو پدیده جدا از هم نیستند جز این که آموختن برخی مهارتها از ضرورت بیشتری برخوردار است. آموزشهای چهارگانه زیر، مورد نیاز سراسر زندگی انسان هستند، و مدرسه می تواند بهترین فرصتها و زمینه ها را برای این آموزشها فراهم کند:

الف) خودشناسی و خودپذیری

ب). موقعیت شناسی و موقعیت پذیری، به این معنا که کودک یا نوجوان موقعیت واقعی خویش را در خانواده، گروه بازی، کلاس، محل کار، و جامعه دریابد و بپذیرد.

ج) مسئولیت شناسی و مسئولیت پذیری، به این معنا که انسان، به گفته برخی از دیدگاه های فلسفی، آزاد است و مسئول. و آزادی در جامعه ای امکان پذیر است که همگان خود را مسئول بدانند و هیچ شهروندی خود را به سبب علمش، مقامش، شغلش، ستش، ثروتش، ق درتش، و ... آزادتر از دیگران تصور نکند و با مسئولیت اجتماعی / انسانی خود را کمتر از دیگران تلقی نکند.

د) چه گونه ای ارزشیابی خویشتن و انتقاد از خود، به این معنا که یکی از ویژگی های طبیعی انسان، شاید هم حیوانات دیگر، این است که مدام خود را ارزیابی می کند عمدتا به این منظور که جنبه های قوی و ضعیف خود را دریابد.

آموزش های چهارگانه مذکور به ماده درسی خاص یا معلم ویژه نیاز ندارند بلکه باید در همه دروس مورد توجه باشند و همه مدیران و معلمان، مسئول آموزش آنها هستند به شرط این که خود ایشان این مهارت ها را درست آموخته باشند.

- اگر قرار باشد در آموزش پرورش کشورمان تحولی به وجود آید و انقلاب تربیتی انجام گیرد باید شاهد تغییرهای زیر باشیم:

۱- تغییر نگرش ها به آموزش پرورش رسمی؛

۲- تغییر افکار و اعتقادهای درباره آموزش پرورش، چون اعمال آدمی شما انعکاسهای افکار و اعتقادهای او هستند، طبیعی است که ایدئولوژی هر شخص حکم قالبی را دارد که رفتار شخص در آن قرار می گیرد و شکل و جهت خاص پیدا می کند؛

۳- تغییر هدف ها، اعم از هدف های عمومی دربرگیرنده همه مردم و همه مواد درسی، و هدف های اختصاصی هر ماده درسی، و به شکل عینی در آوردن آن ها

۴- تغییر محتوا با توجه به نیازهای روز جهان و جامعه

۵- تغییر منابع یادگیری با ابزارهای آموزشی و حتی ساختار مدارس و کلاسها

۶- تغییر روش ها و راهبردها اعم از روشهای کلی آموزش پرورش یا های گوناگون آموزشی و روش های تدریس

۷- تغییر در نگرش به تکنولوژی آموزشی

بر هر حال، ماناگزیریم در جهان تو و با مسائل توزندگی حل آنها به راه حل های نوین بیندیشیم. هم چنین، باید آموزش برنامه زنده زندگی در نظر بگیریم و بدانیم که این برنامه، زمانی واقعیت پیدا می کند که همه مسئولان اداره جامعه، خصوصا مسئولان آموزش و پرورش رسمی آن را جدی بگیرند و در برنامه ریزی ها و بودجه بندی های کشور بیش از همه چیز به آموزش پرورش کودکان و نوجوانان بیندیشند این که احساساتی باشند و آن را با يك عده تعصبهای نامعقول و غیرضروری درآمیزند.

فصل ششم

میدان فعالیت های فوق برنامه

هدف غایی فعالیت های آموزشی فوق برنامه درسی

۱. ایجاد یا دادن معلومات و مهارت های تازه به دانش آموزان.
۲. اصلاح یا بهبود بخشیدن معلومات و مهارت های نامطلوب دانش آموزان.
۳. تکمیل یا کامل گردانیدن معلومات و مهارت های ناقص دانش آموزان.
۴. یادگیری در حد تسلط یا تخصص که عمدتاً در سطح آموزش عالی مطرح است.

شرایط رسیدن به هدف غایی فعالیت های آموزشی فوق برنامه درسی

۱. شناخت دقیق و همه جانبه تغییر مطلوب یا موردنظر.
۲. درک و پذیرش ضرورت این تغییر.
۳. شناخت شخص یا اشخاص مورد نظر که باید رفتارشان تغییر یابد.
۴. شناخت دقیق و عمیق رفتار موجود که تلاش می شود به شکل دیگری (مطلوب) درآید.
۵. شناخت همه جانبه عواملی که رفتار موجود یا موردنظر را اثر گذشت زمان، موجب تقویت آن رفتار شده اند.
۶. شناخت دقیق و همه جانبه رفتار مطلوب در حد کمالش.
۷. شناخت دقیق و همه جانبه شرایط شخصی و محیطی لازم یادگیری آن رفتار مطلوب.
۸. شناخت روش ها و راهبرد های کلی تغییر دادن رفتار (به معنای عام).
۹. مطالعه و شناخت روش ها و راهبرد های جانشین سازی رفتار مطلوب به جای رفتار موجود.
۱۰. شناخت چگونگی یادگیری و آموزش رفتار موردنظر.
۱۱. شناخت چگونگی ارزشیابی آن رفتار.

۱۲. شناخت چگونگی تقویت مداوم و پی گیری تغییر رفتار بعمل آمده.

فعالیت های فوق برنامه و مکمل باید امکان های زیر را برای همه دانش آموزان فراهم کنند

۱. امکان تسهیل زندگی اجتماعی

۲. امکان برقراری ارتباط های گوناگون با هم نوعان

۳. امکان اظهار وجود برای همه دانش آموزان

۴. امکان افزایش عزت نفس

۵. امکان رشد و گسترش و تقویت خودپنداری مثبت

۶. امکان لذت بردن از مشارکت یا تعاون در امور زندگی

۷. امکان احساس آزادی واقعی و لذت بردن از فعالیت ها بدون احساس اعمال قدرت از سوی افراد یا گروه ها و یا مقام ها

۸. امکان یادگیری و رشد و گسترش مهارت های مورد نیاز زندگی

۹. امکان رشد و تکامل اجتماعی سالم یا مثبت و مؤثر

۱۰. امکان ابراز آزادانه افکار و احساسات

۱۱. امکان رشد و گسترش اندیشه انتقادی و بازاندیشی فراتراندیشی

۱۲. امکان برخورداری از انگیزش ها و نگرش های مثبت به زندگی

۱۳. امکان زندگی طبیعی نه تصنعی

۱۴. امکان یادگیری و قبول ضرورت ها و محدودیت های واقعی زندگی انسان

۱۵. امکان پی بردن به خود واقعی

۱۶. امکان یادگیری چگونگی تحمل افکار و عقاید مخالف

۱۷. امکان یادگیری مسئولیت شناسی و مسئولیت پذیری

۱۸. امکان خودارزیابی با ارزشیابی واقعی خویشتن

۱۹. امکان یادگیری انواع مدیریت خصوصاً مدیریت زمان

۲۰. امکان یادگیری چگونگی ادامه مطالعه و پژوهش در سراسر زندگی

۲۱. امکان اختیار و انتخاب آزاد: دوستان، همکاران، نوع و زمان و میزان فعالیت

۲۲. امکان رشد و تکامل همه جانبه، به ویژه، رشد و گسترش
۲۳. امکان رشد و افزایش گسترش حساسیت، فعالیت و خلاقیت
۲۴. امکان یادگیری چگونگی برنامه ریزی برای امور زندگی
۲۵. امکان رشد و افزایش و گسترش توان و صلاحیت مواجه شدن با مسائل زندگی
۲۶. امکان یادگیری خودپذیری و اسناد به خوشتن
۲۷. امکان احساس موفقیت و پیش گیری از تحقیر و احساس گناه برای همه ی دانش آموزان
۲۸. امکان یادگیری و رشد و گسترش خصایص اخلاقی مثبت
۲۹. امکان مواجه شدن با واقعیات در مقابل نماد ها
۳۰. امکان آموختن خوش و سالم گذراندن زندگی
۳۱. امکان یادگیری روش های غیر مستقیم و مؤثر خوددرمانی برخی اخلاق های روان نژندی
۳۲. امکان یادگیری و گسترش روش های مناسب و مساعد سازگاری با محیط
۳۳. امکان تسهیل یادگیری برخی از دروس رسمی
۳۴. امکان کمک کردن به جامعیت بعضی از درس های رسمی
۳۵. امکان لذت بخش کردن مدرسه برای همه ی دانش آموزان و حتی اولیای ایشان
۳۶. امکان توزیع آزادانه و عادلانه فرصت ها و امکانات به سراسر دوران تحصیلی رسمی
۳۷. امکان یادگیری چگونگی صرف مؤثر اوقات فراغت
۳۸. امکان تمرین و تجربه آزادی همه جانبه و استفاده ی درست از آن
۳۹. امکان کمک بسیار مؤثر به مدیر و همه ی معلمان ذر اداره ی امور مدرسه و آموزش و انضباط
۴۰. در واقع، امکان رشد و تکامل سالم همه جانبه برای همه ی شرکت کنندگان

انتظار از فعالیت های آموزشی فوق برنامه

اول. کمک کردن به رشد و تکامل طبیعی همه جانبه دانش آموز به صورت واحد کل یا سیستم

دوم. رشد و پرورش دادن شهروند مؤثر (خوب)

از جمله مسئولیت های مهم موقعیت یادگیری / آموزشی این است دانش آموزان را راهنمایی و کمک کند که عادت های اجتماعی یا براهتی دیگران زیستن را در خوشتن رشد و گسترش دهند، رهبران و مدیران سازنده و مبتکری باشند، و به طور کلی، اعضای مؤثر یا شهروندان مؤلّد جامع بار آیند. این انتظار از فعالیت های آموزشی فوق برنامه، بیشتر است زیرا اغلب محدودیت های کلاس های درس را ندارند و به آسانی و گاهی به ضرورت فعالیت های مشارکتی را مطرح می کنند و از بهترین و مؤثرترین مشوقهای دانش آموزان

به اجتماعی اندیشیدن و همزیستی می باشند. به عبارت دیگر، در هر بخش این گونه فعالیت های آموزشی، دانش آموزان ناگزیرند به خدمات اجتماعی بپردازند و به این ترتیب، زندگی اجتماعی یا همزیستی را عملاً تجربه و تمرین می کنند.

سوم. رشد و گسترش دادن رغبت های تفریحی ارزشمند با فراهم آوردن فرصت های تفریحی سالم متنوع معمولاً همه خردسالان و بزرگسالان، به ویژه در دنیای معاصر، مقدار زیادی اوقات فراغت دارند و این وضع تقریباً در سراسر زندگی ادامه دارد. اوقات فراغت، زمانی برای شخص، دل چسب و لذت بخش خواهند شد که اولاً خود شخص از سلامت بدنی و روان شناختی برخوردار باشد؛ ثانیاً یاد بگیرد و بتواند آنها را با محتوا گرداند و یاد بگیرد که چه گونه از این ساعات، غالباً قربانی شده، خوب و مؤثر استفاده کند و واقعاً از آنها لذت ببرد.

فعالیت های آموزشی فوق برنامه ی درسی، فرصت هایی خواهند بود که یاد بگیرند و تجربه کنند که چه گونه تفریح سالم داشته باشند یا ساعات فراغت شان را چه گونه سودمندانه صرف کنند، و یاد بگیرند که چگونه در دوران بزرگسالی و سالمندی نیز از اوقات فراغت خود بهره ببرند.

ویژگی های فعالیت های فوق برنامه

- زمینه یا صحنه و روش های غیر رسمی یا غیر تحمیلی
- تنظیم یا سازماندهی و هدایت عمدتاً از سوی خود دانش آموزان
- محور بودن فعالیت های دانش آموزان

انواع فعالیت های آموزشی فوق برنامه درسی

۱. تنوع آن ها ثابت نیست و ممکن است مقتضیات زمان / مکان، انواع دیگری غیر از آنهایی را که در این کتاب مطرح شده اند، ایجاد کنند.
 ۲. می توان همه ی فعالیت های فوق برنامه رابه دو گروه بزرگ، طبقه بندی کرد:
 - الف. فعالیت های خدماتی یا فعالیت هایی که ماهیت خدماتی دارند از قبیل: انجمن بهداشت، انجمن کتاب خانه، انجمن محیط زیست، و...
 - ب. فعالیت های علمی و مهارتی از قبیل: انجمن آزمایش های علمی، انجمن کارهای دستی، انجمن تهیه ی ابزارهای آموزشی / یادگیری، و...
- به طور کلی فعالیت هایی که تجربه ها یا معلومات و مهارت های اضافه بر دروس رسمی به دانش آموزان می دهند.

مولفه های فعالیت های فوق برنامه

۱. مدرسه یا محیط آموزشی

فعالیت های آموزشی فوق برنامه در مدرسه ای به پیامدهای مثبت و مطلوب خواهند انجامید که:

- صرفاً هدف های تربیتی را دنبال کند و امور خیریه را به عهده نهادهای خاص دیگر بگذارد. از مدرسه انتظار داریم که دانش آموزان را به شرکت در امور خیریه جامعه تشویق و هدایت کند ولی خودش به فعالیت های تربیتی ویژه اش بپردازد. و مراسم اجتماعی را به عهده نهادهای اجتماعی دیگر بگذارد.
- با نهادهای گوناگون جامعه، رابطه داشته باشد تا بتواند به موقع از آنها در غنی سازی محتوای فعالیت های فوق برنامه، حتی برنامه های درسی رسمی، استفاده کند. ساختارش طوری باشد یا طوری آرایش شود که شوق یادی همه دانش آموزان، حتی در مراجعان خود، برانگیزد.
- محیط شاد و نشاط انگیز باشد و همیشه از رنگ های شادی بخش استفاده کند.
- درس به روی همه اندیشه مندان و دوستداران علم و هنر، که می خواهند با دانش آموزان به بحث و گفت و گو بپردازند، باز باشد.
- از سایر ویژگی هایی که قبلاً گفته شد برخوردار باشد.

۲. مدیریت مدرسه

۳. امکانات

۴. معلم معتقد و آگاه

درباره معلم و ویژگی های او در سراسر این کتاب، سخن گفته ایم اگرچه سخن گفتن در مورد این «انسان» ضروری برای ارتقای بشریت تمام شدنی نیست. چون معلم است که می تواند آموزش- پرورش را فرایند مؤثر و سازنده گرداند، یا آن را به صورت وسیله ویرانگر در آورد. این چه گونگی طبعاً به دو جنبه او بستگی دارد:

۱. شخصیت همه جانبه با برخورداری از ابعاد سالم رفتار. ۲. تربیت حرفه ای

به این معنا که «معلم» زمانی معنای ارزشمند و اثربخش این عنوان را پیدا خواهد کرد و وجودش واقعاً قابل افتخار جامعه خواهد شد که اولاً از شخصیت سالم برخوردار باشد؛ ثانیاً در مرکز تربیت معلم واجد شرایط، آموزش دیده باشد. معلم است که می تواند فعالیت های آموزشی را لذت بخش و عامل پیشرفت گرداند، یا این که همان فعالیت ها را به شکلی انجام دهد که دانش آموزان را نه تنها از مدرسه و درس بلکه از زندگی هم بیزار کند. معلم باید در هر فرصت پیش آمده، اهمیت حیاتی فعالیت های آموزشی فوق برنامه را مورد بحث قرار دهد بدون این که آنها را مزاحم سایر دروس قلمداد کند.

مشوق این گونه فعالیت ها بودن، حداقل، دو شرط لازم دارد:

۱. خود معلم به ضرورت و اثر بخشی فعالیتهای فوق برنامه مو باشد.

۲. درباره کم و کیف آنها اطلاعات لازم را داشته باشد.

معلم می تواند به وسیله خصایص زیر دانش آموزان را در پذیرفت. مسئولیت های خارج از کلاس کمک کند.

۱. گرایش خود معلم نسبت به فعالیت های خارج از کلاس یا فوق برنامه

۲. شرکت معلم در این گونه فعالیتهای و جدی گرفتن آنها

۳. برخورداری از اطلاعات لازم در باره نیازها و رغبتها و توانایی های خاص دانش آموزان

۴. فراهم آوردن امکان های مشاهده این گونه فعالیت ها

۵. کمک کردن به دانش آموزان در انتخاب فعالیتهای

۶. انتخاب زمان مناسب

۵. رغبت دانش آموزان

همیشه یکی از محورهای تعیین کننده میزان اثربخشی آموزش - پرورش را «رغبت» دانش آموزان معرفی می کنند. در این که دانش آموز آن چه را که دوست دارد» راحت تر و بهتر یاد می گیرد و از تحمیل بیزار است شکی نیست. لیکن به این نکته مهم هم باید توجه داشت که او از تجربه های لازم محروم است و به کمک و راهنمایی مدرسه یا معلمانه نیاز واقعی دارد. کمک مدرسه یا معلمان به این شکل موفق خواهد شد که فعالیت آموزشی / یادگیری» مورد نظرش را با شرایط رشد و تکاملی دانش آموزان هماهنگ گرداند. تجربه نشان داده است که دانش آموزان آن چه را که برایش <<معنادار>> باشد بهتر یاد می گیرد و منظور از معنا دار بودن این است که:

الف. دانش آموز، آن را خوب بفهمد یعنی کلمات آن با خزانه ی لغات او هماهنگ باشد.

ب. با تجربه های قبلی دانش آموز ارتباط پیدا کند.

پ. مورد نیاز زندگی دانش آموز باشد.

۶. محتوای برنامه فعالیت های فوق برنامه

بدیهی است که محتوای برنامه فعالیت های فوق برنامه، همانند محتوای برنامه فعالیت های اموزی رسمی،

باید براساس نیازهای فردی و اجتماعی همه دانش آموز

و اجتماعی همه دانش آموزان در روزگار معاصر، انتخاب و تدوین شده باشد و گر نه به فساد و پوسیدگی

اذهان دانش آموزان و بی کفایتی ایشان منجر خواهد شد.

۷. روش کار

از جمله ویژگی های آموزش-پرورش جدید توجه خاص به <<روش کار>> اعم از یادگیری و آموزش است.

به طوری که مهارت معلم در استفاده درست از روش های تربیت یا به کار بردن روشهای فعال در آموزش را بر معلومات او ترجیح می دهند؛ زیرا چه گونه گی روش کار است که معلومات و تجربه های آموزشی معلم را بارور و پر بهره می کند.

۸. سرپرستی و رهبری فعالیت های فوق برنامه

سازمان و تشکیلات برنامه های فعالیت های فوق برنامه یا خارج از کلاس

۱. برنامه فعالیت های خارج از کلاس طبعاً تحت هدایت و کنترل مدرسه اجرا می شود. قدرت تصمیم گیری نهایی در ملاحظه و سازماندهی فعالیت های نوین و اداره سازمان ها با هیأت علمی مدرسه است.

۲. فعالیت ها باید برای هدف های معین و خاص، سازماندهی شوند به ویژه:

الف. به رشد و غنی سازی برنامه های درسی مدرسه کمک کنند.

ب. به بهتر ارضاشدن نیازهای دانش آموزان بینجامند.

پ. از ارزش های بالایی برخوردار باشند.

ت. برای جامعه نیز ارزش های مهمی داشته باشند.

۳. فعالیت ها باید آن چنان وسیع و متنوع باشند که همه دانش آموزان بتوانند نیازهای خود را ارضا کنند.

۴. سرپرستان با مسئولان فعالیت های سازمانهای مختلف، همکارانه بیندیشند و در همه فعالیت ها، سیاست هماهنگی را اعمال کنند.

۵. فعالیت ها باید آزاد و بسیار کم هزینه باشند تا همه دانش آموزان بتوانند شرکت کنند و هیچ دانش آموزی به هیچ دلیلی محروم نشود.

۶. دانش آموزان در هر سن که باشند بتوانند شرکت کنند. باید عضویت اختیاری باشد و برای هر دانش آموز، میان برنامه درسی رسمی فعالیت فوق برنامه، تعادل لازم برقرار شود.

۷. زمان هر فعالیت، دقیقاً معین باشد.

۸. ارزش فعالیت فوق برنامه انتخاب شده برای دانش آموزان و مدرسه در اوقات معین ارزشیابی شود.

مدیریت فعالیت های فوق برنامه

۱. مدیریت مغزها و دستها و دل ها که قبلاً توضیح دادیم.

۲. مدیریت یادگیری/آموزش

۳. مدیریت موقعیت (محیط)

۴. مدیریت زمان مکان

۵. مدیریت اجرای برنامه های مورد نظر، قبل و ضمن و پس از اجرا (تصمیم گیری)

۶. مدیریت امکانات و تجهیزات یا وسایل و ابزارها

۷. مدیریت روابط و ارتباطات

۸. مدیریت علوم و معارف و مهارت ها

۹. مدیریت انتظارات

-شرکت کنندگان

- مدرسه یا اولیای آموزش پرورش

-علم و مهارت و فن

-جامعه و جهان

۱۰. مدیریت ارزشیابی پیامدها

۱۱. مدیریت فیدبک

ارزشیابی فعالیت های فوق برنامه یا خارج از کلاس درس رسمی

از دیدگاه مدرسه و معلمان

دیدگاه مدرسه و معلمان را درباره آثار و پیامدهای فعالیت های خارج از کلاس می توان چنین خلاصه کرد:

۱. نیازهای رشد و تکاملی هر دانش آموز را ارضا می کنند.

۲. نوعی تفریح سالم هستند.

۳. کودکان و نوجوانان را به سوی صرف ارزشمند اوقات فراغت راهنمایی می کنند.

۴. به رشد و گسترش توان و مهارت های رهبری در دانش آموزان کمک می کنند.

۵. توان و مهارت سازگاری اجتماعی مطلوب را در کودکان و نوجوانان افزایش می دهند.

۶. فرصتی برای پذیرش مسئولیت خدمات اجتماعی تلقی می شوند.

۷. محیط مدرسه را نشاط انگیز و لذت بخش می گردانند.

۸. به سازگاری بهتر دانش آموزان با مقررات انضباطی مدرسه کمک می کنند.

۹. میزان همکاری با مشارکت میان دانش آموزان و معلمان، و میان خود دانش آموزان را افزایش می دهند..

۱۰. انگیزش خوبی برای همه حوزه های کار دانش آموزان به شمار می روند.

۱۱. تقریباً به اجرای موفق همه برنامه های مدرسه کمک می کنند.

۱۲. جوّ مدرسه را جویزندگی سالم می گردانند.

۱۳. به رشد و گسترش و استحکام روابط اجتماعی، اعم از رابطه با اولیای دانش آموزان و رابطه با نهاد های اجتماعی دیگر کمک مؤثری می کنند.

۱۴. فرصت بسیار مساعدی خواهند بود برای تجربه و تمرین خدمات بهداشتی/ اجتماعی.

از دیدگاه دانش آموزان

۱. لذت بخشی، بخصوص در:

- خدمات اجتماعی

- تشکیل انجمنها

- عضویت در سازمان های موسیقی یا هنرهای دیگر

- رقابت های ورزشی

۲. فرصت اظهار وجود و اثبات شایستگی

۳. شکوفایی و رشد خلاقیت در دانش آموزان

۴. شناخت و پذیرش خود واقعی دانش آموزان

۵. معناداری بیش از برنامه درسی برای بیشتر دانش آموزان

۶. درگیری و چالش مستقیم همه دانش آموزان و تأثیر مستقیم در خودگردان بار آمدن دانش آموزان

۷. امکان احساس لذت و شادی متقابل میان دانش آموزان

۸. امکان دریافت این واقعیت از سوی دانش آموزان که فعالیت های فوق برنامه، بخش مهمی از زندگی مدرسه هستند.

۹. موفقیت در این گونه فعالیت ها طبعاً به رشد و گسترش و افزایش عزت نفس و خودپنداری مثبت کمک خواهد کرد.

۱۰. درست فهمیدن ارزش های اجتماعی واقعی

۱۱. تبیین بهتر و ملموس حقوق و وظایف فردی و اجتماعی به دانش آموزان

۱۲. خلاصه، موفقیت ها و پیشرفت های فراوانی نصیب دانش آموزان خواهند شد.

از دیدگاه جامعه

۱. مدرسه را از بیگانگی یا احساس بیگانگی با مردم نجات می دهند و هر مدرسه عملاً خود را عضو مؤثر جامعه اش می داند و می پذیرد.
۲. هدف های آموزشی مدرسه با انتظارات جامعه هماهنگ می شوند.
۳. فرصتی مؤثر و خوش آیندی خواهند شد که اولیای دانش آموزان عملاً درگیر فعالیت ها و مسائل تربیتی مدارس باشند.
۴. جامعه، که سرمایه گذار کل آموزش پرورش کشور است عملاً توجه میشود که این سرمایه واقعا منافع بلند مدت فراوان و مؤثری برای مردم دارد.
۵. بعضی از اولیای دانش آموزان، که در امور و مواردی تخصص دارنده طبعاً علاقه مند خواهند شد که در خدمت مدرسه و دانش آموزان باشند و به رشد و افزایش مهارت های گوناگون ایشان کمک کنند. بدیهی است که در این صورت، مدرسه شکل کارگاه آموزشی واقعی را پیدا خواهد کرد که موفقیت بسیار بزرگی تلقی می شود. البته، موفقیت در این امر مهم تربیتی، به مهارت های مدیریت مدرسه بستگی دارد..
۶. فرصت های مستقیمی هستند که دانش آموزان، جامعه و فرهنگ خود را بهتر بشناسند.
۷. دانش آموزان عملاً مسائل جامعه خود را تجربه می کنند و یاد می گیرند که مسائل واقعی را چه گونه از مسائل کاذب (شبه مسأله) اجتماعی تشخیص دهند.
۸. همه دانش آموزان عملاً پیامدهای اجرای قوانین و مقررات اجتماعی را تجربه می کنند.
۹. دانش آموزان عملاً قوت ها و ضعف های موجود جامعه خود را در می یابند.
۱۰. مدیران و معلمان طبعاً خود را اعضای مؤثر جامعه احیا می کنند و از آن بیگانه نمی شوند.
۱۱. طبعاً جامعه، تعلق خاطر خاصی به مدارس و اولیای آنها پیدا می کند. این نیز به احتمال زیاد، به حل بسیاری از مشکلات اجرایی مدارس کمک خواهد کرد زیرا جامعه به طور عینی در خواهد یافت که مدارس و چنین برنامه هایی مورد علاقه کودکان و نوجوانان هستند.

فصل هفتم

فعالیت های اردویی

شرکت در هر گونه فعالیت فوق برنامه از جمله اردو هرگز نباید پاداش و کیفر تلقی شود زیرا حقی است برای همه ی دانش آموزان یک مدرسه در هر شرایطی که باشند.

از جمله فعالیت های آموزشی آزاد یا فوق برنامه یا خارج از کلاس، تشکیل یا برگزاری اردو و فعالیت های آموزشی اردویی است. این گونه فعالیت ها، همانند سایر فعالیت های فوق برنامه، از زمان های قدیم، معمول بوده اند؛ و به گروه سنی خاصی تعلق ندارند. نه تنها مدارس و دانشگاه ها یا مراکز آموزشی رسمی میان سایر شهروندان نیز متداول بوده اند. در سالهای و اخیر، مدارس کشور ما به فعالیت های اردویی توجه بیشتری دارند و تقریباً خوب هم سرمایه گذاری می شود. تقریباً در سراسر همین کتاب زیر عنوان های گوناگون، به این نکته تربیتی بسیار مهم اشاره و تأکید شده است که در ارزیابی فعالیت های گوناگون آموزشی باید پیامد های آنها را <<معیار>> یا <<محور اساسی>> ارزشیابی قرار داد: به این معنا که مهم نیست چه نوع فعالیت های آموزشی و در کدام مدارس یا حوزه ها و حتی به چه شکل هایی انجام داده ایم بلکه مهم این است که پیامدهای فردی و اجتماعی آنها چه بوده اند؟ به عبارت ساده تر، چه دادیم و چه گرفتیم؟ یا چه قدر هزینه کردیم یا سرمایه گذاری کردیم، در مقابل، چه قدر بهره بردیم؟ یا چه چیز دست گیرمان شد؟

اگر مدارس و دانشگاههای کشور ما بتوانند شهروندانی بار آورند که حداقل، از خصایص زیر برخوردار باشند می توانیم ادعا کنیم که فعالیت های آموزشی آنها مثبت و مؤثر بوده اند: مدیریت موفق، معلمان موفق، برنامه های درسی موفق، کتاب های درسی و سایر منابع یادگیری موفق، و تجهیزات موفق، یا به اصطلاح بازاری، تجارت ما کاملاً معقول و سودآور بوده است و دیناری از هزینه های خود را تلف نکرده ایم. یعنی دانشجویان و دانش آموزان:

۱. می توانند درست و انتقادی بیندیشند.
۲. می توانند مسائل واقعی را از مسائل کاذب تشخیص دهند.
۳. می توانند احساس کنند یا دارای احساسات سالم باشند.
۴. می توانند در پندار و گفتار و کردارشان صادق باشند.
۵. می توانند دیگران را درک کنند.
۶. می توانند افکار و عقاید مخالف را براحتی تحمل کنند.
۷. می توانند با دیگران ارتباط برقرار کنند.
۸. می توانند به دیگران احترام بگذارند.
۹. می توانند از عزت نفس و خودپنداری مثبت برخوردار باشند.
۱۰. با مهارت های ضروری زندگی معاصر آشنا هستند.

۱۱. احساس آزادی و مسئولیت پذیری را دو روی یک سکه می دانند.
۱۲. به خویشتن و جامعه و علم و حرفه اعتماد دارند.
۱۳. از عشق و جرأت برخوردارند.
۱۴. خود را مسئول اعمال خویش و جامعه می دانند.
۱۵. محدودیت های وجودی و حیاتی خود را می شناسند و می پذیرند.
۱۶. عوامل کنترل را در درون خویشتن جست و جو می کنند.
۱۷. در انتقاد از خویشتن و از دیگران مهارت دارند و افراط نمی کنند.
۱۸. حساس و فعال و خلاق هستند.
۱۹. در خودگردانی مهارت دارند.
۲۰. از یادگیری مداوم لذت می برند.
۲۱. مولد خوب و مصرف کننده خوب هستند.
۲۲. می توانند خانواده سالم تشکیل دهند.
۲۳. می توانند همسران و پدران و مادران موفق باشند.
۲۴. می توانند از اوقات فراغت خود بهتر استفاده کنند.
۲۵. خود را در حال تحول و رشد و تکامل (شدن) می بینند نه کامل.
۲۶. از عقده حقارت و احساس حقارت رنج نمی برند.
۲۷. همیشه به سازندگی می اندیشند و تلاش می کنند نه به ویران گری.
۲۸. می دانند و می پذیرند که حق و وظیفه، تفکیک ناپذیرند.
۲۹. میراث های اجتماعی خود را محترم می شمارند.
۳۰. تقوا پیشه اند. در پندار و گفتار و کردارشان تقوا دارند.
۳۱. خود را در حفظ محیط زیست، مسئول می دانند.
۳۲. در کار خیر، پیشگام اند.

فعالیت های آموزشی اردویی

کلمه «اردو» به معنای: گروه، دسته، لشکر، قشون و اردوگاه به کار می رود و معمولاً به گروه یا جمعی از افراد اطلاق می شود که برای انجام دادن فعالیت های خاص هدفمند یا به منظورهای خاص در خارج از شرایط یا موقعیت رسمی گرد هم می آیند و طبق برنامه و تحت نظارت و رهبری، فعالیت می کنند. اردو اصطلاحی است که ابتدا در حوزه ی نظامی (ارتش) مطرح شده و به کار رفته است و سپس به گروه های دانش آموزی، دانشجویی، کارگری و ... که در خارج از شرایط رسمی کار، دور هم جمع می شوند و فعالیت های معین جمعی انجام می دهند، تعمیم یافته است.

در این جا به مطالعه ی جایگاه فعالیت های اردویی دانش آموزی در حوزه ی آموزش-پرورش پیشرفته می

پردازیم. شاید ساده ترین توصیف از اردوی دانش آموزی چنین باشد: مجموعه ترکیبی شرایط زندگی واقعی در خارج از محیط آموزشی رسمی. و شرکت در اردو یعنی تمرین و تجربه ی زندگی واقعی یا همه ی مسائل و آسایش هایی که ممکن است، داشته باشد. به عبارت دیگر، اردو یا اردوگاه نوعی شبیه سازی زندگی واقعی است.

آموزش-پرورش پیشرفته

بالتر به اصطلاح «آموزش-پرورش پیشرفته» اشاره کردیم و برای روشن شدن منظور مؤلف از این اصطلاح، بهتر است پیش از ادامه بحث درباره ی فعالیت های اردویی، به ویژگی های آموزش-پرورش پیشرفته اشاره کنیم.

کلمه ی «پیشرفت» مفهوم مخالف سکون و در جازدن است. پیشرفت بدون حرکت، غیرممکن است: حرکت هدفمند، حرکت رو به جلو، حرکت خردمندانه، حرکت جهت دار، و حرکت قابل ارزیابی. بنابراین، وقتی از آموزش-پرورش پیشرفته، سخن می گوئیم به آن نوع تربیت یا آموزش-پرورش توجه داریم که مدام رو به پیش در حرکت است و فرزند زمان است بدون این که برده زمان باشد. آموزش-پرورشی که آینده نگر است بدون این که از گذشته و حال غافل باشد. بدیهی است که آموزش-پرورش پیشرفته در مدارس امکان دارد که مدیران و معلمان پیشرفته دارند: مدیران و معلمان شایسته زمان. آموزش-پرورش (تربیت) پیشرفته را می توان با خصایص زیر معرفی کرد:

- نگرش سیستمی به فرد (وحدت رفتار) و خودداری از تجزیه او به تن و روان.

- ارزشمند و محترم شمردن همه ی معلمان و دانش آموزان یا

دانشجویان و اولیای ایشان در هر شرایط که باشند.

- همگان را در کیفیت آموزش-پرورش، مسئول دانستن.

- آموزش پرورش مطلوب را حق همه شهروندان دانستن.

- تلاش به خودگردان بار آوردن همه ی کودکان و نوجوانان.

- تاکید فراوان و پیوسته روی ستون های پنج گانه یادگیری و آموزش به قرار زیر:

* آموختن برای زیستن و شدن

* آموختن برای دانستن

* آموختن برای به کار بستن

* آموختن برای باهم زیستن و مشارکت

* آموختن چه گونه آموختن

- آموزش دور بودن از ترس، جهل، طمع، تعصب، و تقلید

- آموزش عشق و جرأت در امور زندگی

- آموزش لذت بردن مشروع از زندگی یا بهره مندی از زندگی لذت بخش (فردی و جمعی)

- شخصی تلقی کردن یادگیری به این معنا که خود دانش آموزان و دانشجویان مسئول یادگیری هستند و از معلمان شان جز راهنمایی انتظاری ندارند.

- اولویت دادن به آموزش-پرورش کیفی با کیفیت کار مدارس
- مجهز ساختن کودکان و نوجوانان با مهارت های اساسی از قبیل:
 - * مهارت برقراری ارتباط های مخصوصاً کلامی مؤثر
 - * مهارت ارتباط سالم با طبیعت یا محیط زیست و استفاده درست از آن
 - *مهارت اداره امور خانوادگی مهارت حل مسائل زندگی واقعی
- *مهارت احساس آرامش و اطمینان خاطر نسبی در زندگی (در محیط خانه، محیط کار، جامعه، و جهان)
- *مهارت اجتماعی بودن، اجتماعی اندیشیدن، و اجتماعی عمل کردن
- *مهارت در بازانديشي و فراتر انديشي جرأت انتقادی و متفاوت اندیشی لذت بردن از فعالیت ها و خدمات مشارکتی (اجتماعی)
- * مهارت خود گردانی فکری و عاطفی و عملی
- *مهارت در زمینه سازی یا مساعد ساختن محیط و موقعیت
- * مهارت در مدیریت زمان مکان و ابزار
- * مهارت در مدیریت مغزها (معلومات) دست ها (مهارتها) و دل ها (عواطف و احساسات)
- * مهارت در مدیریت استعدادها و توانایی های خویشتن و همکاران
- * مهارت در آرایش مطلوب محل و موقعیت زندگی و کار
- * مهارت در جلب محبت متقابل و پذیرش متقابل
- * مهارت در فراهم آوردن امکانات موفقیت برای همکاران هنگام مدیریت گروه
- * مهارت و برخورداری از شایستگی های لازم برای شاد و موفق زیستن در عصر حاضر
- * مهارت در برخورد موفق باتحول و تغییر پیش بینی نشده
- *مهارت و جرأت خلاقیت

یا آموزش پرورش معاصر، عمدتاً، متوجه فردا همواره تلاش می کند که همه شهروندان خردسال و بزرگسال را طوری بار آورد یا زمینه و شرایط تربیت را طوری آماده گرداند که کودکان و نوجوانان:

الف. دارای خصایص مذکور و سایر خصایص مورد انتظار باشند؛

ب. پیوسته آن خصایص را در خودشان رشد و گسترش دهند و تقویت کنند.

از جمله بهترین و مؤثرترین فرصت ها برای کمک کردن به رشد و تقویت خصایص مذکور در کودکان و نوجوانان (دانش آموزان و دانشجویان)، تشکیل و برگزاری اردوهای گوناگون و فعالیتهای اردویی است. حتی می توان گفت که ساختار اردو و فعالیت های اردویی طوری است که امکان یادگیری و رشد و تقویت آن گونه خصایص را در همه ی دانش آموزان ، هرچند در زمان کوتاه اردویی، بیش از محیط بسته مدرسه و کلاس دارد. به شرط این که:

۱. خود اولیای مدرسه، فلسفه ی برگزاری اردو های آموزشی را به خوبی دریافته باشند و پیش از آن هم شخصاً از فلسفه ی تربیتی روشنی بهره مند باشند، که قبلاً هم گفتیم «چه گونه زیستن برای کسانی مطرح است که چه رأیی برای زیستن دارند. از نیچه» و چه گونه تربیت کردن یا چه گونه ی فعالیت های آموزشی یا تربیتی در مراکز آموزشی برای مدیران و معلمان مطرح است که چه رأیی برای آموزش پرورش داشته باشند: فلسفه آموزش-پرورش

۲. خود اولیای مدرسه، خصوصاً مسئولان تشکیل و اداره ی اردوهای آموزشی واقعیت و ویژگی های آموزش-پرورش پیشرفته یا کیفی را دریابند و بپذیرند و همه ی نکات یا موارد آن برای ایشان روشن باشند.

۳. بدانند چه گونه می توان زمینه و ساختار اردو و فعالیت های اردویی را برای یادگیری و رشد و تقویت خصایص مذکور در همه دانش آموزان آماده و مساعد گردانید.

۴. با زیست شناسی و روان شناسی و جامعه شناسی دانش آموزان، در مقطع سنی شرکت در اردو، دقیقاً آشنا باشند.

۵. به انتظارات زیر دقیقاً توجه کنند و لحظه به لحظه میزان موفقیت خود و دانش آموزان را در پاسخ گویی به این انتظارات ارزشیابی کنند:

الف. انتظارات شرکت کنندگان

ب. انتظارات آموزش-پرورش

پ. انتظارات مدرسه یا مدیریت مدرسه

ت. انتظارات سرمایه گذاران اصلی (والدین ها و جامعه)

ث. انتظارات خود مسئولان اردو

نقش های اردو در حوزه آموزش پرورش

۱. نقش تفریحی سالم

۲. نقش آموزشی (تربیتی)
۳. نقش درمانی یا بهداشتی
۴. نقش حرفه ای
۵. نقش اجتماعی
۶. نقش احساساتی و عاطفی
۷. نقش علمی و فنی و هنری
۸. نقش ارتباطی

رفتار تیمی یا گروهی

- همه ی فعالیت های آموزشی به ویژه در حوزه ی فوق برنامه و اردویی، هدفهای زیر را دنبال می کنند:
۱. هر فرد از رشد و تکامل طبیعی و سالم برخوردار شود.
 ۲. هر فرد بتواند استعدادهای خود را به شیوه مطلوب شکوفا کند و مؤثر یا سودمند گرداند.
 ۳. هر فرد بتواند آزادانه توانایی ها و مهارت های مورد نیاز زندگی سالم و لذت بخش را کسب کند.
 ۴. هر فرد از بودن و کار کردن با دیگران خوشحال باشد و لذت ببرد.
 ۵. هر فرد بتواند شهروند مؤثر جامعه خود و حتی جهان بشود.
 ۶. هر فرد بتواند <<خودگردان>> باشد.
 ۷. به طور کلی، هر فرد همان شود که می تواند یا به اصطلاح، خدای مهربانش می خواهد.

رفتار گروهی (تیمی) پذیرفته

- گوش دادن فعال به ارتباط دو نفری
- به کار بردن ضمیر «من» در توضیحاتی که از آن ها سرزنش استنتاج می شود
- احترام گذاشتن به حقوق، نیازها، و احساسات دیگران
- تشویق دیگران به شرکت در بحث های گروهی
- شرکت کردن باز در اطلاعات و تجربه
- مسئولیت افکار و اعمال خود را به عهده گرفتن
- دریافتن و بیان احساسات مثبت و منفی
- بیان راحت عقاید
- پاسخ دادن به انتقاد ها بدون دفاع

رفتار گروهی (تیمی) ناپذیرفته

- بی علاقه‌گی به نیازهای شخصی دیگران
- کاربرد پرخاشگرانه کلماتی از قبیل <<همیشه>> و <<هرگز>>
- نمایش گرایش منفی نسبت به تغییر، دیگران و کلاً ساختار گروه
- نشان دادن نیاز به <<برجسته>> بودن گروه
- به سرعت و بدون امتحان درباره دیگران قضاوت کردن
- بی علاقه بودن به شرکت یا مشارکت، همکاری، و تعیین هدف
- ردّ کردن کمک به اعضای گروه دیگر هنگام درخواست
- بی احترامی، تقلب، سرزنش، تعصب، ذهن بسته، سلطه جویی
- عذرخواهی و بی علاقه‌گی یا ناتوانی در انجام دادن کار با کیفیت مطلوب

شناخت های مورد نیاز در پرداختن به فعالیت های اردویی

۱. در برنامه ی درسی همه ی مراکز تربیت معلم کشور، مباحثی درباره ی شناخت فعالیت های فوق برنامه از جمله فعالیت های آموزشی اردویی منظور شود.
۲. هر مدرسه، در آغاز سال تحصیلی، اعضا یا اولیای آموزشی خود را با این گونه فعالیت ها آشنا کند.
این آشنایی با دادن شناخت همراه با مهارت عملی عمدتاً موارد زیر را شامل خواهد شد:
 ۱. شناخت فلسفه ی ضرورت فعالیت های آموزشی آزاد در مدارس
 ۲. شناخت تحلیلی و تبیینی این فعالیت ها یا روشن کردن مؤلفه ها، پیامدهای احتمالی، مشکلات، امکانات ضروری، و انتظاراتی خانواده ها، دانش آموزان، مدرسه، جامعه، و جهان.
 ۳. شناخت روش ها و شرایط انجام دادن این فعالیت ها
 ۴. شناخت ویژگی های فعالیت های اردویی
 ۵. شناخت انواع فعالیت های اردویی و روش ها و شرایط انجام دادن هر کدام از آن ها و برگزاری هر اردو
 ۶. شناخت شرایط مناسب زمانی / مکانی برای برگزاری اردو های آموزشی.

۷. شناخت عوامل مؤثر در مساعدشدن زمان و مکان اردوها
۸. شناخت چگونگی ارزشیابی آثار و پیامدهای فعالیت های اردویی
۹. شناخت چگونگی مدیریت برنامه ریزی و اجرای برنامه های اردویی
۱۰. شناخت اخلاق اردویی

۱۱. شناخت میزان و چگونگی ارتباط فعالیت های اردویی یا فعالیت های آموزشی داخل مدرسه
۱۲. شناخت چگونگی تشکیل پرونده ی اردویی برای تک تک شرکت کنندگان در هر اردو، شامل ویژگی های شخصی، تحصیلی، مشارکت و فعالیت در اردو
۱۳. شناخت چگونگی پرداختن و مدیریت همزمان دل ها، دست ها، و مغز های شرکت کنندگان به طوری که دانش آموزان در طول اردو، تغییر رفتار پیدا کنند و عملاً نشان دهند که این اردو برای ایشان واقعاً سودمند بوده است به این معنا که هم بر معلومات و اطلاعات شان اضافه شده، هم مهارت های زندگی تازه ای را کسب کرده، و هم دل های شان نرم و پر مهر شده و بیش از پیش نسبت به همدیگر مهربان شده اند.

هرگزهای تربیتی

از جمله ویژگی های مدرسه امروز یا مدرسه کیفی یا مدرسه زنده، که در سراسر همین کتاب مطرح بود، این است که چنین مدرسه ای:

۱. متحرک و محرک است و تحرک، اساسی ترین نشانه ی زنده بودن است. مدرسه ی بی تحرک، مدرسه ای است کلیشه ای یا قالبی، تقلیدی، و یکنواخت؛ و نتیجتاً خسته کننده و زجر آور. در چنین شرایطی، طبعاً از آموزش و یادگیری مؤثر و فعال خبری نخواهد بود.
 ۲. حتماً انسان گرا خواهد بود به این معنا که همه ی دانش آموزان و دانشجویان، مورد احترام اند. هیچ گونه طبقه بندی، جز رده بندی کلاس ها، در آن وجود ندارد. وضع زندگی یا سلامت زندگی، محور همه ی فعالیت های آموزشی آن مدرسه است اعم از زندگی معلمان، کارکنان و دانش آموزان.
- در چنین مدرسی می توان «هرگزهای تربیتی» زیر را مطرح کرد:
۱. هرگز دانش آموزان را تنبیه، به ویژه تنبیه بدنی، نکنید.
 ۲. هرگز از برقرار کردن محدودیت های معقول به کمک دانش آموزان خودداری نکنید.
 ۳. هرگز همه ی تصمیم های دانش آموزان را شما نگیرید.
 ۴. هرگز هنگامی که کنترل خود را از دست داده اید، تنبیه نکنید.

۵. هرگز دانش آموزان را با نام ها و لقب های موهن صدا نکنید.
۶. هرگز پیام نامفهوم یا قابل تعبیر و تفسیر نفرستید.
۷. هرگز در تلاش های سودمند و مؤثر همکاران و دانش آموزان کارشکنی نکنید.
۸. هرگز وعده ای ندهید که نتوانید به آن وفا کنید.
۹. هرگز دانش آموزان را به خودتان وابسته نکنید.
۱۰. هرگز کار آموزش یا تربیت را تعارفی و تظاهری انجام ندهید.

ارتباط برنامه و فوق برنامه درسی و زندگی سالم

ارتباط برنامه و فوق برنامه درسی و زندگی سالم

